





### سیمای سوره‌ی قصص

این سوره هشتاد و هشت آیه دارد و قبل از هجرت، در مکه نازل شده است. به مناسبت ورود کلمه «قَصَص» در آیه‌ی ۲۵، این سوره نیز «قَصَص» نام گرفته است که به معنای «بیان سرگذشت» می‌باشد.

آیات ۳ تا ۶۶ این سوره بطور مفصل به ماجرای حضرت موسی و فرعون و آیات انتهایی آن نیز به داستان قارون می‌پردازد و به سرنوشت صابران نیکوکار و فاسدان گناهکار اشاره می‌فرماید.

اگر چه در سی و چهار سوره از سوره‌های قرآن کریم به نحوی از ماجرای حضرت موسی و فرعون سخن رفته ولی تنها در این سوره است که به تمام زوایای زندگی آن حضرت از تولد، کودکی، جوانی تا ازدواج، نبوت و دعوت به یکتاپرستی توجه شده است.<sup>(۱)</sup>

---

۱. تفسیر فی ظلال القرآن.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان.

﴿ ۱ ﴾ طَسَمَ ﴿ ۲ ﴾ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ

طا، سین، میم. اینها آیات کتاب روشنگر است.

﴿ ۳ ﴾ نَتْلُوا عَلَيْكَ مِنْ نَبَأِ مُوسَىٰ وَفِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

ما بخشی از سرگذشت موسی و فرعون را برای (آگاهی) گروهی که ایمان می‌آورند، به درستی بر تو می‌خوانیم.

### پیام‌ها:

- ۱- قرآن، معجزه‌ی ابدی اسلام، از همین حروف الفبای عربی تشکیل شده است، اگر آن را کلام بشر می‌دانید شما نیز مثل آن را بیاورید. ﴿طسم، تلك آیات﴾
- ۲- قرآن، کتاب روشن، شفاف و همه فهم است. ﴿الکتاب المبین﴾
- ۳- بیان سرگذشت پیشینیان، نشانه‌ی قانونمند بودن سنت‌های الهی در تاریخ است. اگر تاریخ، حساب و کتاب و قانون نداشت، ما نمی‌توانستیم از آن برای زندگی امروز خود استفاده کنیم. ﴿تتلوا... من نبأ موسی... لقوم یؤمنون﴾
- ۴- در نقل تاریخ، به فرازهای مهم و عبرت‌آموز توجه کنیم. («نبأ» به خبر مهم گفته می‌شود)
- ۵ - مبارزه پیامبران با طاغوت‌ها و ستمگران، الگوی مؤمنان است. ﴿نبأ موسی و فرعون... لقوم یؤمنون﴾

- ۶- داستان‌های قرآن، خرافه، خیالی و گزافه نیست. ﴿نبا موسى و فرعون بالحق﴾  
 ۷- هدف قرآن از بیان داستان، هدایت مؤمنان است. ﴿لقوم يؤمنون﴾  
 ۸- اولین شرط هدایت، قابلیت است. ﴿لقوم يؤمنون﴾

﴿۴﴾ إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً  
 مِنْهُمْ يُذَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ

همانا فرعون در سرزمین (مصر) سرکشی کرده و مردم آنجا را فرقه  
 فرقه نموده است، گروهی از آنان را به زبونی و ناتوانی کشانده،  
 پسرانشان را سر می‌برد و زنانشان را (برای کنیزی) زنده نگه می‌دارد.  
 به راستی که او از تبهکاران است.

#### نکته‌ها:

- کلمه‌ی «شِيع» جمع «شِيعَة»، در اصل به معنای دنباله‌روی و تبعیت است ولی از آنجا که در یک گروه، معمولاً بعضی از بعضی دیگر پیروی می‌کنند، به معنای گروه نیز می‌آید.
- کلمه‌ی «نساء» به معنای زنان است، ولی شاید در این آیه مراد دختران باشند، زیرا در برابر پسران قرار گرفته‌اند.
- کلمه‌ی «فرعون» نام شخص نیست، بلکه عنوان پادشاهان مصر بوده است. چنانکه «کسری» عنوان پادشاهان ایران و «قیصر» عنوان پادشاهان روم بوده است.<sup>(۱)</sup>

#### پیام‌ها:

- ۱- شناخت اوضاع و احوال جوامع در هنگام ظهور و بعثت پیامبران، امری لازم است. ﴿إِنَّ فِرْعَوْنَ...﴾
- ۲- در شناخت نظام‌ها، اشخاص مهم نیستند، بلکه عملکردها اهمیت دارند. ﴿إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ﴾ (نام «فرعون» به‌خاطر عملکرد استکباری و متجاوزانه اوست)

۱. لغتنامه دهخدا.

۳- تکبر و گردنکشی، زمینه‌ی فساد و گناه است. ﴿علا فی الارض... یتضعف... یدبّح...﴾

۴- تفرقه اندازی، بارزترین اهرم سلطه مستکبران بر مردم است. ﴿جعل اهلها شیعا﴾ (تا وقتی مردم اتحاد و همبستگی داشته باشند، طاغوت‌ها قدرتی ندارند و نمی‌توانند کاری از پیش ببرند.)

۵- تفرقه، مقدمه‌ی ذلت‌پذیری است. ابتدا مردم گروه‌گروه و متفرق می‌شوند سپس به استضعاف کشیده می‌شوند. ﴿شیعاً یتضعف﴾

۶- اعمال خلاف کارگزاران، به پای حاکم نیز حساب می‌شود. در این آیات تمام جنایات یاران فرعون، به شخص او نیز نسبت داده شد. ﴿جعل، یتضعف، یدبّح﴾

۷- خداوند، مسأله تفرقه افکنی را قبل از قتل و کشتار ذکر فرموده است. شاید به خاطر آن که تفرقه زمینه‌ی کشتن و یا مهم‌تر از کشتن است. ﴿شیعاً... یدبّح﴾

۸- سیاست‌گذار و دستوردهنده نیز عامل و فاعل جرم شناخته می‌شود. ﴿انّ فرعون... یتضعف، یدبّح، یتحیی﴾

۹- تفرقه افکنان مفسدند. ﴿کان من المفسدین﴾

آری هر جامعه که حاکمش متکبر، مردمش متفرق، نیروهای فعالش مورد تهدید و منافعش در کام طبقه مرفّه باشد، جامعه‌ای فرعون‌ی و طاغوتی است.

﴿۵﴾ وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ

أُمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ

و ما اراده کرده‌ایم بر کسانی که در زمین به ضعف و زبونی کشیده شدند، منت گذاریم و آنان را پیشوایان و وارثان (روی زمین) قرار دهیم.

نکته‌ها:

□ کلمه‌ی «منت» در این جا به معنای نعمت بزرگ و با ارزش است، نه منت زبانی که بازگو کردن نعمت به قصد تحقیر دیگران باشد و مسلماً کار زشت و ناپسندی است.

□ شکی نیست که هرگاه اراده‌ی الهی بر تحقق امری تعلق گیرد، آن مسئله قطعاً عملی خواهد شد و هیچ مانعی نمی‌تواند سدّ راه آن گردد، قرآن می‌فرماید: ﴿أَمَّا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾<sup>(۱)</sup> همانا فرمان اوست که هرگاه چیزی را اراده کند که باشد، پس آن چیز خواهد بود و محقق خواهد شد.

□ با این‌که همه نعمت‌ها از جانب خداوند است و بندگان در هر نعمتی رهین منت او هستند، لیکن او در خصوص چند نعمت، تعبیر به منت فرموده که طبعاً از اهمیت بالای آنها حکایت دارد، از جمله:

الف: نعمت اسلام. ﴿كَذَلِكَ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِ فَمَنْ اللَّهُ عَلَيْكُمْ﴾<sup>(۲)</sup>

ب: نعمت نبوت. ﴿لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا﴾<sup>(۳)</sup>

ج: نعمت هدایت. ﴿بَلِ اللَّهُ يُنِّيُّ عَلَيْكُمْ أَنْ هَدَاكُمْ﴾<sup>(۴)</sup>

د: نعمت حاکمیت مؤمنان. ﴿وَأَنْ تُرِيدَ أَنْ تُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعَفُوا فِي الْأَرْضِ...﴾

□ در روایات بسیار، حضرت مهدی علیه السلام و حکومت آن بزرگوار در آخرالزمان مصداق اتم این آیه معرفی شده است.<sup>(۵)</sup>

□ مسئله حاکمیت مستضعفان بر زمین، با عبارات و بیان‌های مختلفی در قرآن آمده است:

الف: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ﴾<sup>(۶)</sup> خداوند به کسانی که ایمان آورده و کار شایسته انجام داده‌اند، وعده‌ی خلافت در زمین را داده است.

ب: ﴿وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوا... ثُمَّ جَعَلْنَاكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ﴾<sup>(۷)</sup> بعد از آنکه اقوام ستمگر پیشین را هلاک کردیم... شما را جانشینان زمین قرار دادیم.

ج: ﴿إِنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾<sup>(۸)</sup> بندگان صالح، وارث زمین می‌شوند.

د: ﴿وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضَعَفُونَ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا﴾<sup>(۹)</sup> ما مستضعفان را وارث شرق و غرب زمین گردانیدیم.

۳. آل عمران، ۱۶۴.

۲. نساء، ۹۴.

۱. یس، ۸۲.

۶. نور، ۵۵.

۵. تفسیر کنزالدقایق.

۴. حجرات، ۱۷.

۹. اعراف، ۱۳۷.

۸. انبیاء، ۱۰۵.

۷. یونس، ۱۳ و ۱۴.

ه: ﴿لنهلكنّ الظالمين . ولنسكننكم الارض من بعدهم﴾<sup>(۱)</sup> ما ستمگران را نابود و بعد از آن شما را ساکن زمین می‌گردانیم.

□ مراد از مستضعفان در این آیه، با توجه به مجهول بودن فعل ﴿استضعفوا﴾، کسانی هستند که خود در این امر نقش نداشته و استکبار آنها را به استضعاف کشیده باشد.

### پیام‌ها:

- ۱- حکومت جهانی مستضعفان و حمایت از مظلومان تاریخ، اراده و خواست الهی است. ﴿نُرید﴾
- ۲- در حکومت خودکامه طاغوتی، نیروهای کارآمد به ضعف کشانده می‌شوند. ﴿استضعفوا﴾
- ۳- آینده از آن مستضعفان است. ﴿نجعلهم ائمه...﴾
- ۴- امامت، همچون بعثت، نعمت ویژه‌ای است که خداوند بر مردم منت می‌نهد. در مورد بعثت پیامبر می‌فرماید: ﴿لقد منّ الله علی المؤمنین اذ بعث فیهم رسولا﴾<sup>(۲)</sup> در این جا می‌فرماید: ﴿من... نجعلهم ائمه﴾

﴿ ٦ ﴾ وَنُمَكِّن لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِي فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُم مَّا كَانُوا يَحْذَرُونَ

و به آنان (مستضعفان) در زمین، قدرت و تمکن بخشیم، و از ناحیه آنان به فرعون و (وزیرش) هامان و سپاهیانشان آنچه را که از آن بیمناک بودند نشان دهیم.

### پیام‌ها:

- ۱- مستضعفان مایوس نشوند که خداوند به آنان نیز قدرت می‌دهد. ﴿وَنُمَكِّنْ لَهُمْ﴾
- ۲- اگر چه کیفر اصلی طاغوت‌ها در جهان دیگر است، ولی در دنیا نیز از قهر الهی در امان نخواهند بود. ﴿نُرَى... ما كانوا يحذرون﴾

۱. ابراهیم، ۱۳ - ۱۴. ۲. آل عمران، ۱۶۴.

۳- خداوند، کافران را به دست مؤمنان، ذلیل و خوار می‌گرداند. ﴿ثُرَى... مَکَانُوا یَحْذَرُونَ﴾

۴- دشمن هر قدر بزرگ باشد، از مؤمنان هراس و وحشت دارد. ﴿مَکَانُوا یَحْذَرُونَ﴾

﴿۷﴾ وَ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خَفَتْ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكَ وَجَاعِلُوهُ مِّنَ الْمُرْسَلِينَ

و ما به مادر موسی الهام کردیم که او را شیر بده، پس هرگاه (از فرعونیان) براو بیمناک شدی، او را (در جعبه‌ای گذاشته و) به دریا بیفکن و (از این فرمان) مترس و (از دوریش) غمگین مباش، (زیرا) ما او را به تو بازمی‌گردانیم و او را از پیامبران قرار می‌دهیم.

﴿۸﴾ فَأَلْتَقَطَهُ آلُ فِرْعَوْنَ لِئَكُونَ لَهُمْ عَدُوًّا وَحَزَنًا إِنَّ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا كَانُوا خَاطِئِينَ

پس (مادر موسی چنان کرد، چیزی نگذشت که) فرعونیان، او را (دیدند و از آب) برگرفتند تا سرانجام، دشمن و مایه اندوهشان گردد. همانا فرعون و هامان و سپاهیان‌شان خطاکار بودند.

#### نکته‌ها:

- به فرعون گفته شده بود که امسال کودکی به دنیا می‌آید که اگر بزرگ شود تو را سرنگون می‌کند. او دستور داد تمام نوزادانی را که به دنیا می‌آیند بکشند؛ اما همین که موسی به دنیا آمد، خداوند به مادرش الهام کرد که او را شیر دهد، آنگاه در صندوقی گذارده و به دریا اندازد.
- در این آیه نسبت به مادر حضرت موسی، دو امر، دو نهی و دو بشارت آمده است: دو امر: «أَرْضِعِيهِ - أَلْقِيهِ»، دو نهی: «لَا تَخَافِي - لَا تَحْزَنِي»، دو بشارت: «رَادُّوهُ - جَاعِلُوهُ»



- کلمه «خوف»، در مورد احتمال خطر و کلمه «حُزن» در مورد نگرانی قطعی بکار می‌رود.<sup>(۱)</sup>
- مراد از دریا در این آیه، رود عظیم نیل در کشور مصر است که به جهت بزرگی و عظمت، دریا خوانده شده و کاخ فرعون در ساحل آن بنا شده بود.
- وقتی خداوند بخواهد، دشمن انسان نیز مأمّن و ملجأ او می‌شود. «التقطه آل فرعون» (عدو شود سبب خیر، گر خدا خواهد).
- گر نگهدار من آن است که من می‌دانم شیشه را در بغل سنگ نگه می‌دارد.

### پیام‌ها:

- ۱- در اضطراب‌ها و بن‌بست‌ها، خداوند بهترین هادی و حامی مؤمنان است. «اوحینا»
- ۲- زن نیز می‌تواند مورد الهام الهی قرار گیرد. «اوحینا الی امّ موسی»
- ۳- نزول امدادهای غیبی با بهره‌گیری از امکانات مادی منافاتی ندارد. شیردادن و در صندوق گذاردن، منافاتی با توکل ندارد. «ارضعیه»
- ۴- در هیچ شرایطی نباید شیر مادر را از فرزند دریغ داشت. «ارضعیه»
- ۵- در دستورهای الهی اسراری نهفته است که شاید در نظر ابتدایی، معقول نیاید. «القیه فی الیم»
- ۶- در راه اجرای فرامین الهی، نه از چیزی بترسیم و نه نسبت به مسئله‌ای نگران باشیم. «لاتخافی و لاتحزنی» (مادر موسی دو نگرانی داشت: یکی ترس از کشته شدن فرزند و دیگری غم فراق او، که خداوند هر دو را همان‌گونه که در آیات بعد خواهیم خواند به نحو احسن جبران فرمود).
- ۷- آنچه در راه خداوند داده شود، به بهترین وجه باز می‌گردد. «القیه - رادّوه، جاعلوه من المرسلین» (مادر موسی به فرمان خداوند فرزندش را رها کرد، خداوند هم او را برگرداند و هم به مقام نبوت رساند).
- ۸- خداوند، اخباری از غیب را در اختیار افرادی که بخواهد قرار می‌دهد.

۱. تفسیر المیزان.

﴿جاعلوه من المرسلین﴾

- ۹- فرعون واسطه نجات موسی از دریا شد، و سرانجام به دست او در همان دریا غرق گردید. ﴿التقطه آل فرعون لیكون لهم عدوًّا وحزنا﴾ (آری، خدا می تواند نوزاد بی دست و پا را در دریا حفظ کند، ولی انسان صاحب دست و پا را غرق سازد)
- ۱۰- خواست انسان در مقابل اراده‌ی الهی بی اثر است. ﴿لیكون لهم عدوًّا و حزنا﴾ فرعون گمان کرد که هدیه‌ای برای او رسیده است؛ اما خداوند اراده فرموده بود که دشمنش را در دامان او پیروراند.
- ۱۱- فرعون و وزیر و لشکریانش طرح دادند و عمل کردند، ولی تدبیر خداوند همه‌ی آنها را خنثی کرد. ﴿کانوا خاطئین﴾
- ۱۲- طراح، مشاور، آمر و مباشر، همگی به نوعی در جرم شریکند. ﴿کانوا خاطئین﴾

﴿ ۹ ﴾ وَقَالَتِ امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ قُرَّتْ عَيْنِي لِي وَلَكَ لَا تَقْتُلُوهُ عَسَىٰ أَن يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ

و (چون) همسر فرعون (احساس کرد که آنان قصد کشتن کودک را دارند خطاب به فرعون) گفت: او را نکشید (که او) روشنی چشم من و توست. شاید به ما سودی برساند یا او را به فرزند بی بگیریم، ولی آنها نمی فهمیدند (که چه کسی را در آغوش خویش می پروراند).

#### نکته‌ها:

□ در زندگی حضرت موسی، چند زن، نقش محوری و اساسی داشته‌اند: مادر موسی، خواهر موسی، زن فرعون و همسر موسی، در این آیه نقش زن فرعون در جلوگیری از قتل او بیان شده است.

#### پیام‌ها:

۱- زنان، در امور اجتماعی دارای نقشی مؤثرند. ﴿قالت امرأت فرعون﴾

(زن فرعون، رأی فرعون را تغییر داد و شوکت، سلطنت و ثروت فرعون هیچ یک مانع او نشد)

۲- با طرح پیشنهادات صحیح و سریع، از القای طرح‌های انحرافی جلوگیری کنیم. قبل از آنکه فرعون تصمیم خود را ابراز کند، همسرش راه درست

برخورد با مسئله را القا نمود. ﴿قالت امرأت فرعون قُوَّةَ عین لی و لك لا تقتلوه﴾

۳- در بیان پیشنهادات از کلمات عاطفی و دلنشین استفاده کنیم. ﴿قُوَّةَ عین لی و لك﴾

۴- دل‌های همه به دست خداست. او می‌تواند سخت‌ترین دل‌ها همچون دل

فرعون را نیز نرم سازد. ﴿قُوَّةَ عین لی و لك﴾

۵- در برخورد با منکرات، ابتدا از راه عاطفه وارد شویم و سپس به امر و نهی

بپردازیم. ﴿قوة عین لی و لك لا تقتلوه﴾

۶- از نهی از منکر زبانی، غفلت نوزیم که بسیار کارساز است. ﴿لا تقتلوه﴾ (زن

فرعون با گفتن «لا تقتلوه» از کشته شدن موسی جلوگیری کرد، چنانکه یکی از

برادران یوسف با گفتن «لا تقتلوا یوسف» از کشته شدن یوسف جلوگیری کرد.)

۷- طاغوت‌ها از ابتدایی‌ترین عواطف انسانی نیز بی‌بهره‌اند و نیاز به تذکر دارند.

﴿لا تقتلوه﴾

۸- فوائد امر و نهی را بگوییم تا مردم آسان‌تر بپذیرند. ﴿لا تقتلوه عسی أن ینفعنا﴾

۹- در نظام طاغوتی، ملاک وضع یا لغو قوانین، هوس‌ها و منافع شخصی

طاغوت‌هاست. (قانون قتل عام نوزادان پسر، بر اساس منافع شخصی فرعون

وضع شد و باز بر پایه‌ی امید به منافع آینده در مورد نوزاد آب آورده

(حضرت موسی) همین قانون لغو گردید.) ﴿لا تقتلوه عسی أن ینفعنا﴾

۱۰- برخی انسان‌ها در ظاهر بسیار بلند پروازند، ولی در باطن اسیر نیازهای

درونی خویش هستند. فرعون که ادعا می‌کرد: ﴿انار بکم الاعلی﴾ سرانجام

می‌پذیرد که ممکن است یک نوزاد آب آورده برای او سودمند واقع شود.

﴿عسی أن ینفعنا﴾

- ۱۱- فرعون از فرزند پسر محروم بود. لذا با پذیرش نوزاد از آب آورده، به حقارت و عجز خود بیشتر پی برد. ﴿تَتَّخِذُهُ وَلَدًا﴾
- ۱۲- گاه ایجاد علاقه و محبت میان افراد بر اساس یک خط غیبی است که خود طرفین نیز از آن غافلند. ﴿وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ﴾

﴿ ۱۰ ﴾ وَأَصْبَحَ فُؤَادُ أُمِّ مُوسَىٰ فَارِغًا إِنْ كَادَتْ لَتُبْدِي بِهِ لَوْلَا أَن رَّبَّنَا عَلَيَّ قَلْبًا لِّتَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

ودل مادر موسی (از هر چیز، جز فکر فرزند) تهی شد (و) اگر قلب او را استوار نساخته بودیم تا از ایمان آورندگان (به وعده‌ی ما باقی) بماند، همانا نزدیک بود که (به واسطه جزع و فزع) آن (راز) را افشا کند.

﴿ ۱۱ ﴾ وَقَالَتْ لِأُخْتِهِ قُصِّيهِ فَبَصُرَتْ بِهِ عَنْ جُنُبٍ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ

(مادر موسی) به خواهر او گفت: (صندوق حامل موسی را) دنبال کن پس او از دور وی را زیر نظر داشت، در حالی که (دشمنان) متوجه نبودند (که) آنکه او را تعقیب می‌کند خواهر موسی است و از این تعقیب، چه هدفی دارد).

#### نکته‌ها:

□ تفسیر المیزان، آیه‌ی ﴿و اصبح فؤاد أم موسی فارغا﴾ را با توجه به سیاق و ظاهر آیات قبل و بعد، چنین معنا نموده‌اند: دل مادر موسی به واسطه‌ی وحی الهی آرام گرفت و دیگر خوف و ترسی نداشت و اگر آن وعده‌ی الهی نبود، مادر موسی به سبب شدت اضطراب، آن راز را افشا می‌کرد.

□ مادر موسی بعد از آنکه فرزندش را در صندوقی گذارده و در دریا انداخت، به خواهر موسی مأموریت داد تا مخفیانه این جریان را پیگیری کند. او نیز به دور از چشم مأموران حکومتی، صندوق را دنبال کرد تا این‌که از دریا نجات یافت و در دامان همسر فرعون قرار گرفت. او همچنان موسی را زیر نظر داشت تا این‌که متوجه شد درباریان فرعون به دنبال دایگانی

برای شیردادن به کودک هستند؛ اما موسی هیچ سینه‌ای را نمی‌پذیرد، سرانجام خواهر موسی با طرح پیشنهاد دایگی مادرش و پذیرش دربار، مأموریتش خاتمه یافت.

### پیام‌ها:

- ۱- افشای اسرار از نشانه‌های سستی و ضعف ایمان است. ﴿لتبدي به لولا ان ربطنا علی قلبها﴾
- ۲- آرامش دل‌ها به دست خداست. ﴿ربطنا علی قلبها﴾
- ۳- از نشانه‌های ایمان، آرامش خاطر و دل آرام است. ﴿ربطنا... لتكون من المؤمنین﴾
- ۴- آنچه در نظر الهی مهم است، ایمان است و زن و مرد تفاوتی ندارند. ﴿لتكون من المؤمنین﴾ در صورتی که باید می‌فرمود: «من المؤمنات»
- ۵- زنان و دختران نیز باید از تدبیرهای لازم در مسائل اجتماعی برخوردار باشند. ﴿قالت لأخته قصیه﴾
- ۶- در امور حساسیت برانگیز، کارها را به دیگران واگذار کنیم. ﴿لأخته﴾ در ماجرای موسی علیه السلام حساسیت بر روی مادر بیشتر بود و امکان داشت که مطلب افشا گردد.
- ۷- توکل به خدا به معنای بی‌تفاوتی در مسائل نیست. با این‌که مادر موسی زن باایمانی بود، ولی باز هم دخترش را برای تعقیب ماجرا فرستاد. ﴿من المؤمنین، قالت لأخته قصیه﴾
- ۸- در برخورد با نظام‌های طاغوتی و خفقان‌آور، تعقیب و مراقبت امری ضروری است. ﴿قصیه﴾
- ۹- برای حفظ اسرار، عادی‌سازی در رفتار یک امر لازم است. ﴿عن جُب﴾ (خواهر موسی از دور صندوق برادر را زیر نظر داشت، تا این مراقبت بسیار عادی باشد و سبب حساسیت و تحریک دشمن نشود).
- ۱۰- مؤمن، مأموریت خود را به دور از توجه دشمن به انجام می‌رساند. ﴿وهم لایشعرون﴾

﴿۱۲﴾ وَحَرَّمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِنْ قَبْلُ فَقَالَتْ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ أَهْلِ بَيْتٍ  
يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ وَهُمْ لَهُ نَاصِحُونَ

و ما (به دهان گرفتن سینه‌ی) زنان شیرده را از پیش بر او ممنوع کردیم، پس (خواهر موسی که مأموران را در جستجوی دایه دید) گفت: آیا می‌خواهید شما را بر خانواده‌ای راهنمایی کنم که سرپرستی او را برای شما بپذیرند و برای او خیرخواه باشند؟

### نکته‌ها:

□ «مراضع» جمع «مرضع»، یعنی زنان شیرده و دایه.

### پیام‌ها:

- ۱- اگر خداوند نخواهد، تشکیلات عریض و طویلی همچون دستگاه فرعون نیز از تأمین غذای یک کودک عاجز می‌ماند. ﴿حَرَّمْنَا﴾
- ۲- ابتدایی‌ترین کارها مثل مکیدن نوزاد نیز با اراده‌ی الهی است و اگر او نخواهد، اتفاق نخواهد افتاد. ﴿حَرَّمْنَا﴾
- ۳- رضاع و سپردن نوزاد به دایه برای شیردادن، سابقه‌ای تاریخی و طولانی دارد. ﴿المراضع﴾
- ۴- وقتی سر انسان متکبر به سنگ خورد، راهنمایی و پیشنهاد دیگران، حتی یک فرد ناشناس را نیز به راحتی می‌پذیرد. ﴿فَقَالَتْ هَلْ أَدُلُّكُمْ﴾
- ۵- پیشنهادات خود را در رابطه با چیزی که حساسیت برانگیز است، به طور عادی مطرح کنیم. ﴿هَلْ أَدُلُّكُمْ﴾
- ۶- در برابر دشمن باید زیرک بود. (خواهر موسی، نامی از مادر به میان نیاورد و نگفت: «علیٰ اُمّه»، بلکه آن را به صورت ناشناس ذکر کرد.) ﴿عَلَىٰ أَهْلِ بَيْتٍ﴾
- ۷- نیازمندی‌های نوزاد، منحصر در غذا نیست، بلکه او به خانواده و کانون محبت نیز احتیاج دارد؛ لذا خواهر موسی سخن از سرپرستی همه‌جانبه کرد، نه تنها

تغذیه. ﴿يَكْفُلُونَهُ﴾

- ۸- پیش نهادهای خود را به گونه‌ای مطرح کنیم که مخاطب، آن را به نفع خود بداند. ﴿يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ﴾
- ۹- کفالتی ارزشمند است که با خیرخواهی و محبت همراه باشد. ﴿يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ وَ هُمْ لَهُ نَاصِحُونَ﴾

﴿۱۳﴾ فَرَدَدْنَاهُ إِلَىٰ أُمِّهِ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ وَلَا تَعْلَمَ أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

پس ما (این‌گونه) او را به مادرش باز گردانیدیم تا روشنی چشم او باشد و غم نخورد و بداند که همانا وعده الهی حق است، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.

#### نکته‌ها:

□ گاهی اوقات عناوین برای انسان، مزاحم و مانعند. مثلاً در این ماجرا مادر موسی پذیرفت که به عنوان دایه فرزندش را شیر دهد؛ زیرا عنوان مادر، سبب قتل فرزند و آزار مادر می‌شد.

#### پیام‌ها:

- ۱- وعده‌های الهی تخلف ندارد. در آیه‌ی هفتم خداوند وعده داد که نوزاد را به مادر برگرداند و در این آیه می‌خوانیم که او را برگرداند. ﴿إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكِ - رَدَدْنَاهُ إِلَىٰ أُمِّهِ﴾
- ۲- نوزاد، نور چشم مادر است. ﴿كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا﴾
- ۳- برای اهل حق، اهداف مهم است، نه عناوین. ﴿رَدَدْنَاهُ إِلَىٰ أُمِّهِ﴾ سرانجام، فرزند به آغوش مادر بازگشت گرچه این بار، مادر به عنوان دایه استخدام شد؛ ولی عنوان مهم نیست، برگشتن نوزاد مهم است.
- ۴- مادر به واسطه‌ی ارتباط عمیق با فرزند، بیشترین نقش را در زندگی او دارد. ﴿إِلَىٰ أُمِّهِ﴾ (در این جا نامی از پدر موسی به میان نیامده است.)

- ۵- عاقبت، سختی‌ها بسر آمده و فراق به وصال خواهد انجامید. ﴿رَدَدْنَاهُ إِلَىٰ أُمِّهِ كَمَا تَقَرَّرَ عَيْنَاهَا﴾ (پس از مدّت‌ها نگرانی و غم، سرانجام خداوند، موسی را به مادر بازگرداند. ﴿إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾)
- ۶- اگر خداوند بخواهد، یک فرد، مایه‌ی امید و نور چشم دو گروه مخالف (خاندان فرعون و خاندان موسی) می‌شود. ﴿قُرَّةَ عَيْنٍ لِي وَلَكَ - تَقَرَّرَ عَيْنَاهَا﴾
- ۷- انبساط و شادی، حزن و اندوه، در بینایی انسان تأثیر دارد. ﴿تَقَرَّرَ عَيْنَاهَا﴾ چنانکه در آیه‌ی ۸۴ سوره‌ی یوسف، می‌خوانیم: دوری حضرت یوسف، باعث نابینایی حضرت یعقوب گردید. ﴿وَأَبْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ﴾
- ۸- ایمان به خداوند دارای مراحل و درجاتی است. مادر موسی بانویی مؤمنه بود، «رَبَطْنَا عَلَىٰ قَلْبِهَا لِتَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» امّا یک مؤمن نیز باید به مرحله‌ی یقین و علم عمیق برسد. ﴿لَتَعْلَمَنَّ أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ﴾
- ۹- فلسفه و دلیل بعضی حوادث، درک حَقَائِیْتِ وَعَدِهِ هَايِ الْهِي است. ﴿لَتَعْلَمَنَّ أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ﴾
- ۱۰- اکثر مردم ظاهر بین هستند و درکی از اسرار حکیمانه و نقشه‌های مدبرانه‌ی خداوند ندارند. ﴿كَأَكْثَرِهِمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾

﴿۱۴﴾ وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَىٰ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجْزِي

### الْمُحْسِنِينَ

چون موسی نیرومند شد و کامل گردید، به او حکمت و دانش عطا کردیم و ما این‌گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم.

### نکته‌ها:

- «أشُدُّ» از «شدّت»، به معنی نیرومند شدن و «استوی» از «استواء» به معنای کمال خلقت و اعتدال آن است.
- عبارت «حُكْمًا وَعِلْمًا» سه مرتبه در قرآن مجید آمده که در همه موارد، حُکْم بر علم مقدّم



شده است. «حُکَم» به معنای فهم درست و قدرت بر داوری صحیح و «عِلْم» به معنای داشتن آگاهی و اطلاعات است.

### پیام‌ها:

- ۱- اولین شرط پذیرش مسئولیت، بلوغ جسمانی است. ﴿وَلَمَّا بَلَغَ﴾
- ۲- بلوغ واقعی، تنها به رشد جسمی و نیروی جنسی نیست، بلکه به کمال فکر و عقل نیز وابسته است. ﴿وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَى﴾
- ۳- وعده‌های الهی، تخلف‌ناپذیر است. ﴿جَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ - وَلَمَّا بَلَغَ... آتِينَاهُ﴾
- ۴- نزول الطاف الهی، شرایط مناسب می‌خواهد. ﴿وَلَمَّا بَلَغَ... آتِينَاهُ﴾
- ۵ - حکمت بر علم مقدم است. ﴿حُكْمًا وَ عِلْمًا﴾
- ۶- لطف به نیکوکاران، سنت الهی است. ﴿وَكَذَلِكَ﴾
- ۷- پاداش نیکوکاران، منحصر به آخرت نیست. ﴿وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ﴾ (بهره‌مند شدن موسی عَلَيْهِ السَّلَام از حکمت و دانش، پاداش الهی در برابر احسان اوست).

﴿ ۱۵ ﴾ وَدَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَى حِينٍ غَفْلَةٍ مِّنْ أَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ  
يَقْتَتِلَانِ هَذَا مِنْ شَيْعَتِهِ وَهَذَا مِنْ عَدُوِّهِ فَاسْتَعَاثَهُ الَّذِي مِنْ  
شَيْعَتِهِ عَلَى الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ فَوَكَرَهُ مُوسَى فَقَضَى عَلَيْهِ قَالَ  
هَذَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ عَدُوٌّ مُّضِلٌّ مُّبِينٌ

و موسی وارد شهر شد، در حالی که مردم (از ورودش) بی‌خبر بودند، پس در آنجا به دو مرد برخورد که با یکدیگر نزاع می‌کردند، این یکی از طرفدارانش و آن (دیگری) از دشمنانش بود. پس آن که از پیروان موسی بود، از او در برابر دشمنش یاری خواست. پس موسی (به حمایت از دوست خود) مُشتی بر او زد که کار او را ساخت (و با همان مشت کشته شد)، موسی (از این پیشامد تکانی خورد و) گفت: این از کار شیطان بود، همانا او دشمن گمراه کننده‌ی آشکاری است.

## نکته‌ها:

- ظاهراً حضرت موسی قبل از نبوتش، بیرون از شهر زندگی می‌کرده است و این یا به خاطر حرکات انقلابی او بوده که در آنجا بسر می‌برده و یا به خاطر این‌که کاخ فرعون که موسی علیه السلام در آن زندگی می‌کرده، خارج از شهر قرار داشته است.
- سؤال: اگر پیامبران خدا معصومند، پس مشت‌زدن و آدم‌کشتن موسی علیه السلام چه توجیهی دارد و چگونه تفسیر می‌شود؟
- پاسخ: کلمه‌ی «هذا» در جمله‌ی «هذا من عمل الشیطان» به نزاع و ستیز آن دو مرد اشاره دارد نه به عمل حضرت موسی، یعنی ایجاد این درگیری کار شیطان است.
- حضرت موسی قصد کشتن آن مرد را نداشت و فقط به خاطر دفاع از یک مؤمنی دست به این کار زد. از این روی خداوند از قتل او انتقاد نکرده و در جای دیگر می‌فرماید: ﴿وَقَتَلْتَ نَفْسًا فَنَجَّيْنَاكَ مِنَ الْغَمِّ﴾<sup>(۱)</sup> تو یکی از فرعونیان را به قتل رساندی و دچار غم و اندوه شدی و ما تورا از غم نجات دادیم.

## پیام‌ها:

- ۱- مصلحان جامعه باید گاهی به صورت ناشناس و غیر رسمی، بدون نام و عنوان در میان مردم حاضر شوند. ﴿دَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَى حِينٍ غَفْلَةٍ مِنْ أَهْلِهَا﴾
- ۲- حضرت موسی قبل از نبوت نیز دارای یار و پیرو بود. ﴿مِنْ شِيعَتِهِ﴾
- ۳- گرچه موسی بزرگ شده‌ی کاخ فرعون بود، ولی مردم مستضعف به خاطر تفکر و منش، او را حامی و رهبر خود می‌دانستند. ﴿فَاسْتَغَاثَهُ﴾
- ۴- دفاع و حمایت از مظلومان، شیوه‌ی اولیای الهی است. ﴿فَوَكَّزَهُ مُوسَى﴾
- ۵- انبیا، افرادی با غیرت، جوانمرد، مظلوم‌نواز و ظلم‌ستیز بوده‌اند. ﴿فَاسْتَغَاثَهُ... فَوَكَّزَهُ مُوسَى﴾
- ۶- مردان خدا در صورت لزوم بادشمن درگیر می‌شدند و از زور بازو بهره

می بردند. ﴿فَوَكَزَهُ مُوسَى﴾

﴿۱۶﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي فَغَفَرَ لَهُ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ

(موسی) گفت: پروردگارا! همانا من به خویشتم ستم کرده‌ام، پس مرا ببخش، پس (خداوند) او را آمرزید به درستی که او آمرزنده‌ی مهربان است.

### نکته‌ها:

□ سؤال: جمله‌ی «ظَلَمْتُ نَفْسِي» به خودم ظلم کردم، از زبان کسی که به پیامبری می‌رسد چه معنایی دارد؟

پاسخ: مراد از ظلم به خود در اینجا، گرفتار شدن به آثار اجتماعی قتل غیر عمد است، نه گناه، تا با مقام عصمت منافات داشته باشد. زیرا خداوند، موسی را مخلص می‌داند؛ «إِنَّهُ كَانَ مُخْلِصًا»<sup>(۱)</sup> و کسی که به این درجه نائل گردید دیگر گناه نمی‌کند، زیرا شیطان اقرار کرده که قدرت نفوذ در مخلصین را ندارد. «فَبِعِزَّتِكَ لَأُغَوِّيَهُمْ أَجْمَعِينَ . إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلِصِينَ»<sup>(۲)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- در دعا، خداوند را با کلمه مبارکه‌ی «رب» بخوانیم. ﴿قَالَ رَبِّ﴾
  - ۲- هر چند کار خلاف، عمدی نباشد ولی نباید از آثار طبیعی و وضعی آن غافل بود. ﴿ظَلَمْتُ نَفْسِي﴾ (حضرت موسی به قصد نجات یک مؤمن وارد صحنه شد و ناخواسته مرتکب قتل گردید و در واقع گناهکار به حساب نمی‌آمد؛ اما این عمل، کار او را دشوار کرد و این یک آفت بود.)
  - ۳- افراد صالح حتی در برابر کجی‌های غیر عمدی نیز بلافاصله استغفار می‌کنند و از تبعات آن دوری می‌گزینند. ﴿فَاغْفِرْ لِي﴾
- (حضرت موسی با استغفار خود چند چیز را از خداوند درخواست کرد، هم محو آثار اجتماعی کار خود را، هم برطرف شدن نگرانی از آینده را و هم دفع

توطئه‌های انتقام جویانه‌ی فرعونیان را.)

۴- دعای انبیا مستجاب است. ﴿فَعَفَّرْهُ﴾

﴿۱۷﴾ قَالَ رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَنْ أَكُونَ ظَهِيراً لِلْمُجْرِمِينَ

(سپس موسی) گفت: پروردگارا! به خاطر (قدرت و) نعمتی که بر من

ارزانی داشتی، پس هرگز پشتیبان تبهکاران نخواهم بود.

#### نکته‌ها:

□ شاید مراد از نعمت در جمله‌ی «انعمت علیّ»، غفران و بخشش الهی باشد.

#### پیام‌ها:

۱- قدرت جسمی، از نعمت‌های الهی است. ﴿بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ﴾ (موسی قدرتی

داشت که با یک مشت توانست کافری را از پا در آورد.)

۲- شکر نعمت‌های الهی، دوری از ستم به دیگران است. ﴿بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَنْ أَكُونَ

ظَهِيراً لِلْمُجْرِمِينَ﴾

شکرانه‌ی بازوی توانا بگرفتن دست ناتوان است

۳- همکاری با گنهکاران نیز گناه است. ﴿فَلَنْ أَكُونَ ظَهِيراً لِلْمُجْرِمِينَ﴾

(به گفته‌ی روایات، راضی بودن به گناه دیگران هم گناه بحساب می‌آید.)

﴿۱۸﴾ فَأَصْبَحَ فِي الْمَدِينَةِ خَائِفاً يَتَرَقَّبُ فَإِذَا الَّذِي اَسْتَنْصَرَهُ

بِالْأَمْسِ يَسْتَصْرِخُهُ قَالَ لَهُ مُوسَى إِنَّكَ لَغَوِيٌّ مُّبِينٌ

(ولی از آن پس، موسی به سبب این قتل) در شهر نگران و ترسان گردید (و

هر لحظه انتظار حادثه‌ای را می‌کشید) پس ناگهان (مشاهده کرد) همان

کسی که دیروز از او یاری طلبیده بود، با فریاد از او کمک می‌خواهد!

موسی به او گفت: بدرستی که تو در گمراهی آشکاری هستی!

**پیام‌ها:**

- ۱- هر ترسی مذموم نیست، ترس از نرسیدن به اهداف خود و یا دستیابی دشمن به آرزوهایش، ترس پسندیده است. ﴿خَائِفًا يَتَرَقَّبُ﴾
- ۲- از بازتاب کارها و تصمیمات خود مراقبت کنیم. ﴿يَتَرَقَّبُ﴾
- ۳- با وجود آنکه موسی در کاخ فرعون زندگی می‌کرد، ولی با مردم رابطه داشت و در میان آنان به شخصی مصلح شهرت یافته بود. ﴿يَسْتَصْرِخُهُ﴾
- ۴- اگر در جایی وظیفه تقیه است و باید به خاطر مصالحی اهداف مکتوم بماند، نباید هر روز دست به تحرک و آشوبی زد و عدم رعایت این موضوع، گناه محسوب می‌شود. ﴿إِنَّكَ لَعَوِيٌّ مُّبِينٌ﴾
- ۵- خودی‌های بی‌توجه را باید توبیخ کرد و نباید به خاطر حزب و گروه، خلاف آنان را نادیده گرفت. ﴿إِنَّكَ لَعَوِيٌّ مُّبِينٌ﴾

﴿ ۱۹ ﴾ فَلَمَّا أَنْ أَرَادَ أَنْ يَبْطِشَ بِالَّذِي هُوَ عَدُوٌّ لَهُمَا قَالَ يَا مُوسَى أَتُرِيدُ أَنْ تَقْتُلَنِي كَمَا قَتَلْتَ نَفْسًا بِالْأَمْسِ إِنْ تُرِيدُ إِلَّا أَنْ تَكُونَ جَبَّارًا فِي الْأَرْضِ وَ مَا تُرِيدُ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْمُصْلِحِينَ

پس چون (موسی) خواست به آن کسی که دشمن هر دوی آنها بود حمله کند (و با او درگیر شود، او) گفت: ای موسی! آیا تصمیم گرفته‌ای که مرا (هم) به قتل برسانی، همان‌گونه که دیروز (نیز) انسانی را کشتی؟! تو جز زورگویی در روی زمین هدفی نداری و نمی‌خواهی که از مصلحان باشی.

**نکته‌ها:**

□ کلمه‌ی «بطش» به معنای خشم همراه با شدت و قدرت است.

**پیام‌ها:**

- ۱- انتقاد از خلاف دوستان، نباید سبب رها کردن و حمایت نکردن از حق آنان

شود. (با این که حضرت موسی در آیه‌ی قبل با جمله‌ی «إِنَّكَ لَغَوِيٌّ مُّبِينٌ» از یار خود انتقاد کرد؛ ولی باز هم تصمیم به حمایت از او گرفت) ﴿أَرَادَ أَنْ يَبْطِشَ﴾  
 ۲- در همه جا موعظه کارساز و کافی نیست، گاهی زور و قدرت لازم است. ﴿أَرَادَ أَنْ يَبْطِشَ﴾

(«وقار» به معنای وارفتگی و بی حالی نیست، حضرت موسی دو روز پی در پی درگیری خیابانی داشت.)

۳- در نظام استکباری، فرعون که نوزادان معصوم را عمداً به قتل می‌رساند، خدا خوانده می‌شود! ولی موسی که بدون قصد قتل به دشمن کافر ضربه‌ای وارد می‌کند و منجر به مرگ او می‌شود، جبار معرفی می‌شود!! ﴿تَكُونُ جَبَّارًا فِي الْأَرْضِ﴾

﴿۲۰﴾ وَجَاءَ رَجُلٌ مِّنْ أَقْصَا الْمَدِينَةِ يَسْعَىٰ قَالَ يَا مُوسَىٰ إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ فَاخْرُجْ إِنِّي لَكَ مِنَ النَّاصِحِينَ

و (در این هنگام) مردی از دورترین نقطه شهر (که مرکز استقرار فرعونیان بود) شتابان (به سوی او) آمد و گفت: ای موسی! همانا سران قوم در مورد تو مشورت می‌کنند تا تو را بکشند، پس (فوراً از اینجا) خارج شو، همانا که من از خیرخواهان و دلسوزان تو هستم.

﴿۲۱﴾ فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

پس (موسی) از شهر خارج شد در حالی که نگران و ترسان بود. گفت: پروردگارا! مرا از (دست) این گروه ستمگر نجات ده.

#### نکته‌ها:

□ مراد از کلمه‌ی «رَجُلٌ» در این آیه، همان «مؤمن آل فرعون» است که سوره‌ی «مؤمن» (غافر) به نام اوست. او ایمان خود را کتمان و در لباس تقیه به موسی کمک می‌کرد.

## پیام‌ها:

- ۱- حضرت موسی در دربار فرعون، عامل نفوذی و طرفدار داشت. ﴿جاء رجل﴾
- ۲- کمک به ظالم در هر شکلی حرام است؛ ولی ورود و نفوذ در دستگاه برای کمک به اهل ایمان کاری پسندیده است. ﴿جاء رجل﴾ (حضور علی ابن یقین یکی از یاران امام کاظم علیه السلام در دستگاه ظلم بنی عباس نیز از همین باب بود).
- ۳- طاغوت‌ها برای امنیت و آسایش بیشتر خود، در میان مردم و مرکز شهر زندگی نمی‌کنند. ﴿أَقْصَى الْمَدِينَةِ﴾
- ۴- در حفظ جان رهبران و نخبگان جامعه، نهایت تلاش خود را بکار ببریم. ﴿يَسْعَى﴾
- ۵- گاه، خبررسانی به موقع و سوز و سرعت در کار، سرنوشت یک ملت را عوض می‌کند. ﴿يَسْعَى﴾ (چه بسا که اگر این مرد، اخبار را به موسی علیه السلام نمی‌رساند و آن حضرت از شهر بیرون نمی‌رفت، به دست مأموران فرعون کشته می‌شد).
- ۶- یک انسان انقلابی مثل موسی، جبهه‌ی کفر و مهره‌های آن را به اضطراب و تکاپو می‌اندازد. ﴿إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ﴾
- ۷- اطرافیان طاغوت‌ها نیز در جرم آنها شریک هستند. ﴿يَأْتَمِرُونَ بِكَ﴾
- ۸- افشای توطئه‌ها و طرح‌های خائنانه واجب است. ﴿يَأْتَمِرُونَ بِكَ﴾
- ۹- مصلحان جامعه باید همواره آمادگی هجرت و آوارگی را داشته باشند. ﴿فَخَرَجَ﴾
- ۱۰- به هشدارهای دلسوزانه بها دهیم و نصیحت دیگران را بپذیریم. ﴿فَاخْرُجْ - فَخَرَجَ﴾
- ۱۱- شجاعت، به معنای در دسترس دشمن قرار گرفتن نیست. ﴿فَخَرَجَ﴾
- ۱۲- زندگی انبیا غالباً با آوارگی و سختی همراه بوده است. ﴿فَخَرَجَ﴾
- ۱۳- سعی و همت خود را بکار ببریم؛ ولی نتیجه را از خداوند بخواهیم. ﴿فَخَرَجَ -

قال رَبِّ نَجِّنِي ﴿﴾

۱۴- دعا باید با تلاش و حرکت همراه باشد. ﴿فَخَرَجَ مِنْهَا - قال رَبِّ نَجِّنِي ﴿﴾  
 ۱۵- رهبران الهی، در همه حالات از خداوند استمداد می‌کنند. ﴿رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾، ﴿رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي﴾<sup>(۱)</sup>، ﴿رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَنْ أَكُونَ ظَهِيرًا لِلْمُجْرِمِينَ﴾<sup>(۲)</sup> و ﴿رَبِّ إِنِّي لَمَّا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ﴾<sup>(۳)</sup>

﴿۲۲﴾ وَ لَمَّا تَوَجَّهَ تَلْفَاءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَى رَبِّي أَنْ يَهْدِيَنِي سَوَاءَ

### السَّبِيلِ

و چون (موسی) به سوی مدین روی نهاد، گفت: امید است که پروردگارم مرا به راه راست هدایت فرماید.

#### نکته‌ها:

□ «مدین» شهری در جنوب شام و شمال حجاز، و نزدیک تبوک است که در آن زمان از قلمرو حکومت فرعون، بیرون بوده است.

#### پیام‌ها:

- ۱- تحرک، هجرت و بکارگیری تاکتیک‌های متفاوت از لوازم یک انقلاب است. ﴿و لَمَّا تَوَجَّهَ﴾
- ۲- اول حرکت کنیم، سپس دعا کنیم و امیدوار باشیم. ﴿و لَمَّا تَوَجَّهَ ... قال عَسَى رَبِّي أَنْ يَهْدِيَنِي﴾
- ۳- امیدواری، در همه‌ی حالات پسندیده است. ﴿عَسَى رَبِّي﴾
- ۴- فراز و نشیب‌ها، یک سنت الهی در راه تربیت انسان‌هاست. ﴿و لَمَّا تَوَجَّهَ ... قال عَسَى رَبِّي﴾
- ۵- کار خود را با استمداد از پروردگار آغاز کنیم. ﴿و لَمَّا تَوَجَّهَ ... قال عَسَى رَبِّي ...﴾

۱. قصص، ۱۶.

۲. قصص، ۱۷.

۳. قصص، ۲۴.



۶- در محیط‌های طاغوت زده که زمینه‌ی انحراف و تصمیمات نابخردانه فراهم است، از خداوند، هدایت بجوییم. ﴿يَهْدِي سِوَاءَ السَّبِيلِ﴾

﴿۲۳﴾ وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً مِّنَ النَّاسِ يَسْقُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمُ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يُصْدِرَ الرِّعَاءَ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ

و چون موسی به (چاه) آب مدین رسید، گروهی از مردم را در اطراف آن دید که به سیراب کردن (چهار پایان خویش) مشغولند و در کنار آنان به دو زن برخورد که مراقب بودند (تا گوسفندانشان با گوسفندان دیگر مخلوط نشوند. پس موسی جلو رفته و به آنان) گفت: منظور شما (از این کناره‌گیری) چیست؟ گفتند: ما (برای پرهیز از اختلاط با مردان، گوسفندان خود را) آب نمی‌دهیم تا این‌که همه‌ی چوپانان خارج شوند و (حضور ما در این‌جا برای آن است که) پدر ما پیرمردی کهنسال است.

﴿۲۴﴾ فَسَقَى لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّى إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ

پس (موسی گوسفندانشان را) برای آنان آب داد، سپس رو به سوی سایه آورد و گفت: پروردگارا! همانا من به هر خیری که تو برایم بفرستی نیازمندم.

### نکته‌ها:

- «تذودان» از مادّه «ذود» به معنای منع کردن و جلوگیری کردن است.
- در این آیه، کلمه «وَجَدَ» دو مرتبه تکرار شده که نشانه‌ی دو نگاه جداگانه است، در حالی که اگر مردان و زنان در کنار هم بودند با یک نگاه دیده می‌شدند.

## پیام‌ها:

- ۱- از حیا و ضعف زنان، سوء استفاده نکنیم. اگر قانون و حمایتی در کار نباشد، بسیاری از مردان، حقوق زنان را نادیده می‌گیرند. ﴿أُمَّةٌ... يَسْقُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمُ امْرَأَتِينَ﴾
- ۲- حریم میان زن و مرد یک ارزش است که دختران شعیب آن را مراعات می‌کردند. ﴿وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمُ امْرَأَتِينَ﴾
- ۳- دختران پیامبر خدا چوپانی می‌کنند، ولی هرگز تن به ذلت و گدایی نمی‌دهند. ﴿امْرَأَتِينَ تَذُودَان﴾
- ۴- چوپانی، شغل بسیاری از انبیای الهی بوده است. ﴿وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ﴾ اگر پدر ما پیر نبود، خودش چوپانی می‌کرد.
- ۵ - مشکلات شخصی، ما را از حمایت دیگران باز ندارد. ﴿قَالَ مَا خَطْبُكُمَا﴾ (موسی عليه السلام که جانش در خطر و در حال فرار بود، از کمک و حمایت دیگران دست برداشت.)
- ۶- حمایت از زنان یک ارزش انسانی است. ﴿مَا خَطْبُكُمَا﴾
- ۷- گفتگوی مرد با زن در صورت لزوم مانعی ندارد. ﴿مَا خَطْبُكُمَا﴾
- ۸- سعی کنیم در حرف زدن با نامحرم، خلاصه سخن بگوییم. ﴿مَا خَطْبُكُمَا﴾
- ۹- نسبت به آنچه در اطراف ما می‌گذرد، بی تفاوت نباشیم. ﴿مَا خَطْبُكُمَا﴾
- ۱۰- کار زن در خارج از منزل اشکالی ندارد، به شرط آنکه: الف: زن در محیط کار، تنها نباشد. ﴿امْرَأَتِينَ﴾  
ب: با مردان اختلاطی نداشته باشد. ﴿مِنْ دُونِهِمْ - لَانَسَقِي حَتَّى يَصْدُرَ الرَّعَاءُ﴾  
ج: مردی که توان کار داشته باشد، در خانواده نباشد. ﴿أَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ﴾
- ۱۱- اگر در موضعی غیر عادی قرار داریم، از خود دفع شبهه کنیم. ﴿وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ﴾
- ۱۲- وقتی پدر و نان‌آور خانواده از کار می‌افتد، همه‌ی فرزندان حتی دختران نیز

مسئول هستند. «أبونا شیخ کبیر»

۱۳- در کمک به دیگران، شرطی قرار ندهیم و سریع اقدام کنیم. «فسق' لهما»  
حضرت موسی همین که دلیل منطقی آن دو زن را شنید، بدون هیچ گونه پرسش و درخواستی، بی درنگ به رفع خواسته آنان پرداخت.  
۱۴- خدمت به مردم را خالصانه انجام دهیم و حل مشکلات خود را از خداوند بخواهیم. «فسق' لهما - ربّ ائی» (موسی گوسفندان آن دو دختر را سیراب کرد، ولی برای رفع گرسنگی خود به جای استمداد از آنان، از خدا کمک طلبید).  
۱۵- همه چیز را از خداوند درخواست نماییم. «ربّ ائی لما انزلت الی من خیر فقیر»  
۱۶- در دعا، برای خداوند تکلیف و مصداق معین نکنیم. «ربّ ائی لما انزلت الی من خیر فقیر» (حضرت موسی با این که گرسنه بود؛ ولی از خدا، مصداقی از نان و غذا طلب نکرد).

﴿ ۲۵ ﴾ فَبَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَىٰ اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ وَ قَصَّ عَلَيْهِ الْقِصَصَ قَالَ لَا تَحْفَ نَجَوْتُ مِنَ الْفُقُومِ الظَّالِمِينَ

پس (چیزی نگذشت که) یکی از آن دو (زن) در حالی که با حیا و عفت راه می‌رفت به نزد او آمد و گفت: همانا پدرم از شما دعوت می‌کند تا مزد این که برای ما آب دادی به تو بپردازد. پس همین که موسی به نزد آن پدر پیر (حضرت شعیب) آمد و سرگذشت خود را برای او بازگو کرد، او گفت: نترس، تو از (دست) گروه ستمگران نجات یافتی.

### پیام‌ها:

- ۱- پاداش انسان‌ها را سریع و بلافاصله بپردازیم. «فجاءته»
- ۲- رفت و آمد زن در بیرون خانه باید براساس حیا و عفت باشد. «تمشی علی»

- استحیاء ﴿حیا، از برجسته‌ترین کمالات زن در قرآن می‌باشد﴾.
- ۳- در دعوت، مرد از مرد و زن از زن دعوت کند. ﴿إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ﴾
- ۴- بدون دعوت، خود را میهمان نکنیم. ﴿إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ﴾
- ۵- کسی که از دامن طاغوت بگریزد، به خانه‌ی پیامبر خدا میهمان می‌شود. ﴿إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ﴾
- ۶- غریب نوازی، از صفات بارز پیامبران الهی است. ﴿يَدْعُوكَ﴾
- ۷- برای خدمات مردم، ارزش قائل شویم. ﴿لِيَجْزِيَكَ﴾
- ۸- قصد قربت، با قدردانی دیگران منافاتی ندارد. ﴿أَجْرَ مَا سَقَيْتَ﴾ (حضرت موسی کار را برای رضای خدا انجام داد؛ ولی حضرت شعیب با پرداخت مزد از زحمات او تقدیر کرد).
- ۹- حوادث را برای اهل خبره، تفسیر و تحلیل و بازگو کنیم. ﴿قَصِّصْ عَلَيْهِ الْقِصَصَ﴾
- ۱۰- عاقبت اهل ایمان، نجات و رستگاری است. ﴿نَجْوَتَ﴾
- ۱۱- دعای انبیا، مستجاب است. ﴿نَجْوَتَ﴾ حضرت موسی دیروز دعا کرد: ﴿رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾<sup>(۱)</sup>، امروز می‌شنود: ﴿لَا تَخَفْ نَجْوَتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾
- ۱۲- با اولیای خدا بودن، یک نوع ایمنی و احساس امنیت است. ﴿نَجْوَتَ﴾
- ﴿۲۶﴾ قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتُنْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتُنْجِرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ

یکی از آن دو (دختر، خطاب به پدر) گفت: ای پدر! او را استخدام کن، زیرا بهترین کسی که (می‌توانی) استخدام کنی، شخص توانا و امین است.

#### نکته‌ها:

□ امام رضا علیه السلام فرمود: «حضرت شعیب از دخترش پرسید: چگونه امانت‌داری این جوان را

فهمیدی که او را امین می‌خوانی؟ گفت: وقتی دعوت شما را به او ابلاغ کردم، به من گفت: از پشت‌سر من، مرا راهنمایی کن.<sup>(۱)</sup> تا مبدا به قامت من چشم بدوزد.

### پیام‌ها:

- ۱- دختران نیز در خانواده بر اساس منطق و حکمت، حق پیشنهاد دارند و فرقی با دیگران ندارند. ﴿قالت احدهما یا ابت استأجره﴾
- ۲- روابط حسنه میان والدین و فرزندان و آزادی بیان در خانواده، یک ارزش است. ﴿یا ابت استأجره﴾
- ۳- همه‌ی اعضای خانه پیشنهاد بدهند؛ ولی تصمیم نهایی با سرپرست خانواده است. ﴿استأجره﴾
- ۴- زنان عقیفه به دنبال آند تا کمتر از منزل خارج شوند. ﴿استأجره﴾ (برای کارهای سخت خارج از منزل، از مرد استفاده شود).
- ۵- کار، عار نیست، اولیای خدا نیز کار می‌کرده‌اند. ﴿استأجرت﴾
- ۶- در گزینش‌ها، به بهترین‌ها توجه کنیم. ﴿خیر من استأجرت﴾
- ۷- برای استخدام، دو عنصر توانایی (تخصّص) و امانتداری (تعهد)، لازم است. ﴿القوی الامین﴾
- ۸- توانایی‌ها و امانتداری‌ها را باید در شرایط عادی و بدون توجه طرف، شناسایی و احراز کرد. ﴿القوی الامین﴾ (غالب افراد با تصنع، تملق و ریاکاری، واقعیت خود را می‌پوشانند؛ اما حضرت موسی در یک صحنه‌ی طبیعی، با یک کار حمایتی و برخورد عقیفانه، خود را نشان داد.)

## کار و کارگری

- \* خداوند از مردم، عمران و آبادی زمین را خواسته که بدون کار و تلاش محقق نمی‌شود.  
 ﴿هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا﴾<sup>(۱)</sup>
- \* در سراسر قرآن بر عمل صالح که دارای معنای بسیار گسترده‌ای است، تکیه شده است.  
 انبیای الهی، کشاورز، چوپان، خیاط و نجار بوده‌اند.
- \* کار در اسلام عبادت و به منزله‌ی جهاد است.<sup>(۲)</sup>
- \* دعای بیکار مستجاب نمی‌شود.
- \* کار وسیله‌ی تربیت جسم و روح، پرکردن ایام فراغت، مانع فساد و فتنه، عامل رشد و نبوغ و ابتکار، توسعه‌ی اقتصادی، عزت و خودکفائی و کمک به دیگران می‌باشد.
- \* قرآن می‌فرماید: ما زمین را برای شما رام قرار دادیم، پس از پشت آن بالا روید و از رزق آن بخورید. ﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذَلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِن رِّزْقِهِ﴾<sup>(۳)</sup>
- \* اسلام برای کار بازویی احترام ویژه‌ای قائل شده است و مراعات حق کارگر و تحصیل رضای او و پرداخت سریع مزد او و اضافه پرداخت بر مقدار تعیین شده و احترام به او همه و همه مورد سفارش اسلام است. همان گونه که برای کشاورزی سفارش نموده تا آنجا که سیراب کردن درخت، پاداش سیراب کردن مؤمن دارد.
- \* حضرت علی علیه السلام به استاندارش سفارش می‌کند که کشاورزان مورد ستم قرار نگیرند و در گرفتن مالیات مراعات آنان را بکن.
- \* کارهای فکری نیز از ارزش بالایی برخوردار است تا آنجا که یک ساعت فکر مفید از ساعت‌ها عبادت بهتر است.
- \* کم‌کاری و سهل‌انگاری در کار، مورد انتقاد است تا آنجا که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند دوست دارد هرکس کاری انجام می‌دهد آن را به نحو احسن انجام دهد.
- \* قرآن می‌فرماید: هرگاه از کار مهمی فارغ شدی به کار مهم دیگری پرداز. ﴿فَإِذَا فَرَغْتَ

۱. هود، ۶۱.

۲. وسائل، ج ۱۲، ص ۴۳.

۳. ملک، ۱۵.

فَانصَبْ ﴿۱﴾ بنابراین بیکاری، ممنوع.

آری، بیکاری مایه‌ی خستگی، تنبلی، فرسودگی، فرصتی برای نفوذ شیطان، ایجاد فتنه و گسترش گناه می‌باشد.

\* البته اسلام برای کار، ساعت و مرز قرار داده و به کسانی که در ایام تعطیل کار می‌کنند، لقب متجاوز داده است. (۲)

\* امام رضا علیه السلام فرمود: مؤمن باید ساعات خود را بر چهار بخش تقسیم کند: ساعتی برای کار، ساعتی برای عبادت، ساعتی برای لذت و ساعتی برای دوستان و رسیدگی به امور اجتماعی که در غیر این صورت انسان به صورت عنصری حریص در آمده و مورد تمام انتقادهایی که درباره‌ی حرص است قرار می‌گیرد.

\* اسلام توجه خاصی به کیفیت کار دارد، نه به مقدار و کمیت آن. (۳)

\* به هر حال اسلام به کار اهمیت داده تا آنجا که در حدیث می‌خوانیم: خداوند بنده پر خواب و انسان بیکار را دشمن دارد. (۴) امام باقر علیه السلام فرمود: «کسی که در کار دنیايش تنبل باشد، در کار آخرتش تنبل تر است». (۵)

\* در حدیث می‌خوانیم: شخص فقیر و بیکاری نزد پیامبر آمد و تقاضای کمک کرد. حضرت فرمود: آیا کسی در منزل تبری دارد؟ یک نفر گفت: بله، او تبر را آورد و پیامبر چوبی که در کنارش بود، دسته‌ی آن تبر قرار داد و به آن شخص بیکار تحویل داد و فرمود: این ابزار کار؛ اما تلاش با خودت.

از این حرکت چند نکته استفاده می‌شود:

۱. انبیا در فکر زندگی مردم نیز هستند.
۲. ضعیف‌ترین فرد جامعه می‌تواند با شخص اول جامعه ملاقات کند.
۳. جامعه نیاز به تعاون و همکاری دارد. تبر از یک نفر و چوب آن از دیگری، هماهنگی و سازندگی و تبر سازی از شخص پیامبر.

۱. انشراح، ۷.

۲. «الذین اعتدوا منکم فی السبت» بقره، ۶۵.

۳. «ایکم أحسن عملاً» هود، ۷. ۴. وسائل، ج ۱۲، ص ۳۷. ۵. وسائل، ج ۱۲، ص ۳۷.

۴. برای مبارزه با فقر، باید ابزار تولید را در اختیار نیروهای فعال جامعه قرار داد.

﴿۲۷﴾ قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَنْكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ عَلَيَّ أَنْ تَأْجُرَنِي  
تَمَانِي حَجَجٍ فَإِنْ أَتَمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ وَ مَا أُرِيدُ أَنْ أَشُقَّ  
عَلَيْكَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ

(حضرت شعیب به موسی) گفت: من قصد دارم تا یکی از این دو دخترم را به همسری تو درآورم بر این (شرط) که هشت سال برای من کار کنی و اگر (این مدت را) به ده سال تمام کردی، پس (بسته به خواست و محبت) از ناحیه توست و من نمی‌خواهم که بر تو سخت گیرم، بزودی به خواست خداوند، مرا از صالحان خواهی یافت.

### نکته‌ها:

□ ما می‌توانیم تمام کارهای خود را رنگ الهی دهیم، چنانکه قرآن می‌فرماید: ﴿صِبْغَةَ اللَّهِ وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً﴾<sup>(۱)</sup> مثلاً هرگاه صورت خود را می‌شوئیم، قصد وضو نماییم، هرگاه می‌نشینیم مثل پیامبر ﷺ روبه قبله نشینیم، به جای مدرک و مقام، برای رضای خداوند درس بخوانیم، لباسی که برای همسر می‌خریم، به مناسبت اعیاد مذهبی همچون عید غدیر یا تولد حضرت زهرا علیها السلام باشد، هدیه‌ای که برای فرزند خود می‌خریم به مناسبت کسب یک کمال معنوی باشد، همان گونه که در این آیه به جای هشت سال فرمود: به اندازه‌ی هشت حج.

### پیام‌ها:

۱- اگر کاری بر اساس جوانمردی و ضعیف نوازی انجام شود، علاوه بر اجر معنوی، پاداش دنیوی نیز بدنبال دارد. ﴿قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَنْكِحَكَ﴾ (حضرت موسی که تا ساعاتی پیش حتی بر جان خود ایمن نبود، اینک علاوه بر امنیت



- جانی، صاحب زن و زندگی و کار می شود.)
- ۲- سنّت‌های خوب ازدواج (همچون حضور در منزل دختر و گفتگو با حضور پدرش) را از انبیا بیاموزیم. ﴿إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ - إِنْ أُرِيدَ أَنْ أُنكِحَكَ﴾
- ۳- شناخت داماد پیش از اقدام به ازدواج، امری ضروری است. ﴿فَلَمَّا قَصَّ عَلَيْهِ الْقِصَصَ - قَالَ إِنْ أُرِيدَ أَنْ أُنكِحَكَ﴾ (موسی سرگذشت خود را صادقانه به شعیب گفت و او به موسی اطمینان پیدا کرد، آنگاه پیشنهاد دامادی او را برای دخترش مطرح نمود.)
- ۴- اگر از امین بودن، توانایی و علاقه‌مندی به کار جوان مطمئن شدیم ﴿الْقَوَىِّ الْأَمِينِ﴾ نداشتن امکانات و مسکن را مانع ازدواج قرار ندهیم. ﴿أُرِيدَ أَنْ أُنكِحَكَ﴾
- ۵- پیشنهاد ازدواج از جانب پدر دختر مانعی ندارد. ﴿إِنْ أُرِيدَ أَنْ أُنكِحَكَ﴾
- ۶- رعایت نوبت میان دختران، و ازدواج دختر بزرگتر قبل از کوچکتر، همه‌جا ضروری نیست. ﴿أَحَدِي أَبْنَتِي﴾ (حضرت شعیب به حضرت موسی گفت: می‌خواهم یکی از این دو دخترم را به ازدواج تو درآورم و شرط نکرد که دختر اول باشد یا دوم.)
- ۷- پدر نباید در امر ازدواج میان دختران، تفاوت بگذارد. ﴿أَحَدِي أَبْنَتِي هَاتَيْنِ﴾
- ۸- دختر و پسر هنگام خواستگاری، می‌توانند در برابر یکدیگر قرار بگیرند. ﴿هَاتَيْنِ﴾
- ۹- غریزه‌ی جنسی را جدی بگیریم. حتی در خانه‌ی نبوت، برای سلامت محیط خانه و کار، ابتدا به امر ازدواج اقدام و سپس به استخدام توجه می‌شود. ﴿أُرِيدَ أَنْ أُنكِحَكَ - عَلِيٌّ أَنْ تَأْجُرَنِي﴾
- ۱۰- ازدواج، با مهریه همراه است. ﴿عَلِيٌّ أَنْ تَأْجُرَنِي﴾
- ۱۱- لازم نیست مهریه مال و ثروت باشد. حضرت شعیب به موسی گفت: دخترم را به ازدواج تو درمی‌آورم به شرط آن‌که هشت سال برای من کار کنی. ﴿عَلِيٌّ أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِي حَجَجٍ﴾ (البته در شریعت اسلام می‌بایست به فتاوی‌ای مراجع تقلید

مراجعه کنیم).

۱۲- زمان بندی قراردادها را بر اساس زمان عبادات و امور معنوی قرار دهیم.

﴿ثَمَانِي حِجَجٍ﴾ (به جای هشت سال، فرمود: هشت حج)

۱۳- یکی از راه های ترویج معروف، بزرگداشت اوقات معنوی و «ایام الله» است.

﴿ثَمَانِي حِجَجٍ﴾

۱۴- مقام نبوت، مانع از صحبت پیرامون مقدار مهریه و مال الاجاره نیست. ﴿ثَمَانِي حِجَجٍ﴾

﴿حِجَجٍ﴾

۱۵- مراسم حج، در ادیان گذشته نیز سابقه داشته است. ﴿حِجَجٍ﴾

۱۶- هنگام صحبت برای مهریه، پدر عروس، حداقل مورد قبول را انتخاب کند و

پذیرش بیشتر را به اختیار داماد بگذارد. ﴿فَإِنْ أَتَمَّتْ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ﴾ حضرت

شعیب به موسی گفت: اگر هشت سال را به ده سال برسانی اختیار با شماست.

۱۷- در میزان مهریه، داماد را در تنگنا قرار ندهید. ﴿فَمِنْ عِنْدِكَ﴾

۱۸- پدر عروس در امر ازدواج سخت گیری نکند و در پرداخت مهریه، توان داماد

را در نظر بگیرد. ﴿مَا أَرِيدُ أَنْ أُشَقَّ عَلَيْكَ﴾

۱۹- کسانی که به کارگران و زیردستان خود سخت گیری می کنند، انسان هایی

ناصالح هستند. ﴿سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ﴾

۲۰- داماد باید از ناحیه ی بستگان جدید، آرامش خاطر داشته باشد. ﴿سَتَجِدُنِي إِنْ

شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ﴾

۲۱- بدون استمداد از خدا و گفتن انشاء الله، برای آینده وعده ای ندهیم. ﴿إِنْ شَاءَ

اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ﴾

۲۲- اعتماد متقابل داماد و خانواده ی عروس لازم است. ﴿سَتَجِدُنِي... مِنَ الصَّالِحِينَ﴾

### اهمیت ازدواج

در روایات می‌خوانیم: ازدواج سبب حفظ نیمی از دین است. دو رکعت نماز کسی که همسر دارد از هفتاد رکعت نماز افراد غیر متأهل بهتر است. خواب افراد متأهل از روزه شب‌زنده‌دار غیر متأهل، بهتر است.<sup>(۱)</sup>

آری بر خلاف کسانی که ازدواج را عامل فقر می‌پندارند، رسول خدا ﷺ فرمودند: ازدواج روزی را بیشتر می‌کند.

همچنین فرمودند: «کسی که از ترس تنگدستی ازدواج را ترک کند، از ما نیست و به خدا سوءظن برده است».<sup>(۲)</sup>

در روایات می‌خوانیم: «کسی که برای ازدواج برادران دینی خود اقدامی کند، در روز قیامت مورد لطف خاص خداوند قرار می‌گیرد».<sup>(۳)</sup>

قرآن نسبت به تشکیل خانواده و اقدام برای ازدواج، دستور اکید داده<sup>(۴)</sup> و سفارش کرده که از فقر نترسید، اگر تنگ دست باشند، خداوند از فضل و کرم خود، شما را بی‌نیاز خواهد کرد.<sup>(۵)</sup> ازدواج وسیله‌ی آرامش است.<sup>(۶)</sup> در ازدواج فامیل‌ها به هم نزدیک شده و دل‌ها مهربان می‌شود و زمینه‌ی تربیت نسل پاک و روحیه‌ی تعاون فراهم می‌شود.<sup>(۷)</sup>

در روایات می‌خوانیم: «برای ازدواج عجله کنید و دختری که وقت ازدواج او فرا رسیده، مثل میوه‌ای رسیده است که اگر از درخت جدا نشود فاسد می‌شود».<sup>(۸)</sup>

### انتخاب همسر

معیار انتخاب همسر در نزد مردم معمولاً چند چیز است: ثروت، زیبایی، حَسَب و نَسَب. ولی در حدیث می‌خوانیم: «علیک بذات الدین» تو در انتخاب همسر، محور را عقیده و تفکر و بینش او قرار ده.<sup>(۹)</sup> در حدیث دیگر می‌خوانیم: چه بسا زیبایی که سبب هلاکت و

---

۱. میزان الحکمه. ۲. میزان الحکمه. ۳. کافی، ج ۵، ص ۳۳۱.  
 ۴. نور، ۳۲. ۵. نور، ۳۲. ۶. روم، ۲۱.  
 ۷. میزان الحکمه. ۸. میزان الحکمه. ۹. کنز العمال، ح ۶۶۰۲.

ثروت که سبب طغیان باشد.<sup>(۱)</sup>

رسول خدا ﷺ فرمود: «هرگاه کسی به خواستگاری دختر شما آمد که دین و امانت‌داری او را پسندید، جواب ردّ ندهید و گرنه به فتنه و فساد بزرگی مبتلا می‌شوید».<sup>(۲)</sup>

امام حسن علیه السلام به کسی که برای ازدواج دخترش مشورت می‌کرد فرمود: «داماد با تقوا انتخاب کن که اگر دختری را دوست داشته باشد گرامیش می‌دارد و اگر دوستش نداشته باشد، به خاطر تقوایی که دارد به او ظلم نمی‌کند».<sup>(۳)</sup>

در روایات می‌خوانیم: «به افرادی که اهل مشروبات الکلی هستند و افراد بد اخلاق و کسانی که خط فکری سالمی ندارند و در خانواده‌های فاسد رشد کرده‌اند، دختر ندهید».<sup>(۴)</sup>

ناگفته نماند که ازدواج دو نوع است: دائم و موقت که برای هر دو در قرآن و روایات اسلامی توصیه‌ها و دستورات خاصی آمده است، متأسفانه ازدواج دائم، به خاطر برخی آداب و رسوم بی‌منطق و بهانه‌گیری بعضی بستگان و توقعات خانواده عروس و داماد و آرزوهای دور و دراز، به صورت یک معما و گردنه‌ی صعب‌العبور در آمده است و ازدواج موقت نیز آن گونه زشت و ناپسند شمرده شده که فحشا جای آن را گرفته است.

﴿۲۸﴾ قَالَ ذَلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ أَيَّمَا الْأَجَلِينَ قَضَيْتُ فَلَا عُدْوَانَ عَلَيَّ وَاللَّهُ عَلَيَّ مَا نَقُولُ وَكَيْلٌ

(موسی پیشنهاد شعیب را پذیرفت و) گفت: این (قرارداد) بین من و تو (برقرار شد، البته) هر کدام از دو مدت را که به انجام رساندم، پس ستمی بر من نخواهد بود، و خداوند بر آنچه ما می‌گوییم (گواه) و کیل است.

#### نکته‌ها:

□ عبارت «أَيَّمَا الْأَجَلِينَ قَضَيْتُ فَلَا عُدْوَانَ عَلَيَّ» دو گونه معنا شده است؛ یکی این‌که مهریه

۱. میزان الحکمه. ۲. بحار، ج ۱۰۳، ص ۳۷۲. ۳. مکارم‌الاخلاق، ج ۱، ص ۴۶. ۴. میزان الحکمه.

دختر خواه هشت سال باشد و خواه ده سال، هیچ‌یک بر من ستم نیست و معنای دیگر این که بعد از پایان هر یک از این دو مدّت، اگر خواستم از نزد شما بروم نباید مانعی در کار باشد. من همین مدّت قرارداد را می‌مانم و بعد از آن اختیار با خودم می‌باشد.

### پیام‌ها:

- ۱- در عقد ازدواج (به خلاف طلاق)، حضور شهود لازم نیست. ﴿بَيْنِي وَ بَيْنِكَ﴾
- ۲- در قراردادهای برای خود، اختیاراتی در نظر بگیریم و دست خود را در محورهایی بازگذاریم. ﴿أَيُّمَا الْأَجَلَيْنِ قَضَيْتُ فَلَا عُدْوَانَ عَلَيَّ﴾
- ۳- ایمان به خداوند، سلامت قراردادهای را بیمه و تضمین می‌کند. ﴿وَاللَّهُ عَلَىٰ مَا نَقُولُ وَكِيلٌ﴾

﴿ ۲۹ ﴾ فَلَمَّا قَضَىٰ مُوسَى الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ آنَسَ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ نَارًا قَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ جَذْوَةٍ مِنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ

پس چون موسی، مدّت (قرارداد خود با شعیب) را به پایان رساند و با خانواده‌اش رهسپار گردید، از سوی (کوه) طور آتشی را دید. به خانواده‌اش گفت: (همین جا) بمانید، همانا من آتشی دیده‌ام، (می‌روم تا) شاید از آن خبری بیابم یا مقداری آتش برایتان بیاورم تا (با آن) گرم شوید.

### نکته‌ها:

- «آنَسْتُ»، به معنای مشاهده کردنی است که در آن آنس و آرامش باشد. «جذوة» به معنای قطعه و کلمه‌ی «تصطلون» از ریشه «صلى» به معنای گرم شدن با آتش است.
- تمام خطاب‌های حضرت موسی به همسرش، با ضمیر جمع آمده است. «أمکثوا - آتیکم - لعکم - تصطلون» شاید به خاطر آن که حضرت در آن ده سالی که با همسرش زندگی می‌کرده، صاحب فرزند یا فرزندی شده است.

□ از جملات «سارَ باهله»، «آتیکم بخبر» و «لعلکم تصطلون» در این آیه و از جمله‌ی ﴿أَجِدُ عَلَى النَّارِ هُدًى﴾ در آیه‌ی ۱۰ سوره‌ی طه استفاده می‌شود که حضرت موسی در شب حرکت کرده است، شبی سرد و ظلمانی که در این میان راه را نیز گم کرده بود.

### پیام‌ها:

- ۱- مؤمن، به شرط و قرارداد خود، وفادار است. ﴿قضى موسى الاجل﴾
- ۲- زن و فرزند نباید مانع حرکت، هجرت و انجام مسئولیت‌ها شوند، چنانکه مرد هم نباید آنها را رها کند، بلکه باید در کنار و همراه یکدیگر باشند. ﴿سارَ باهله﴾
- ۳- در جایی که اطمینان خاطر نداریم، خانواده خود را نبریم. ﴿أمكثوا﴾ دیدن آتش، به قرینه جمله‌ی «إني آنست ناراً»، مخصوص حضرت موسی بوده و برای آن حضرت مبهم بوده است، لذا از خانواده‌اش خواست که در همانجا منتظر بمانند تا خود تنها به نزد آتش رود و برگردد.
- ۴- هر کجا که به تحقق قول خود مطمئن نیستیم، وعده‌ی قطعی ندهیم. ﴿لعلی آتیکم - لعلکم تصطلون﴾ (کلمه‌ی «لعل» به معنای شاید است، یعنی شاید خبری بیاورم یا شاید قطعه آتشی برای گرم شدن بیاورم).
- ۵- مرد، مسئول رفع نیازمندی‌های همسر و خانواده خود است. ﴿لعلکم تصطلون﴾
- ۶- برای رسیدن به مقامات عالی عرفان، لازم نیست با زن و فرزند متارکه کنیم، بلکه می‌توان بطور عادی و طبیعی و ساده زندگی کرد و به بالاترین درجات عرفان نیز رسید. ﴿سار باهله... قال لاهله... لعلکم تصطلون﴾

﴿۳۰﴾ فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ مِنْ شَاطِئِ الْوَادِ الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ

مِنَ الشَّجَرَةِ أَنْ يَا مُوسَى إِنِّي أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ

پس همین که (موسی) به نزد آن (آتش) آمد، (ناگهان) از جانب راست آن دره، در آن منطقه مبارک و خجسته از (میان) یک درخت، ندا داده شد که ای موسی! همانا من، الله، پروردگار جهانیان هستم.

## نکته‌ها:

□ کلمه‌ی «شاطی» به معنای جانب و ساحل، کلمه‌ی «وادی» به معنای رودخانه و درّه است. «بُقعة» به قطعه زمینی اطلاق می‌شود که با زمین‌های همجوارش تفاوت داشته باشد.<sup>(۱)</sup>

□ دست خداوند در شیوه‌ی وحی باز است. خداوند می‌تواند به دل‌ها الهام کند، یا این‌که بر انسان‌ها فرشته نازل نماید و یا حتی از درون درختی ایجاد صوت نموده با پیامبر برگزیده‌اش سخن بگوید.

چنانکه در سوره شوری می‌فرماید: ﴿وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يَكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحِيًّا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يَرْسُلَ رَسُولًا﴾<sup>(۲)</sup> خداوند با هیچ بشری سخن نمی‌گوید مگر از طریق وحی یا از پشت حجاب یا این‌که فرشته‌ای بفرستد.

## پیام‌ها:

- ۱- بعضی مکان‌ها دارای قداست هستند. ﴿البقعة المباركة﴾
- ۲- در جایی که زمینه‌ی تعجب وجود دارد، باید تأکید بیشتری کرد. (موسی که بری اولین بار صدایی از درخت می‌شنود، تعجب می‌کند و لذا کلام خداوند با «انّی و انا» همراه تأکید آمده است.) ﴿انّی انا﴾
- ۳- خداوند برای اجرای اراده‌ی خود، فکرها و دیدها را در مسیر خاصی قرار می‌دهد. موسی در پی به دست آوردن آتشی برای پیدا کردن راه و گرم شدن خانواده‌اش، به آن سوی کشیده شد؛ ولی هدف خداوند چیز دیگری بود. ﴿انّی آتیکم بخبر... انّی انا الله﴾

﴿۳۱﴾ وَ أَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رَآهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّى مُدْبِرًا وَ  
لَمْ يُعَقِّبْ يَا مُوسَى أَقْبِلْ وَلَا تَخَفْ إِنَّكَ مِنَ الْأَمْنِينَ

۱. تفسیر المیزان.

۲. شوری، ۵۱.

و (از تو می‌خواهم) این‌که عصایت را بیفکنی! پس چون (موسی عصا را انداخت ناگهان) مشاهده کرد که آن (عصا) چنان جست و خیز می‌کند که گویا ماری چالاک و کوچک است، پشت‌کنان فرار کرد و به عقب (هم) نگاه نکرد! (به او ندا رسید که) ای موسی! پیش بیا و نترس، همانا تو درامان هستی.

## پیام‌ها:

- ۱- خداوند از هر چیز می‌تواند معجزه‌ای بیافریند. ﴿أَلْقِ عَصَاكَ... كَانَهَا جَانًّا﴾
- ۲- برای انجام مأموریت‌های بزرگ، باید برنامه را قبلاً تمرین و تکرار کرد. ﴿أَلْقِ عَصَاكَ﴾ (حضرت موسی می‌بایست ابتدا خود، معجزه را ببیند تا بتواند آن را در برابر دیگران تکرار نماید.)
- ۳- انبیا در جنبه‌ی بشری، همچون سایر انسان‌ها نسبت به اموری، دغدغه و ترس داشته‌اند. ﴿لَا تَخَفْ﴾

﴿۳۲﴾ **أُسْلِكَ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجَ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ وَأَضْمُمُ إِلَيْكَ جَنَاحَكَ مِنَ الرَّهْبِ فَذَانِكَ بُرْهَانَانِ مِنْ رَبِّكَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ**

(ای موسی! اکنون) دستت را در گریبان‌ت فرو ببر (خواهی دید که) بدون هیچ بیماری، و نقص و عیبی، سفید و درخشان بیرون خواهد آمد، و برای رهایی از (تعجب و) ترس، بازوی خود را جمع کن، پس این (دو معجزه، دو دلیل روشن و) دو برهان از طرف پروردگارت به سوی فرعون و اشراف اطراف اوست، به درستی که آنان گروهی فاسق بوده‌اند.

﴿۳۳﴾ **قَالَ رَبِّ إِنِّي قَتَلْتُ مِنْهُمْ نَفْسًا فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ**

(موسی) گفت: پروردگارا! همانا من یکی از آنها (فرعونیان) را کشته‌ام، پس می‌ترسم که مرا (به قصاص او) به قتل رسانند.



## نکته‌ها:

□ جمله‌ی «وَأَضْمُمُ إِلَيْكَ جَنَاحَكَ مِنَ الرَّهْبِ» یا به معنای آن است که به هنگام ترس و وحشت، دست‌هایت را بر روی سینه و یا زیر بغل بگذار (بر خلاف بعضی که وقتی می‌ترسند، دست‌ها را بالا می‌برند) و یا به معنای کمر همّت بستن و مصمّم شدن و پیش رفتن است.<sup>(۱)</sup>

□ در تورات آمده است: وقتی موسی دست در گریبان برد، دستش مرض پیسی گرفت و مانند برف سفید شد،<sup>(۲)</sup> ولی قرآن سفیدی دست موسی را از بیماری نمی‌داند، بلکه آن را نشانه‌ی قدرت الهی می‌داند که در مقام ارائه‌ی برهان، راه را بر هر گونه شبهه و انحراف ببندد.

﴿بِضَاءٍ مِنْ غَيْرِ سَوْءٍ﴾

## پیام‌ها:

- ۱- همراه با نمود قهر، نمودی از لطف نیز ضروری است. ﴿تَهَتَّرَ كَاتِبًا جَانًّا - تَخْرُجُ بِيضَاءٍ مِنْ غَيْرِ سَوْءٍ﴾ (در کنار مار ترسان، دست درخشان لازم است)
- ۲- معجزات الهی، نقصان و عوارض سوئی ندارد. ﴿مِنْ غَيْرِ سَوْءٍ﴾
- ۳- ارشاد و دعوت باید پشتوانه‌ی منطقی و الهی داشته باشد. ﴿بِرَهَّانَانِ مِنْ رَبِّكَ﴾
- ۴- مار شدن عصا و سفید شدن دست، نشانه‌ای از تشویق و تنبیه، انذار و بشارت است که دو عنصر اساسی در زمینه تربیت است. ﴿بِرَهَّانَانِ مِنْ رَبِّكَ﴾
- ۵- برای اصلاح جامعه، باید ابتدا به سراغ ریشه‌ها و سرچشمه‌های فسق و فساد رفت. ﴿إِلَى فِرْعَوْنَ وَ مَلَائِهِ﴾
- ۶- قانون قصاص، سابقه‌ای طولانی دارد. ﴿قَتَلْتُ مِنْهُمْ نَفْسًا فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ﴾
- ۷- در پذیرش مسئولیت، موانع را مطرح و ارزیابی کنیم. ﴿فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ﴾

۱. تفسیر المیزان.

۲. تورات، سفر خروج، باب ۴، جمله ۶.

﴿۳۴﴾ وَ أَخِي هَارُونَ هُوَ أَفْصَحُ مِنِّي لِسَانًا فَأَرْسَلْتُهُ مَعِيَ رِدْءًا يُصَدِّقُنِي إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُونِ

و برادرم هارون را که در بیان از من شیواتر است برای یاری ام با من بفرست تا مرا تصدیق کند، همانا می ترسم که (فرعونیان) مرا تکذیب کنند.

﴿۳۵﴾ قَالَ سَنَنْشُدُ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ وَنَجْعُلُ لَكُمَا سُلْطَانًا فَلَا يَصِلُونَ إِلَيْكُمَا بِآيَاتِنَا أَنْتُمَا وَمَنِ اتَّبَعَكُمَا الْغَالِبُونَ

(خداوند) فرمود: (نگران مباش) ما بازوی تو را به واسطه (همراهی) برادرت محکم خواهیم کرد و برای شما، برتری و سلطه قرار خواهیم داد، پس به برکت آیات (و نشانه‌های) ما بر شما دست نخواهند یافت (و) شما و هرکس پیروی‌تان کند، پیروز خواهید بود.

#### نکته‌ها:

- هارون (که در لغت، به معنای کوه‌نشین یا قاصد است) برادر بزرگ حضرت موسی، از انبیای بنی‌اسرائیل بوده و در قرآن از او ستایش شده است.
- حضرت موسی در انجام مأموریتش از دو چیز می‌ترسید، یکی قصاص قتل، «إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُقْتَلُونَ» و دیگری تکذیب حق، «إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُونَ»
- در واگذاری مسئولیت‌های سنگین، باید به همه‌ی ابعاد شخص، توجه کرد. گرچه حضرت هارون از نظر سن و سخن، از حضرت موسی بزرگ‌تر و خوش بیان‌تر بود، ولی حضرت موسی به خاطر صفات و لیاقت‌های دیگری که داشت، در این مأموریت مسئول و مأمور شد. هر چند هارون نیز پیامبر الهی بود.
- در شیوه‌ی تبلیغ، ارشاد، امر به معروف و نهی از منکر، گاهی باید افراد دو نفری یا بیشتر اقدام کنند. «ارسله معی»
- در امر به معروف و نهی از منکر، محور اصلی اثر کردن است؛ اگر با اشاره اثر می‌کند باید

اشاره کرد، اگر فریاد اثر می‌کند باید فریاد زد. اگر با طومار و راهپیمایی و تحصن و اعتصاب و تجمع، یا تهدید و تشویق، باید همان راه را طی کرد و به هر نحو ممکن، قلباً و لساناً و عملاً جلو مفسد را گرفت، حتی اگر با تکرار اثر می‌کند باید امر ونهی را تکرار کرد.

### پیام‌ها:

- ۱- اقرار به کمالات دیگران، خود یک کمال و ارزش است. ﴿هُوَ أَفْصَحَ مِنِّي﴾ حضرت موسی با این که پیامبر اولوالعزم بود، به کمال برادرش اقرار کرد.
- ۲- بیان روان، از عوامل مؤثر در جذب افراد و تبلیغ موفق است. ﴿هُوَ أَفْصَحَ﴾
- ۳- برای ارشاد و دعوت به حق، از بهترین‌ها استفاده کنیم. ﴿هُوَ أَفْصَحَ﴾
- ۴- هر نیرویی را در جای خود بکار بگیریم. ﴿هُوَ أَفْصَحَ﴾ (هارون دارای بیانی شیوا بود و در این مأموریت تبلیغی، سخن‌رسان نقش اساسی داشت، لذا حضرت موسی از خداوند همراهی او را درخواست کرد.)
- ۵- لازم نیست که مسئولان، در همه‌ی کمالات، برترین باشند، بلکه باید من حیث المجموع لایق باشند. ﴿هُوَ أَفْصَحَ مِنِّي﴾ (با این که مسئول اصلی موسی بود، ولی در بعضی جهات هارون قوی‌تر بود.)
- ۶- گاهی برای رفع مشکلات، بایستی خود اقدام به پیشنهاد و ارائه راهکار به مسئول مربوطه نمود. ﴿أَخِي هَارُونَ... فَارْسَلَهُ﴾
- ۷- دغدغه‌ی برنامه‌ریزی و آینده‌نگری، با ترس و وحشت متفاوت است. ﴿أَنِّي أَخَافُ أَنْ يَكْذِبُونُ﴾
- ۸- در یک رسالت الهی، نفر دوم را نیز باید خداوند تعیین فرماید. ﴿سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ﴾ همان گونه که ما معتقدیم جانشین پیامبر را نیز باید خدا تعیین کند.
- ۹- ایمان و حمایت بستگان، در پشت گرمی مبلّغ و تأثیرگذاری او در دیگران، بسیار مؤثر است. ﴿أَخِي - يُصَدِّقَنِي﴾
- ۱۰- دعا و درخواست انبیا مستجاب است. ﴿أَرْسَلَهُ مَعِيَ - سَنَشُدُّ عَضُدَكَ﴾ حضرت موسی از خداوند درخواست کرد تا برادرش هارون را همراه و یاور

او قرار دهد و خداوند آن را اجابت کرد.

- ۱۱- بهترین نوع برادری، برادری در تأیید حق و بازوی یکدیگر بودن در مسیر خداوند است. ﴿سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ﴾
- ۱۲- پیروزی انبیا، در سایه‌ی آیات الهی محقق می‌شود. ﴿فَلَا يَصِلُونَ إِلَيْكُمَا بِأَيَاتِنَا﴾
- ۱۳- حتی انبیا به امید و اطمینان خاطر نیاز دارند. خداوند به موسی و هارون و پیروانشان وعده‌ی پیروزی داد و آنان را امیدوار کرد. ﴿إِنَّمَا وَمَنْ اتَّبَعَكُمَا الْغَالِبُونَ﴾

﴿۳۶﴾ فَلَمَّا جَاءَهُمْ مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا سِحْرٌ

مُفْتَرٍ وَمَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأُولَىٰ

پس هنگامی که موسی با (معجزات و) آیات روشن ما به سراغ آنان آمد، گفتند: این چیزی جز سحر ساختگی نیست و ما چنین چیزی را در (میان) نیاکان خود نشنیده‌ایم.

#### پیام‌ها:

- ۱- تهمت، بزرگ‌ترین حربه‌ی مستکبران علیه مصلحان است. ﴿ما هذا الا سحر مفتري﴾
- ۲- تعالیم پیامبران الهی، تابع آداب و رسوم گذشتگان نیست. ﴿ما سمعنا بهذا في آبائنا﴾
- ۳- در پذیرش عقاید، منطق و برهان ملاک است، نه سیره‌ی پدران. ﴿ما سمعنا بهذا في آبائنا﴾ (پیشینه نداشتن یک تفکر، دلیل نادرستی آن نیست)
- ۴- برخی انسان‌ها، منطق روشن را فدای گذشته تاریک می‌کنند. ﴿جاءهم باياتنا بيّنات - ما سمعنا بهذا في آبائنا الاولين﴾

﴿ ۳۷ ﴾ وَقَالَ مُوسَىٰ رَبِّيٰ أَعْلَمُ بِمَن جَاءَ بِالْهُدَىٰ مِن عِنْدِهِ وَمَن تَكُونُ لَهُ عَاقِبَةُ الدَّارِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ

و موسی (در پاسخ تکذیب فرعونیان) گفت: پروردگار من به کسانی که از جانب او آمده‌اند، آگاه‌تر است و (می‌داند) سرانجام (نیک) آخرت برای چه کسانی است. به درستی که ستمکاران رستگار نخواهند شد.

#### نکته‌ها:

□ در آیه قبل آمد که فرعونیان با گستاخی کامل، معجزات الهی را سحر معرفی کرده و اظهار نمودند که ما در تاریخ نیاکانمان چنین حرف‌هایی نشنیده‌ایم، در این آیه حضرت موسی به کنایه به آنان می‌فرماید: شما دروغ می‌گویید، زیرا قبل از من، کسانی چون حضرت یوسف چراغ هدایت نیاکان شما را در دست داشته و دین ابراهیم را ترویج می‌کرده‌اند.

#### پیام‌ها:

- ۱- در برابر تکذیب کفار که معجزات را سحر می‌خوانند، باید به خدا توکل کرد. ﴿ما هذا الا سحر... ربی اعلم...﴾
- ۲- ادعاهای پوچ را با شعارهای الهی ختنی سازیم. ﴿ما هذا الا سحر... ربی اعلم﴾
- ۳- خدا هیچ مردمی را بی‌راهر و راهنما نگذاشته است. ﴿ربی اعلم بمن جاء بالهدی﴾
- ۴- هدایت‌یافتگان، خوش عاقبتند. ﴿له عاقبة الدار﴾
- ۵- توجه به معاد، در رأس برنامه‌های انبیا بوده است. ﴿و قال موسی... من تكون له عاقبة الدار﴾
- ۶- کسانی که انبیا را ساحر می‌نامند، ستمگرانی بد عاقبت‌اند. ﴿لا یفلح الظالمون﴾

﴿ ۳۸ ﴾ وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ مَا عَلِمْتُ لَكُم مِّنْ إِلَهِ غَيْرِي فَأَوْقِدْ لِي يَا هَامَانُ عَلَى الطِّينِ فَأَجْعَلْ لِي صَرْحًا لَّعَلِّي أَطَّلِعُ إِلَىٰ إِلَهِ مُوسَىٰ وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ مِنَ الْكَاذِبِينَ

و فرعون گفت: ای بزرگان قوم! (اگرچه) من جز خودم معبودی برای شما نمی‌شناسم (اما برای تحقیق بیشتر) ای هامان! برای من آتشی بر گل بیفروز (و آجر تهیه کن) پس برجی بلند برای من بساز، شاید (به واسطه‌ی بالا رفتن از آن) به خدای موسی دست یابم. و همانا من او را از دروغگویان می‌پندارم.

### نکته‌ها:

□ کلمه‌ی «صِرْح» به معنای ساختمان بلند است. این آیه نشان می‌دهد که در مصر قدیم، هم کوره‌های آجرپزی بوده و هم قدرت بر ساختن برج داشتند.

### پیام‌ها:

- ۱- روحیه‌ی استکباری، مانع پذیرش حق است. فرعون گفت: جز خودم هیچ خدایی برای شما نمی‌شناسم. ﴿مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ آلِهِ غَيْرِي﴾
- ۲- مستکبران، عقاید و افکار خود را به دیگران تحمیل می‌کنند. ﴿مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ آلِهِ غَيْرِي﴾
- ۳- شعار مستکبران این است: هر چه را من نمی‌شناسم، پس وجود ندارد. ﴿مَا عَلِمْتُ...﴾
- ۴- توقع دیدن خداوند با چشم ظاهری، تفکر فرعون‌ی است. ﴿أَطَّلِعُ إِلَى آلِهِ مُوسَى﴾
- ۵- قدرت‌نمایی، عوام‌فریبی با ژست تحقیق و بررسی، و منحرف کردن افکار عمومی، از شیوه‌های مستکبران است. ﴿فَأَوْقِدْ لِي يَا هَامَانَ...﴾
- ۶- مستکبران، خود را محور همه چیز می‌دانند. (فرعون به هر مناسبتی خود را مطرح می‌کرد) ﴿مَا عَلِمْتُ - غَيْرِي - أَوْقِدْ لِي - فَاجْعَلْ لِي - لَعَلِّي أَطَّلِعُ - إِنِّي لَأَظُنُّهُ﴾

﴿۳۹﴾ وَاسْتَكْبَرَ هُوَ وَجُنُودُهُ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ

إِنِّي لَأَظُنُّهُ

او (فرعون) و سپاهیان‌ش به ناحق در زمین تکبر ورزیدند و پنداشتند که آنان به سوی ما بازگردانده نمی‌شوند.

### استکبار و مستکبر

\* در طول تاریخ، افراد مغرور و متکبری بوده‌اند که خودشان را محور و مرکز همه چیز می‌پنداشتند. در این سوره فرعون می‌گوید: ﴿مَا عَلَّمْتُكُمْ لَكُم مِّنَ الْإِلَهِ غَيْرِي﴾ من جز خودم برای شما معبودی سراغ ندارم و هنگامی که ساحران به موسی ایمان آوردند گفت: ﴿آمَنَّا بِكَ قَبْلَ أَنْ تَأْتِيَنَا بِالْحُكْمِ﴾ آیا بدون اجازه‌ی من به موسی ایمان آورده‌اید.

فرعون توقع دارد که هیچ کس بدون اجازه‌ی او، هیچ عقیده‌ای نداشته باشد. امروز نیز فرعون‌ها، ابرقدرت‌هایی هستند که می‌خواهند خود را محور فرهنگ، سیاست، اقتصاد و صاحب اختیار جهان بدانند.

\* مستکبران گاهی برای قدرت‌نمایی، فرد یا گروه یا کشوری را نابود می‌کنند یا مورد لطف قرار می‌دهند. نظیر نمرود که به حضرت ابراهیم گفت: ﴿أَنَا أَحِبُّهُ وَ أُمِّيَّتُ﴾<sup>(۱)</sup> حیات و مرگ این مردم به دست من است، هر که را بخواهم می‌کشم و هر که را بخواهم از زندان آزاد می‌کنم. \* مستکبران، گاهی زرق و برق و جلوه‌های مادی را به رخ مردم می‌کشند، همان‌گونه که فرعون می‌گفت: ﴿أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ وَ هَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِن تَحْتِي﴾<sup>(۲)</sup> آیا حکومت مصر از آن من نیست؟ آیا نمی‌بینید که این نهرها از زیر کاخ من جاری است؟

\* مستکبران، گاهی با ارباب، مردم را به تسلیم وادار می‌کنند. فرعون به ساحرانی که به موسی ایمان آوردند گفت: ﴿لَا تَقْطَعْنَ أَيِّدِيكُمْ وَ أَرْجُلَكُمْ مِّنْ خَلْفٍ﴾<sup>(۳)</sup> من دست و پای شما را بر خلاف یکدیگر قطع می‌کنم.

\* مستکبران، گاهی با مانور و خودنمایی، مردم ساده‌لوح را فریفته‌ی خود می‌کنند. قارون به‌گونه‌ای در کوچه و بازار راه می‌رفت که مردم دنیاپرست، آه از دل کشیده و می‌گفتند: ای کاش برای ما نیز آنچه برای قارون است وجود داشت.<sup>(۴)</sup>

\* مستکبران، گاهی با تطمیع می‌خواهند مغزها و فکرها را بخرند. چنانکه فرعون به ساحران گفت: اگر آبروی موسی را بریزید، من به شما پاداش بزرگی می‌دهم و شما را از مقربان

۱. بقره، ۲۵۸.

۲. زخرف، ۵۱.

۳. اعراف، ۱۲۴.

۴. قصص، ۷۹.

دربارم قرار می‌دهم.<sup>(۱)</sup>

\* مستکبران، گاهی با سفرهای خود دل‌ها را متزلزل می‌کنند. قرآن می‌فرماید: گردش کفار در شهرها تورا مغرور نکند.<sup>(۲)</sup>

\* مستکبران گاهی با تحقیر دیگران جنگ روانی به راه می‌اندازند و به طرفداران انبیا نسبت‌های ناروا می‌دهند و آنان را اراذل و اوباش می‌خوانند.<sup>(۳)</sup>

\* مستکبران، گاهی با ایجاد ساختمان‌های بلند و رفیع، دلربایی می‌کنند. فرعون به وزیرش هامان گفت: برجی برای من بساز تا از آن بالا روم و خدای موسی را ببینم!<sup>(۴)</sup>

واقعاً قرآن چقدر زنده است که خلق و خوی و رفتار و کردار زشت مستکبران را به گونه‌ای ترسیم کرده که با زمان ما نیز قابل تطبیق است.

### پیام‌ها:

- ۱- مردم از دین حاکمان پیروی می‌کنند. «استکبر هو و جنوده»
- ۲- معیار ستایش‌ها و انتقادهای قرآن، حق است. «بغیر الحق»
- ۳- غفلت از گذرا بودن دنیا و گمان به جاودانگی، زمینه‌ساز خوی استکباری است. «وظنوا أنهم الینا لا یرجعون»
- ۴- عدم اعتقاد و توجه به معاد و حساب، زمینه‌ی شکل‌گیری استکبار است. «لا یرجعون»

﴿۴۰﴾ فَأَحَدْنَاهُ وَّجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ فَاَنْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ

### الظَّالِمِينَ

پس ما (نیز) او و لشگریانش را (با قهر خود) گرفتیم و به دریا افکندیم. پس بنگر که پایان کار ستمگران چگونه است.

۱. اعراف، ۱۱۴. ۲. آل عمران، ۱۹۶. ۳. شعراء، ۱۱۱. ۴. غافر، ۳۶.



**نکته‌ها:**

- در این آیه فرعون و لشکرش به چیز بی‌ارزشی که از زمین برگرفته و به دریا پرتاب شود، تشبیه شده‌اند. این تحقیر برای آن است که تمام قدرت‌ها در برابر قدرت و قهر الهی ناچیزند.
- «تَبَذَ»، یعنی دور انداختن اشیای بی‌ارزش و بی‌مقدار است.

**پیام‌ها:**

- ۱- کیفرهای الهی، اختصاص به آخرت ندارد. (فرعون در همین دنیا غرق شد) ﴿فَاخْذَاهُ﴾
- ۲- یاران فرد ستمکار، در سرنوشت او سهیم و شریکند. ﴿فَاخْذَاهُ وَجُنُودَهُ﴾
- ۳- سرانجام مستکبران، ذلت و قهر است. ﴿فَنَبِّذْنَاهُمْ﴾
- ۴- برای ریشه‌کنی فساد، باید هر چیزی که آلوده باشد از بین برود. ﴿فَنَبِّذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ﴾
- ۵- به حوادث تاریخی به دیده‌ی عبرت بنگریم. ﴿فَانظُرْ﴾
- ۶- ستمگران، سرنوشت مشترکی دارند. ﴿عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ﴾ (به جای عاقبت فرعون فرمود: عاقبت همه ستمگران چنین است)
- ۷- مهم عاقبت کار است، نه جلوه‌های زودگذر آن. ﴿فَانظُر... عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ﴾

﴿٤١﴾ وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصَرُونَ

و آنان (فرعونیان) را پیشوایانی قرار دادیم که به آتش (دوزخ) دعوت می‌کنند و (البته در) روز قیامت، یاری نخواهند شد.

﴿٤٢﴾ وَ أَتْبَعْنَاهُمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ هُمْ مِّنَ

الْمَقْبُوحِينَ

و در این دنیا، لعنتی بدرقه‌ی آنان کردیم و روز قیامت، آنان از زشت چهره‌گان خواهند بود.

## نکته‌ها:

□ قرآن مجید همچنان که در مورد پیشوایان هدایت و نور، کلمه‌ی «اُمّة» را بکار برده است، ﴿و جعلناهم اُمَّةً يَهْدُونَ بِاَمْرِنَا﴾<sup>(۱)</sup> این کلمه را بر جلوداران ضلالت و نار نیز اطلاق فرموده است، «و جعلناهم اُمَّةً يَدْعُونَ اِلَى النَّارِ» و از این رو است که در قیامت، هر کس با رهبری که در دنیا انتخاب کرده به دادگاه عدل الهی احضار می‌شود. ﴿يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ اُنَاسٍ بِاِمَامِهِمْ﴾<sup>(۲)</sup> فرعون نیز به عنوان یکی از همین پیشوایان در آن روز قومش را به دوزخ وارد می‌کند. ﴿يَقْدُمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ﴾<sup>(۳)</sup>

## پیام‌ها:

- ۱- روحیه‌ی استکباری، انسان را رهبر دوزخیان می‌سازد. ﴿و جعلناهم اُمَّةً...﴾
- ۲- نقش حکومت‌ها را در شکل‌دهی ساختار فرهنگی و عقیدتی جامعه نمی‌توان نادیده گرفت. ﴿اُمَّةً يَدْعُونَ اِلَى النَّارِ﴾
- ۳- تبلیغات مستکبران، در واقع دعوت به دوزخ است. ﴿يَدْعُونَ اِلَى النَّارِ﴾
- ۴- مستکبرانی که امروز به عِدّه و عُدّه دل خوش دارند، در قیامت، بی‌کس و یاور خواهند بود. ﴿يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يَنْصُرُونَ﴾
- ۵- کیف‌های الهی، مخصوص آخرت نیست. ﴿و اَتَّبِعْنَاهُمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا﴾
- ۶- لعنت و نفرین مردم، تبلور قهر الهی است. ﴿اَتَّبِعْنَاهُمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً﴾ چنانکه دعای خیر مردم و نام نیک، نشانه‌ی لطف خداوند است. ﴿و اجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْاٰخِرِيْنَ﴾<sup>(۴)</sup>
- ۷- نفرین بر ظالم حتی بعد از نابودی او لازم است. ﴿اَتَّبِعْنَاهُمْ... لَعْنَةً﴾
- ۸- زشت‌کاری‌های دنیوی، به زشت‌روئی‌های آخروی می‌انجامد. ﴿يَوْمَ الْقِيَامَةِ هُمْ مِنَ الْمَقْبُوْحِيْنَ﴾

۳. هود، ۹۸.

۲. اسراء، ۷۱.

۱. انبیاء، ۷۳.

۴. شعراء، ۸۴.

﴿ ۴۳ ﴾ وَ لَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِ مَا أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ الْأُولَى  
بَصَائِرَ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ

و به تحقیق بعد از آنکه نسل‌های نخستین را نابود ساختیم، به موسی کتاب (آسمانی تورات را) عطا کردیم (تا وسیله‌ای) برای بصیرت مردم و هدایت و رحمت باشد، شاید که آنان پند گیرند.

#### نکته‌ها:

□ کلمه «بصائر» جمع «بصیرت» به معنای بینش و آگاهی و کلمه‌ی «أبصار» جمع «بَصَرَ» به معنای چشم است.

#### پیام‌ها:

- ۱- با شکست طاغوت، زمینه برای صالحان فراهم می‌گردد. «آتینا موسی‌الکتاب من بعد ما اهلکنا»
- ۲- پایان کار مستکبران، هلاکت و نابودی است. «اهلکنا القرون الاولی»
- ۳- دینداری باید براساس بصیرت باشد. «بصائر»
- ۴- ارسال کتب و رسل، بر اساس رحمت الهی است. «للناس... رحمة»
- ۵- کتب آسمانی، عامل بصیرت و هدایت است. «بصائر للناس و هدی»
- ۶- تا انسان بصیرت پیدا نکند، هدایت نمی‌شود و تا هدایت نشود، لطف و رحمت الهی را دریافت نمی‌کند. «بصائر للناس وهدی ورحمة»
- ۷- دین، جزو فطرت انسان‌هاست و کتب آسمانی آن فطرت را غبارزدایی می‌کنند. «یتذکرون»
- ۸- با وجود کتب آسمانی و پیامبران، باز هم گروهی از انسان‌ها هدایت را نمی‌پذیرند. «لعلهم یتذکرون»

﴿ ۴۴ ﴾ وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الْغَرْبِيِّ إِذْ قَضَيْنَا إِلَىٰ مُوسَى الْأَمْرَ وَمَا كُنْتَ  
مِنَ الشَّاهِدِينَ

و هنگامی که فرمان (نبوت) را به موسی دادیم، تو در جانب غربی (کوه طور) حضور نداشتی و از شاهدان نبودی.

#### نکته‌ها:

□ با مطالعه‌ی تاریخ گذشتگان، می‌توان با آنان زندگی کرد، هر چند درمیانشان حضور فیزیکی نداشت. حضرت علی علیه السلام به فرزندش امام حسن علیه السلام می‌فرماید: من گرچه عمر پیشینیان را نداشته‌ام اما بخاطر مطالعه، تفکر و دقت در زندگانی و آثار آنان، گویی یکی از آنان شده و با آنان زندگی کرده‌ام.<sup>(۱)</sup>

□ عبارت «مَا كُنْتَ» چهار مرتبه در این آیه و آیات بعد تکرار گردیده که بر غیبی بودن اخبار تاریخی قرآن تأکید دارد.

#### پیام‌ها:

- ۱- نقل ماجرای نبوت حضرت موسی با همه‌ی ریزه‌کاری‌های آن، از زبان پیامبری که در آن زمان‌ها حضور نداشته، نشانه‌ی حَقَّانِیَّت و اعجاز قرآن است. ﴿وما کنت... و ما کنت...﴾
- ۲- برخی داستان‌های قرآن، از اخبار غیبی است، نه از نقل شاهدان عینی. ﴿و ما کنت بجانب...﴾
- ۳- بخش غربی کوه طور، محلّ نزول تورات بوده است. ﴿بجانب الغربی﴾

۱. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

﴿ ۴۵ ﴾ وَلَكِنَّا أَنْشَأْنَا قُرُونًا فَتَطَاوَلَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ وَمَا كُنْتَ ثَاوِيًا فِي  
أَهْلِ مَدْيَنَ تَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا وَلَكِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ

ولی ما (اقوامی را) در اعصار مختلف خلق کردیم، پس زمان‌های طولانی بر آنها گذشت (و آثار انبیا از دل‌هایشان محو شد، پس تو را با کتاب آسمانی به سوی مردم فرستادیم)، و تو در میان اهل مدین اقامت نداشته‌ای تا (از وضع آنان آگاه باشی و بتوانی) آیات ما را (بیرامون مردم مدین) بر آنان (مردم مکه) بخوانی، لیکن سنت ما این است که افرادی را برای هدایت می‌فرستیم.

### نکته‌ها:

□ کلمه‌ی «ثاویاً» از ماده‌ی «ثوی» و به معنای مقیم می‌باشد، چنانکه کلمه‌ی «مَثْوًی» از همین ماده، به معنای جایگاه و قرارگاه است.

### پیام‌ها:

- ۱- مردم در هر عصر و زمانی به معارف الهی نیازمندند. «ماکنت... یتلوا علیهم آیاتنا»
- ۲- گذشت زمان، آثار انبیای گذشته را کم‌رنگ و زمینه را برای آمدن پیامبر اسلام فراهم کرده است. «فتطاول علیهم العُمر... کتّا مرسلین»
- ۳- بعثت پیامبران، سنت خداوند است. «کتّا مرسلین»

﴿ ۴۶ ﴾ وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الطُّورِ إِذْ نَادَيْنَا وَلَكِنْ رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ لِتُنذِرَ  
قَوْمًا مَّا أَتَاهُمْ مِّن نَّذِيرٍ مِّن قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ

وآنگاه که ما (موسی را) ندا دادیم، تو در کنار کوه طور نبود، لیکن (این وحی و اطلاع از اخبار گذشتگان) رحمتی است از جانب پروردگارت تا تو (به واسطه‌ی آن) قومی را که پیش از تو هشدار دهنده‌ای برایشان نیامده بود، هشدار دهی، شاید آنان متذکر شوند.

## پیام‌ها:

- ۱- انبیا بدون اتصال به عالم وحی، همچون سایر مردم اخبار غیبی را نمی‌دانند.  
﴿ما کنت...﴾
- ۲- مقایسه (بین جهل و علم، عجز و قدرت، فقر و غنا، نقص و کمال)، کلید خودشناسی و خداخواهی است. ﴿ما کنت... لکن رحمة من ربّک﴾
- ۳- خاطرات قرآنی، همگی از سرچشمه وحی است. ﴿ما کنت اذ نادینا﴾
- ۴- بیان داستان‌های حقیقی و عبرت‌آموز قرآن، وسیله‌ای برای تربیت و هشدار است. ﴿رحمة من ربّک لتنذر﴾
- ۵- انذار خلق، جلوه‌ای از رحمت خداست. ﴿رحمة من ربّک لتنذر﴾
- ۶- برای هدایت افراد غافل، انذار و هشدار، کارسازتر است. ﴿لتنذر - من نذیر﴾ (با این‌که رسالت پیامبران در قالب مجموعه‌ای از بشارات و انذارهاست، ولی از آنجاکه انذار اثر بیشتری در روحهای غفلت‌زده دارد، در قرآن توجه بیشتری به مسأله‌ی انذار شده است.)
- ۷- مردم در انتخاب راه و عقیده آزادند و اجباری در پذیرش دعوت پیامبران ندارند. ﴿لتنذر... لعلّهم یتذکّرون﴾
- ۸- انسان‌ها، به واسطه‌ی فطرت، مسائلی را در ضمیر خویش می‌دانند، ولی برای جلوگیری از فراموشی، باید آنها را تذکر داد. ﴿یتذکّرون﴾

﴿۴۷﴾ وَ لَوْلَا أَنْ تُصِيبَهُمْ مُّصِيبَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَيَقُولُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ وَ نَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

و اگر نبود این‌که هرگاه مصیبتی در اثر عملکردشان به آنان برسد، می‌گویند: پروردگارا! (ما که نمی‌دانستیم) چرا برای ما پیامبری نفرستادی تا آیات تو را پیروی کنیم و از ایمان‌آوردندگان باشیم، (ما هرگز پیامبری به سوی آنان نمی‌فرستادیم).

**نکته‌ها:**

- آیه‌ی قبل هدف آمدن انبیا را انذار و هشدار دانست، این آیه هدف دیگر بعثت را که اتمام حجّت و بستن راه بهانه و عذر است بیان می‌کند.
- مفهوم آیه این است که کفّار می‌گویند: بدبختی و مصیبت ما به خاطر عمل فاسدی است که به سبب نداشتن پیامبر مرتکب شده‌ایم، اگر پیامبر می‌داشتیم گرفتار نمی‌شدیم، خداوند در پاسخ می‌فرماید: ما برای اتمام حجّت بر آنها پیامبرانی فرستادیم.

**پیام‌ها:**

- ۱- بسیاری از مصائب و حوادث تلخ، مولود عملکرد خودماست. ﴿تصییهم مصیبة بما قدمت ایدیهم﴾ آری اعمال نیک و بد، در همین دنیا نیز اثر خود را می‌گذارند.
- ۲- ایمان به خدا و پیروی از انبیا، رمز نجات از مصیبت‌هاست. ﴿تصییهم مصیبة - لولا ارسلت﴾
- ۳- عقل، علم و فطرت، به تنهایی کافی و کارساز نیست، بلکه وحی نیز لازم است. ﴿لولا ارسلت﴾
- ۴- عقاب بدون بیان، قبیح است. ﴿لولا ارسلت﴾ (بعثت انبیا یک اتمام حجّت است تا کسی نگوید: ما که خبر نداشتیم و ندانسته مرتکب خلاف شده‌ایم).
- ۵- پیروی و اطاعت، نشانه‌ی ایمان واقعی است. ﴿تتبع آیاتک و نکون من المؤمنین﴾

﴿ ۴۸ ﴾ فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا لَوْلَا أُوتِيَ مِثْلَ مَا أُوتِيَ مُوسَىٰ أَوْلَمْ يَكْفُرُوا بِمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ مِنْ قَبْلُ قَالُوا سِحْرَانِ تَظَاهَرَا وَقَالُوا إِنَّا بِكُلِّ كَافِرُونَ

پس هرگاه از جانب ما (آیات) حقّ برای آنان آمد، گفتند: چرا آنچه (به این پیامبر) داده شده، شبیه آن چه به موسی داده شده نیست؟ (چرا معجزاتی مثل تبدیل عصا به اژدها و یا نزول دفعی کتاب، مثل تورات که قابل مشاهده باشد ندارد؟! اما) مگر (همین کافران لجوج و بهانه‌گیر) به آنچه

قبلاً به موسی داده شده بود، کفر نورزیدند؟ (مگر آنها نبودند که) گفتند:  
(این دو کتاب تورات و قرآن) سحرهایی هستند که پشتیبان یکدیگرند و  
(نیز) گفتند: همانا ما به همه‌ی آنها کافریم!؛

### نکته‌ها:

□ در این‌که جمله‌ی «سحران تظاهرا» اشاره به کدام دو چیز است، احتمالات زیادی داده شده که با توجه به آیه‌ی بعد معلوم می‌شود مراد، قرآن و تورات است.

### پیام‌ها:

- ۱- رسالت پیامبر و قرآن، حق است. ﴿لولا ارسلت الینا رسولاً - فلما جاءهم الحق﴾
- ۲- منکرین حق، بجای توجه به حقایق، تنها به مقایسه‌های بی‌اساس و باطل نظر دارند. ﴿جاءهم الحق - لولا اوتی مثل ما اوتی﴾
- ۳- افراد متحجر، حاضر به پذیرش حرف جدید و منطقی نیستند. ﴿لولا اوتی مثل ما اوتی موسی﴾
- ۴- سحر و ساحری، شایع‌ترین تهمتی است که به انبیا زده می‌شود. ﴿سحران﴾ (منکرین بهانه‌جو اظهار می‌نموند که این قرآن و آن تورات، دو کتاب سحرند که از یکدیگر پشتیبانی می‌کنند.)
- ۵- دشمنان، منطق و کلام حق را خدشه‌دار می‌کنند تا راه را برای انکار خود باز کنند. ﴿سحران... انا بکل کافرون﴾

﴿۴۹﴾ قُلْ فَاتُوا بِكِتَابِ مَنْ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ أهدىٰ مِنْهُمَا اتَّبِعُهُ إِن

كُنْتُمْ صَادِقِينَ

(ای پیامبر! به آنان) بگو: (اکنون که منکر هر دو کتاب هستید) اگر راست می‌گویید، شما کتابی از جانب خداوند بیاورید که از این دو (کتاب تورات و قرآن) هدایت بخش‌تر باشد تا من از آن پیروی کنم.



## پیام‌ها:

- ۱- باید به یاهو سرایی منکران، جواب مناسب داد. ﴿قل...﴾
- ۲- برای اثبات حق، گاهی باید روش تحدی و مبارزه طلبی و مناظره را انتخاب کرد. ﴿قل فأتوا بكتاب...﴾
- ۳- انتقاد به تنهایی کافی نیست، باید همراه آن طرح و پیشنهاد داد. ﴿سحران تظاهرا... فأتوا بكتاب﴾
- ۴- از جمله امتیازات انبیا، تحدی و مبارزه طلبی در آوردن کتاب یا معجزه است. ﴿فأتوا بكتاب - اهدی﴾
- ۵- تورات اصلی و قرآن، بهترین کتاب‌های آسمانی برای هدایت بشر می‌باشند. ﴿فأتوا بكتاب... اهدی منها﴾
- ۶- در مقابل کفر و انکار باید پیروان ادیان الهی حامی یکدیگر باشند. ﴿أهدی منها﴾ و نفرمود: ﴿أهدی منی﴾ آری، در برابر دشمن مشترکی که به همه‌ی کتب آسمانی کافر است و شعار ﴿إنا بكلِّ کافرون﴾ سر می‌دهد، قرآن، از تورات حمایت کرده و آن را در کنار خویش قرار می‌دهد.
- ۷- رهبران دینی باید بهترین سخن و منطقی‌ترین شیوه را در مقابل مخالفان ارائه دهند. ﴿فأتوا بكتاب... اهدی منها اتبعه﴾
- ۸- ملاک و معیار در انتخاب، تبعیت از بهترین هاست. ﴿اهدی منها اتبعه﴾
- ۹- در گزینش مربی، دوست و کتاب، هدایت‌بخش بودن، معیار است. ﴿اهدی منها اتبعه﴾
- ۱۰- انسان از آوردن کتابی برتر از قرآن و تورات اصلی عاجز است. ﴿إن کنتم صادقین﴾

﴿۵۰﴾ فَإِنْ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّكَ إِنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ وَمَنْ أَضَلُّ  
مِمَّنْ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِّنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ  
الظَّالِمِينَ

پس اگر (خواستہ و پیشنهاد) تو را نپذیرفتند، بدان که آنان پیرو هوس‌های  
نفسانی خویش‌اند و کیست گمراه‌تر از آن کس که بدون (پذیرش حق و  
توجه به) هدایت و رهنمون الهی، از هوس خود پیروی نماید؟ همانا  
خداوند، قوم ستمگر را هدایت نمی‌کند.

### نکته‌ها:

□ برای انسان سه دشمن معنوی شمرده‌اند: جلوه‌های دنیوی، تمایلات نفسانی و  
وسوسه‌های شیطانی. در این میان، دنیا و جلوه‌های آن همچون کلیدی است که با حرکت  
به یک سوی، در را باز می‌کند و با حرکت به سوی دیگر می‌بندد، یعنی هم می‌توان از آن  
بهره‌ی خوب گرفت و هم می‌توان آن را در راه بد بکار برد. وسوسه‌های شیطانی نیز - اگر  
چه نقش‌آفرین هستند ولی - انسان را به گناه مجبور نمی‌کنند، مضافاً بر این‌که، شیطان در  
دل اولیای خدا راه نفوذ و تسلطی ندارد؛ اما دشمن دوم که از همه کارسازتر است، هواها و  
تمایلات نفسانی است که خطرناک‌ترین دشمن انسان بشمار می‌رود.<sup>(۱)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- گاه هواپرستی (با تبلیغات، توجیحات، مغالطه کاری و طرفداری اکثریت)  
چنان جلوه می‌کند که شناخت آن، بصیرت و دقت لازم دارد. ﴿فاعلم﴾
- ۲- آنجا که هدایت پذیری نباشد، هواپرستی حاکم است. ﴿لم يستجیبوا... يتبعون  
اهوائهم﴾
- ۳- منکران حق و هواپرستان، گمراه‌ترین مردم هستند. ﴿من اضل ممن اتبع هواه﴾

۱. تفسیر اطیب البیان.

۴- هدایت واقعی، هدایتی است که از علم و حکمت بی نهایت سرچشمه گرفته باشد. ﴿هُدًى مِّنَ اللَّهِ﴾

۵- هواپرستی ظلم است و هواپرستان از هدایت الهی به دورند. ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾

### ﴿۵۱﴾ وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ

و ما پیوسته برای آنان سخن گفتیم (و آیات قرآن را برایشان نازل کردیم) شاید که پندگیرند و متذکر شوند.

### ﴿۵۲﴾ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِهِ هُمْ بِهِ يُؤْمِنُونَ

(برخی از) آنان که پیش از این (قرآن) کتابشان دادیم، همان‌ها به آن (قرآن) ایمان می‌آورند.

#### نکته‌ها:

□ کلمه «وَصَّلْنَا» از «وَصَلَ»، به معنای ارتباط دادن و متصل کردن است. مراد از این اتصال یا پی در پی بودن تذکرات است و یا هماهنگی و هم‌سویی مطالبی که ارائه می‌شود.

□ از سنت‌های خداوند، هدایت انسان‌هاست که لحظه‌ای قطع نمی‌شود؛ ﴿إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَىٰ﴾<sup>(۱)</sup> و از طریق آیات الهی، انبیا و اوصیا عليهم السلام و علمای دین، تداوم می‌یابد؛ ﴿وَصَّلْنَا لَهُمْ﴾ و چنانچه منطقه‌ای به این هدایت الهی دسترسی نداشت، می‌بایست گروهی از آن منطقه کوچ کرده و با تفقه در دین، مردم را از آن بهره‌مند سازند.<sup>(۲)</sup>

#### پیام‌ها:

۱- در تربیت باید تذکرات، تدریجی، گام به گام، مکرر و متنوع باشد. ﴿وَصَّلْنَا﴾ (آری با یک یا دو تذکر مختصر نباید انتظار اصلاح و تربیت داشت)

- ۲- آیات قرآن دارای یک نوع همسویی و پیوستگی است. ﴿وَصَلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ﴾  
 ۳- همه‌ی آیات الهی، کتب آسمانی و رهبران دینی، یک حرف و هدف را دنبال می‌کنند. ﴿وَصَلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ﴾  
 ۴- انسان، موجودی فراموشکار است و نیاز به تذکر دارد. ﴿يَتَذَكَّرُونَ﴾  
 ۵- اهل کتاب واقعی، کسانی هستند که با دیدن اسلام، ایمان می‌آورند. ﴿الَّذِينَ آمَنُوا مِنَّا...﴾

﴿۵۳﴾ وَإِذَا يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ قَالُوا آمَنَّا بِهِ إِنَّهُ الْحَقُّ مِن رَّبِّنَا إِنَّا كُنَّا مِن قَبْلِهِ مُسْلِمِينَ

و زمانی که (قرآن) بر آنان تلاوت شود، گویند: ما به آن ایمان آوردیم، همانا آن، حقی است از طرف پروردگار ما (و) ما پیش از این (نیز) اهل تسلیم بوده‌ایم.

﴿۵۴﴾ أُولَٰئِكَ يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُم مَّرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا وَ يَدْرَعُونَ بِالْحَسَنَةِ أَلَسَيِّئَةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ

آنان به خاطر صبرشان، دو برابر پاداش داده می‌شوند. و (آنانند که) بدی‌ها را با نیکی دفع می‌کنند و از آنچه روزی آنان کرده‌ایم (به دیگران) انفاق می‌نمایند.

### پیام‌ها:

- طالبان حق، به دنبال حق هستند و توجهی به این‌که چه کسی، از چه نژادی و با چه زبانی آن را می‌گوید ندارند. ﴿إِذَا يُتْلَىٰ... قَالُوا آمَنَّا﴾ («یُتْلَى» به صورت مجهول، یعنی گوینده مطرح نیست).
- اگر روح پاک باشد، با شنیدن حق ایمان می‌آورد. ﴿يُتْلَى... آمَنَّا﴾ (به عکس، اگر زمینه فراهم نباشد، با تلاوت پیوسته هم امیدی به ایمان نیست).

- ۳- ایمانی ارزش دارد که بر اساس معرفت و شناخت حق باشد. ﴿آمَنَّا بِهِ إِنَّهُ الْحَقُّ﴾
- ۴- شرایط وزمینه‌های افراد، در دریافت الطاف الهی متفاوتند. ﴿يُؤْتُونَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا﴾
- ۵- پذیرش حق، نیازمند صبر در مقابل انواع انتقادهای و مشکلات است. ﴿قَالُوا آمَنَّا... يُؤْتُونَ أَجْرَهُمْ... بِمَا صَبَرُوا﴾
- ۶- گذشت از بدی‌های دیگران و انفاق به آنان در صورتی ارزش دارد که خصلت و خوی انسان باشد. ﴿يَدْرُونَ - يَنْفِقُونَ﴾ (فعل مضارع نشانه دوام و استمرار است. آری، مؤمنانی مورد ستایش اند که دارای پشتکار، گذشت و اهل بخشش باشند).
- ۷- اگر بدانیم که رزق از طرف خداست، انفاق برای ما آسان می‌شود. ﴿مَّا رَزَقْنَاهُمْ يَنْفِقُونَ﴾
- ۸- مورد انفاق تنها مال نیست، از علم، توان و آبرو نیز می‌توان انفاق کرد. ﴿مَّا رَزَقْنَاهُمْ يَنْفِقُونَ﴾

﴿ ۵۵ ﴾ وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَقَالُوا لَنَا أَعْمَالُنَا وَ لَكُمْ

أَعْمَالُكُمْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَا نَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ

و هرگاه (سخن) لغوی را بشنوند، از آن روی برگردانند و گویند: اعمال ما برای ما و کارهای شما برای شما باشد، سلام (وداع ما) بر شما باد، ما به سراغ جاهلان نمی‌رویم.

#### نکته‌ها:

- در آیه‌ی قبل خداوند به کسانی که در راه او صبر کنند و بدی‌ها را با خوبی پاسخ دهند و از اموالشان در راه خدا بخشند، پاداش دو برابر وعده داد، این آیه به یکی از نمونه‌های صبر و برخورد‌های خوب، اشاره می‌فرماید.
- «لغو» یعنی امر بیهوده که هم در کلام و هم در عمل قابل بروز است و مؤمنان به اعراض از آن سفارش شده‌اند. از جمله ویژگی‌های بهشت آن است که لغو و بیهودگی در آنجا نیست.

﴿لَا لَغْوَ فِيهَا وَلَا تَأْتِيمٌ﴾<sup>(۱)</sup>

□ «مُدّارا»، کوتاه آمدن از موضع قدرت است، نظیر پدری که دست کودکش را در دست دارد و قدرت بر تند رفتن دارد، ولی آهسته راه می‌رود؛ اما «مُدّاهنه»، کوتاه آمدن از موضع ضعف است. نظیر بسیاری از رؤسای کشورها که به خاطر نداشتن شجاعت، در اختیار ابرقدرت‌ها قرار دارند. انبیا و اولیای الهی با مردم مدارا می‌کنند؛ اما در برابر کفر مداهنه نمی‌ورزند.

### پیام‌ها:

- ۱- مؤمن واقعی کسی است که نه تنها به مجلس لغو نمی‌رود و به سخن لغو گوش نمی‌دهد، بلکه اگر کلام بیهوده‌ای هم شنید، عکس‌العمل نشان می‌دهد. ﴿وَ إِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ﴾
- ۲- یکی از نمونه‌های صبر، بی‌اعتنایی به لغو و اعراض از آن است. ﴿صَبِرُوا - أَعْرَضُوا عَنْهُ﴾
- ۳- اعراض از لغو در گفتن، شنیدن، دیدن و معاشرت، کمالی است که در همه‌ی ادیان الهی از آن ستایش شده است. ﴿سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ﴾ (آیه فوق در توصیف گروهی از اهل کتاب است).
- ۴- از شیوه‌های عمومی و ساده‌ی نهی از منکر، اعراض از منکر است. ﴿سَمِعُوا... أَعْرَضُوا عَنْهُ﴾ (لغو را با لغو پاسخ نگوییم).
- ۵- انسان در برابر آنچه می‌شنود، مسئول است. ﴿سَمِعُوا... أَعْرَضُوا﴾
- ۶- قاطعیّت، صلابت و عدم سازش، نشانِ ایمان راسخ است. ﴿لَنَا أَعْمَالُنَا وَ لَكُمْ أَعْمَالُكُمْ﴾
- ۷- سود و زیان عمل هر کس به خود او برمی‌گردد. ﴿لَنَا أَعْمَالُنَا وَ لَكُمْ أَعْمَالُكُمْ﴾
- ۸- اعراض، باید کریمانه باشد. ﴿أَعْرَضُوا... سَلَامٌ عَلَیْكُمْ﴾
- ۹- اعراض باید همراه هشدار به اهل لغو باشد. ﴿أَعْرَضُوا... لِأَنْبِئِیِّ الْجَاهِلِیْنِ﴾

۱۰- لغو، میوهی جهل و بیهوده‌گو، جاهل است. ﴿لَا نَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ﴾

﴿۵۶﴾ إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ أَعْلَمُ

### بِالْمُهْتَدِينَ

(ای پیامبر!) همانا تو نمی‌توانی هر که را دوست داری هدایت کنی (و به

مقصد برسانی)، بلکه این خداوند است که هر کس را بخواهد هدایت

می‌کند و او به ره‌یافتگان آگاه‌تر است.

### نکته‌ها:

□ مضمون این آیه که در مقام دلداری پیامبر اکرم ﷺ است، در آیات دیگر وبا بیانات و تعابیر مختلف تکرار شده است، از جمله در سوره‌ی یوسف می‌خوانیم: ﴿وَمَا أَكْثَرَ النَّاسَ وَ لَوْ حَرَصْتَ بِمُؤْمِنِينَ﴾<sup>(۱)</sup>، ای پیامبر! هر چند به هدایت آنان حریص باشی، باز اکثر مردم ایمان نمی‌آورند، یا در سوره‌ی بقره آمده است: ﴿لَيْسَ عَلَيْكَ هُدَاهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ﴾<sup>(۲)</sup> هدایت‌پذیری مردم بر عهده‌ی تو نیست و خداوند، هر که را بخواهد، هدایت می‌فرماید.

□ در جلد پنجم تفسیر دزّالمنتور (از تفاسیر اهل سنت) روایاتی به این مضمون نقل شده است که در آستانه‌ی فوت ابوطالب، پدر حضرت علی ؑ، پیامبر اکرم ﷺ به نزد او حاضر شد و اسلام را بر او عرضه فرمود؛ اما او نپذیرفت و این آیه نازل شد!!

ما با قطع نظر از این‌که شأن نزول آیه چیست و آیا اصلاً ارتباطی با پدر بزرگوار امیرالمؤمنین علی ؑ دارد یا خیر، (که با اندک تأملی، عدم این ارتباط ثابت می‌شود، زیرا آیه در ادامه‌ی بحث پیرامون گروهی از مؤمنان اهل کتاب در مقابل مشرکان مکه است) کمی به بحث پیرامون این روایات و ایمان حضرت ابوطالب می‌پردازیم.

علامه‌ی امینی، صاحب کتاب گرانقدر «الغدیر» در جلد هشتم این کتاب از صفحه‌ی ۱۹ به بعد با نقد و ردّ تمامی این روایات مجعول و با استناد به منابع تاریخی، معتقد است که

۲. بقره، ۲۷۲.

۱. یوسف، ۱۰۳.

راویان این‌گونه روایات، در زمان فوت حضرت ابوطالب یا اطفالی شیرخوار بودند و یا همچون ابوهریره، هنوز اسلام نیاورده بودند.

همچنین ایشان از صفحه ۳۳۰ تا ۴۱۰ همان جلد، به دلایل مؤمن بودن حضرت ابوطالب می‌پردازد و صدها شعر از خود آن حضرت، ده‌ها خاطره و چهل حدیث از اهل بیت پیامبر ذکر می‌کند که حاکی از ایمان او به خداوند و رسول الله ﷺ است. بعضی از این دلائل عبارتند از:

۱. سخنان پیامبر و ائمه معصومین علیهم‌السلام پیرامون ایمان او.
  ۲. حزن و اندوه پیامبر ﷺ در فوت او.
  ۳. دعای پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بالای منبر، به ابوطالب و تشییع جنازه‌ی او.
  ۴. حدیث پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که من شفیع والدین و عموم ابوطالب در قیامت هستم.
  ۵. وصیت‌نامه او مبنی بر حمایت بنی‌هاشم از پیامبر اسلام.
  ۶. سفارش او به همسر و فرزندش جعفر، برای حمایت از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و توجه به اسلام و نماز.
  ۷. حمایت‌های بیدریغ او از پیامبر که در شب‌های خطرناک، جای خواب آن حضرت را با جای خواب فرزندش علی علیه‌السلام عوض می‌کرد و فرزندش را در معرض خطر قرار می‌داد.
  ۸. زندگی فاطمه بنت اسد با ابوطالب که در اسلام او شکی نیست، زیرا اگر ابوطالب مسلمان نبود، نباید زن مسلمان همسرش باشد.
  ۹. اشعار فراوان او که از اقرارش به اسلام حکایت دارد.
- البته نباید فراموش کرد که تنها گناه نابخشودنی او این است که پدر علی علیه‌السلام است! و دشمنان آن حضرت چه بودجه‌هایی را در راه ضربه‌زدن به آن حضرت هزینه کردند و روایاتی را جعل نمودند و برای این‌که میان ابوطالب پدر حضرت علی علیه‌السلام و ابوسفیان پدر معاویه تعادلی برقرار کنند، سابقه‌ی شرک را تهمت زدند.

### پیام‌ها:

- ۱- وظیفه‌ی انبیا ابلاغ پیام‌های الهی و ارائه‌ی راه است. پذیرفتن یا عدم پذیرش مردم ربطی به آن بزرگواران ندارد. ﴿أَنْتَ لَا تَهْدِي﴾



- ۲- پیامبران، برای هدایت منحرفان سوز و شور داشتند. ﴿مَنْ أَحْبَبَ﴾  
 ۳- هدایت، کار خداوند است که فقط شامل دل‌های پاک و آماده می‌شود. ﴿وَلَكِنْ  
 اللَّهُ يَهْدِي﴾  
 ۴- خواست خداوند بر اساس حکمت و علم اوست. ﴿يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ أَعْلَمُ﴾

﴿ ۵۷ ﴾ وَقَالُوا إِن نَّتَّبِعِ الْهُدَى مَعَكَ نُنْخَطَفُ مِنْ أَرْضِنَا أَوْلَمْ نُمَكِّنْ لَهُمْ  
 حَرَمًا آمِنًا يُجَبَىٰ إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ رِّزْقًا مِّن لَّدُنَّا وَلَكِنَّ  
 أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

و (کفار مکه) گفتند: اگر ما با (قبول برنامه‌های) تو، هدایت را بپذیریم،  
 (بزودی) از سرزمینمان آواره خواهیم شد. (بگو): آیا ما آنان را در حرم  
 آمنة قرار ندادیم که بهره‌های هر چیزی به عنوان روزی از جانب ما به  
 سوی آن سرازیر می‌شود؟ ولی بیشتر آنان نمی‌دانند!

### نکته‌ها:

□ گروهی از مشرکان مکه به پیامبر اسلام ﷺ اظهار نمودند که اگر ما هدایت را به همراه تو  
 بپذیرا شویم، به سرعت از خانه و کاشانه خود رانده و آواره، و از زندگی و هستی خویش ساقط  
 و درمانده می‌گردیم.  
 خداوند با سه پاسخ بهانه‌ی آنان را رد می‌فرماید:  
 پاسخ اول که در همین آیه مورد اشاره قرار گرفته است این که؛ همان خدایی که مکه را  
 پایگاه امن و محلّ جلب و سرازیر شدن روزی فراوان برای شما قرار داد، باز می‌تواند آن را  
 تداوم بخشد. (در این جواب دلگرمی و بشارت است)  
 پاسخ دوم که در آیه‌ی بعد آمده است این که؛ بر فرض به خاطر حفظ رفاه و منافع خود،  
 ایمان نیاورید، قهر خدا را چه خواهید کرد؟ (در این جواب انذار و هشدار است)  
 پاسخ سوم که در آیه‌ی ۶۰ همین سوره مطرح شده است این که؛ مگر مال و متاع دنیا چقدر  
 ارزش دارد که به واسطه‌ی آن ایمان نمی‌آورید بدانید آنچه در نزد خداست، بهتر و پایدارتر

است. پس عدم ایمان شما هیچ وجه و توجیهی ندارد.

### پیام‌ها:

- ۱- دین، تنها عقیده نیست، بلکه برنامه‌های عملی نیز دارد. ﴿تَتَّبِعِ الْهُدَىٰ مَعَكَ﴾
- ۲- حساسیت دشمنان تنها نسبت به راه حق و مسیر الهی نیست که آنها، هم به راه حق و هم به رهبری حق اعتراض دارند. ﴿إِن تَتَّبِعِ الْهُدَىٰ مَعَكَ﴾
- ۳- ایمان آوردن، تنها به آگاهی داشتن نیست، بلکه به جرأت هم نیاز دارد. ﴿إِن تَتَّبِعِ الْهُدَىٰ مَعَكَ تَخَطَّفَ﴾ (آری، گروهی حقایق اسلام را می‌فهمند، ولی بخاطر حفظ منافع شخصی از آن سرباز می‌زنند).
- ۴- انسان، وطن دوست است. ﴿مِن أَرْضِنَا﴾
- ۵- ترس از دست دادن نعمت‌ها را با یاد الطاف الهی دفع کنیم. ﴿أُولَمْ نَمَكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا﴾ (آری یاد نعمت‌ها، عامل توکل و رفع نگرانی‌هاست).
- ۶- بهبود، رونق و رشد اقتصادی در گرو امنیت و آرامش اجتماعی است. ﴿آمِنًا يُجِبِي إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ﴾
- ۷- امنیت و رزق، دو نعمت تضمین شده‌ی حرم الهی (مکه) است. ﴿آمِنًا يُجِبِي إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ﴾
- ۸- برتری ایمان بر رفاه و آسایش، برای اکثر مردم پنهان است. ﴿وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾

﴿۵۸﴾ وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ بَطَرَتْ مَعِيشَتَهَا فَتِلْكَ مَسَاكِنُهُمْ لَمْ تُسْكَنْ

مِّنْ بَعْدِهِمْ إِلَّا قَلِيلًا وَكُنَّا نَحْنُ الْوَارِثِينَ

و چه بسیار مناطقی که ما (آنها را) به خاطر طغیان در زندگی، هلاک کردیم، این خانه‌های آنهاست که بعد از آنان جز اندکی (از انسان‌ها در آن) سکونت نکردند و ما وارث آنان هستیم.

## نکته‌ها:

- کلمه‌ی «بَطْر» به معنای طغیان و سرمستی بر اثر فزونی ثروت و رفاه است.
- در آیه‌ی قبل خواندیم که گروهی به پیامبر اکرم ﷺ گفتند: اگر ما به تو ایمان بیاوریم، کفار مکه ما را آواره خواهند کرد، و خداوند فرمود: همان قدرتی که مکه را محل امن و رزق فراوان برای شما قرار داد، بعد از ایمان نیز می‌تواند نعمت‌هایش را برای شما حفظ نماید. در این آیه خداوند می‌فرماید: فراموش نکنید که ما بسیاری از شهرها را که سرمست از نعمت‌ها و غرق در رفاه بودند نابود کردیم، شما نیز که به خاطر حفظ رفاه و اموال خود ایمان نمی‌آورید، با قهر الهی چه می‌کنید؟! □ منظور از «تلك مساكنهم»، مساکن مخروبه‌ی قوم عاد در منطقه احقاف (میان یمن و شام)، یا قوم ثمود در منطقه سدوم است که مردم حجاز در مسافرت‌های تجاری از کنار آنها عبور می‌کردند و با چشم خود می‌دیدند.

## پیام‌ها:

- ۱- گاه ثروت و رفاه نه تنها مایه‌ی سعادت نیست که باعث غرور، طغیان و هلاکت است. ﴿کم اهلکنا... بطرت معیشتها﴾
- ۲- سرنوشت افراد و جوامع، در گرو اعمال خود آنهاست. ﴿کم اهلکنا... بطرت معیشتها﴾
- ۳- سنّت الهی، هلاکت مرفّهان بی‌ایمان است. ﴿اهلکنا من قریة بطرت﴾
- ۴- خرابه‌ها و بقایای تمدن‌های گذشته، بهترین پندآموز نسل‌های بعدی است. ﴿تلك مساکنهم﴾ (از جمله برنامه‌های تربیتی، بازدید از همین اماکن است.)
- ۵- مرفّهان، اموال خود را رها کرده و خواهند رفت. پس هدایت و سعادت ابدی را با رفاه زودگذر دنیوی معامله نکنیم. ﴿نحن الوارثین﴾

﴿۵۹﴾ وَمَا كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَىٰ حَتَّىٰ يَبْعَثَ فِي أُمَمٍ رَسُولًا يَتْلُوا

عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا وَمَا كُنَّا مُهْلِكِي الْقُرَىٰ إِلَّا وَ أَهْلُهَا ظَالِمُونَ

و پروردگارت قریه‌ها (و شهرها) را نابود نمی‌کند، مگر این‌که در میان آنان پیامبری برانگیزد، که آیات ما را بر آنان تلاوت کند. و ما هیچ آبادی را هلاک نکردیم مگر آنکه اهل آن ظالم بودند.

### پیام‌ها:

- ۱- از مهم‌ترین وظایف انبیا، تلاوت آیات الهی بر مردم است. ﴿یتلوا علیهم﴾
- ۲- مکه، أمّ القریٰ اسلام است. ﴿بیعت فی أمّہا رسولاً﴾
- ۳- جوامع ستمگر در معرض قهر الهی هستند. ﴿ربّک مهلکی القری...﴾
- ۴- تا اتمام حجّت نشود، قهری از جانب خدا نازل نمی‌شود. ﴿ماکان ربّک مهلک القریّ حتیّ بیعت رسولاً﴾
- ۵- قهر الهی، یکی از شیوه‌های تربیتی خداوند است. (هلاکت به دنبال کلمه‌ی «ربّک» آمده است) ﴿ربّک مهلک القریّ﴾
- ۶- محل‌های تبلیغی باید در مراکز و کانون‌های اصلی اجتماعات و شهرها باشد. ﴿بیعت فی أمّہا رسولاً﴾ (آیه، مبین نقش مکان در تبلیغ است).
- ۷- پاسخ مثبت ندادن به دعوت انبیا، ظلم است. ﴿یتلوا علیهم... واهلها ظالمون﴾
- ۸- هلاکت ستمگران در دنیا، سنّت و برنامه‌ی الهی است. ﴿مهلکی القری... اهلها ظالمون﴾

﴿۶۰﴾ وَ مَا أَوْتِیْتُمْ مِّنْ شَیْءٍ فَمَتَاعُ الْحَیَاةِ الدُّنْیَا وَ زِیْنَتُهَا وَ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَیْرٌ وَ أَبْقَىٰ أَفَلَا تَعْقِلُونَ

و آنچه به شما داده شده، بهره‌ی زندگی دنیا و زینت آن است (که فانی و زودگذر است)، در حالی که آنچه نزد خداست، بهتر و پایدارتر است. پس آیا نمی‌اندیشید؟!

### نکته‌ها:

□ در واقع این سوّمین جوابی است که خداوند در پاسخ بهانه‌جویی کفار مکه (که اگر ما ایمان

بیاوریم، زندگانی ما مختل می‌شود) می‌دهد، که آنچه به گمان خام خود از رهگذر عدم ایمان به دست می‌آورید، متاع و کالای بی‌ارزش و فانی زندگی محدود دنیاست، در حالی که آنچه نزد خداست، بهتر و ماندگارتر است.

### پیام‌ها:

- ۱- ثروت و دارایی خود را محصول تلاش و زرنگی خویش نپنداریم که هر چه هست از خداوند است. ﴿ما اوتیتم﴾
- ۲- نعمت‌های دنیوی، محدود است؛ ﴿من شیء﴾ ولی پاداش الهی، نامحدود و غیر قابل تصوّر است. ﴿ما عندالله خیر و ابقی﴾
- ۳- اگر به خاطر پذیرش ایمان، دنیا را از دست بدهید، به نعمت‌های بی‌منتها و بی‌زوال دست خواهید یافت. ﴿ما عندالله خیر و ابقی﴾
- ۴- هرکس باقی را فدای فانی، و بهره‌ی ناب را با لذّات آمیخته با مشکلات عوض کند، در حقیقت عاقل نیست. ﴿أفلا تعقلون﴾

### نگاهی به دنیا از منظر قرآن

- در قرآن مجید، از دنیا و زندگانی دنیا با تعبیرات مختلفی یاد گردیده و انسان‌ها را از اقبال به آن و اغفال در برابر آن برحذر داشته است، از جمله:
- \* دنیا، عارضی است. ﴿عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾<sup>(۱)</sup>
  - \* دنیا، بازیچه است. ﴿وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَهُوَ﴾<sup>(۲)</sup>
  - \* دنیا، اندک و ناچیز است. ﴿فَمَا مَتَاعَ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ﴾<sup>(۳)</sup>
  - \* زندگی دنیا، مایه‌ی غرور و اغفال است. ﴿وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ﴾<sup>(۴)</sup>
  - \* زندگی دنیا، برای کفّار جلوه دارد. ﴿زَيْنٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا﴾<sup>(۵)</sup>
  - \* مال و فرزند، جلوه‌های دنیا هستند. ﴿الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾<sup>(۶)</sup>

۱. نساء، ۹۴. ۲. انعام، ۳۲. ۳. توبه، ۳۸.  
 ۴. آل عمران، ۱۸۵. ۵. بقره، ۲۱۲. ۶. کهف، ۴۶.

- \* دنیا، غنچه‌ای است که برای هیچ کس گُل نمی‌شود. ﴿زَهْرَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾<sup>(۱)</sup>
- \* چرا آخرت را به دنیا می‌فروشید؟ ﴿اشْتَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ﴾<sup>(۲)</sup>
- \* چرا به دنیای فانی و محدود، راضی می‌شوید؟ ﴿أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾<sup>(۳)</sup>
- \* چرا به دنیای کوچک و زودگذر شاد می‌گردید؟ ﴿فَرِحُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾<sup>(۴)</sup>
- \* چرا دنیا را به آخرت ترجیح می‌دهید؟ ﴿يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ﴾<sup>(۵)</sup>
- \* چرا به دنیا داران خیره می‌شوید؟ ﴿لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ﴾<sup>(۶)</sup>
- \* چرا فقط به دنیا فکر می‌کنید؟ ﴿لَمْ يردِ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا﴾<sup>(۷)</sup>
- \* آیا دنیاگرایان نمی‌دانند که جایگاهشان دوزخ است؟ ﴿وَأثر الْحَيَاةِ الدُّنْيَا . فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَىٰ﴾<sup>(۸)</sup>

البته این همه هشدار به خاطر کنترل مردم دنیاگراست و آنچه در آیات و روایات انتقاد شده، از دنیاپرستی، آخرت فروشی، غافل‌شدن، سرمست شدن و حق فقرا را ندادن است، ولی اگر افرادی در چهارچوب عدل و انصاف سراغ دنیا بروند و از کمالات دیگر و آخرت غافل نشوند و حق محرومان را ادا کنند و در تحصیل دنیا یا مصرف آن ظلم نکنند، این گونه مال و دنیا فضل و رحمت الهی است.

### ﴿۶۱﴾ أَفَمَنْ وَعَدْنَاهُ وَعْدًا حَسَنًا فَهُوَ لِأَقْبِهِ كَمَنْ مَتَّعْنَاهُ مَتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ هُوَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ الْمُحْضَرِينَ

پس آیا کسی که به او وعده‌ای نیکو داده‌ایم و او آن را خواهد دید، مانند کسی است که او را از بهره‌ی زندگی دنیا بهره‌مند ساختیم (و) سپس او در روز قیامت از احضارشدگان (برای حساب و جزا) خواهد بود؟!

۱. طه، ۳۸.

۲. بقره، ۸۶.

۳. توبه، ۳۸.

۴. حجر، ۸۸.

۵. ابراهیم، ۳.

۶. رعد، ۲۶.

۷. نازعات، ۳۸ و ۳۹.

۸. نجم، ۲۹.

**نکته‌ها:**

□ این آیه در ادامه‌ی آیات قبل، پیرامون کسانی است که به خاطر حفظ زندگانی دنیا، بر کفر باقی ماندند.

□ وعده‌ای که در این آیه به آن اشاره گردیده، همان وعده‌ای است که در آیات مختلف قرآن به اهل ایمان و عمل صالح داده شده است، از جمله آیه‌ی نهم سوره‌ی مائده: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ﴾.

□ مخالفان پیامبر اکرم ﷺ در صدر اسلام، افراد مرّقه و کامیاب بوده‌اند.

**پیام‌ها:**

۱- وعده‌های الهی و پاداش‌های اخروی، هم بزرگ است و هم نیکو. ﴿وَعَدَا حَسَنًا﴾ (کلمه «وَعَدَا» که با تنوین آمده، اشاره به بزرگی امر و کلمه «حَسَنًا» نشان از نیکویی دارد).

۲- وعده‌های الهی، قطعی و مسلم است. ﴿وَعَدَنَاهُ... فَهُوَ لَاقِيهِ﴾

۳- شیوه‌ی مقایسه، از بهترین اسلوب‌های تبلیغ و تربیت است. ﴿أَفَنِّ وَعَدَنَاهُ... كَمَنْ مَتَّعْنَاهُ﴾ (کسانی که وعده‌های الهی را دریافت می‌کنند، قابل مقایسه با دیگران نیستند)

۴- توفیق بهره‌گیری از متاع دنیا نیز به دست خداست. ﴿مَتَّعْنَاهُ﴾

۵- کامیابی دنیوی، نشانه‌ی آسودگی اخروی نیست. ﴿مَتَّعْنَاهُ... مِنَ الْمُحْضَرِّينَ﴾

۶- بهره‌مندی‌های دنیوی، حساب و کتاب دارد. ﴿مَتَّعْنَاهُ... مِنَ الْمُحْضَرِّينَ﴾

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «فی حلالها حساب و فی حرامها عقاب»<sup>(۱)</sup> در حلال دنیا حساب و در حرام آن عقاب است.

۷- کامیابی غافلانه، احضار ذلیلانه‌ی اخروی در پی دارد. ﴿مِنَ الْمُحْضَرِّينَ﴾ آری در لذتی که پایانش آتش است، خیری نیست.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۸۲.

﴿۶۲﴾ وَ يَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَاءِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ

و روزی که (خداوند) آنها را ندا می‌دهد، پس می‌گوید: کجايند آن شریکانی که برای من می‌پنداشتید؟

﴿۶۳﴾ قَالَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَغْوَيْنَا

أَغْوَيْنَاهُمْ كَمَا غَوَيْنَا تَبَرَّأْنَا إِلَيْكَ مَا كَانُوا إِيَّانَا يَعْبُدُونَ

آن (شریکان و) کسانی که حکم عذاب بر آنان محقق گشته، می‌گویند: پروردگارا! اینان کسانی هستند که ما گمراه کرده‌ایم. همان‌گونه که خود گمراه بودیم، آنها را (نیز) گمراه نمودیم، (اما اینک از آنان) به سوی تو بیزار می‌جوییم. (اینان در واقع) ما را نمی‌پرستیدند (بلکه به دنبال هواپرستی و هوسرانی خود بودند).

﴿۶۴﴾ وَقِيلَ ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ فَدَعَوْهُمُ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَرَأُوا

الْعَذَابَ لَوْ أَنَّهُمْ كَانُوا يَهْتَدُونَ

و (در این هنگام به مشرکان) گفته می‌شود: (اکنون آن) معبودانی را که شریک خدا می‌پنداشتید بخوانید، پس آنها را می‌خوانند؛ اما جوابی به آنها نمی‌دهند و (در این حال) عذاب الهی را می‌بینند (که آنان را در بر می‌گیرد، پس آرزو می‌کنند) ای کاش، هدایت یافته بودند.

### نکته‌ها:

□ با برپایی قیامت، صحنه‌های عجیب و گوناگونی اتفاق می‌افتد که این آیات به بعضی از آنها اشاره می‌فرماید؛ یکی از صحنه‌ها، سوالات توبیخ‌آمیز خداوند، از مشرکان است. صحنه‌ی دیگر، اظهار تنفر و بیزار می‌پندارند که آنها را می‌پرستیدند و صحنه‌ی سوم، ملامت منحرفان از شیطان است که شیطان هم در جواب می‌گوید: مرا



سرزنش نکنید، بلکه خودتان را ملامت نمایید؛ ﴿فلاتلومونی و لوموا انفسکم﴾<sup>(۱)</sup> در قیامت، هر کس گناه خود را به گردن دیگری می‌اندازد، ولی از طرف مقابل هم جواب می‌شنود که: ﴿بل کنتم قوماً طاغین﴾<sup>(۲)</sup> گناه را به گردن ما نیاندازید، بلکه شما خودتان اهل طغیان بودید.

□ بعضی از معبودها همچون حضرت عیسی و فرشتگان الهی، تقصیری ندارند؛ اما کسانی نظیر شیاطین، طاغوت‌ها دانشمندانی که سبب بدعت و انحراف در دین گشته‌اند، مقصّرند و عذاب خداوند در مورد آنان قطعی است.

### پیام‌ها:

- ۱- صحنه‌های قیامت را فراموش نکنیم. ﴿و یوم...﴾
- ۲- دادگاه قیامت، علنی و حضوری است. ﴿أین شرکائی﴾
- ۳- کاری نکنیم که در قیامت، از پاسخ‌گویی آن، درمانده و عاجز باشیم. ﴿أین شرکائی﴾
- ۴- شرک و تکیه بر هرچه غیر خداست، گمان، خیال و سراب است. ﴿تزعمون﴾
- ۵- معبودهای عزیز دنیوی، ذلیلان و محکومان آخروی‌اند. ﴿حقّ علیهم القول﴾
- ۶- هرکس دیگران را به جای خداوند به سوی خویش بخواند، عذاب الهی برایش حتمی است. ﴿حقّ علیهم القول﴾
- ۷- پرستش غیر خدا، یک فریب است. ﴿اغوینا﴾
- ۸- فریب خوردگان، به دنبال فریب دیگران نیز هستند. ﴿اغویناهم کما غوینا﴾
- ۹- انسان‌ها در انتخاب راه آزادند و می‌توانند راه‌های انحرافی را نیز برگزینند. ﴿غوینا﴾
- ۱۰- معبودهای غیر خدایی، روزی از عابدان خود متنفر خواهند بود. ﴿تبرأنا﴾
- ۱۱- حقیقت شرک، هوی پرستی است. ﴿ماکانوا ایّانا یعبدون﴾

۱۲- معبودهای دروغین، به ناله‌های شما در وقت نیاز پاسخی نخواهند داد. ﴿فَدْعُوهُمْ فَلْيَسْتَجِيبُوا﴾ دل بستن به غیر خدا در دنیا، مایه‌ی محروم شدن از یاری او در قیامت است.

۱۳- قیامت، روز حسرت است. ﴿لَوْ أَنَّهُمْ كَانُوا يَهْتَدُونَ﴾

### ﴿۶۵﴾ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ مَاذَا أَجَبْتُمُ الْمُرْسَلِينَ

و (به یاد آورید) روزی که (خداوند) آنها را ندا می‌دهد، پس می‌گوید: به پیامبران (و فرستادگان من) چه پاسخی دادید؟

### ﴿۶۶﴾ فَعَمِيَتْ عَلَيْهِمُ الْأَنْبَاءُ يَوْمَئِذٍ فَهُمْ لَا يَتَسَاءَلُونَ

پس در آن روز، همه‌ی اخبار (و پاسخ‌هایی که می‌توان از دیگران گرفت) بر آنان پوشیده می‌ماند، و آنان از یکدیگر سؤالی نمی‌کنند.

### ﴿۶۷﴾ فَأَمَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَعَسَىٰ أَنْ يَكُونَ مِنَ الْمُفْلِحِينَ

اما هر کس (در این دنیا) توبه کند و ایمان بیاورد و کار شایسته‌ای انجام دهد، پس امید است که از رستگاران باشد.

#### نکته‌ها:

□ در آیه‌ی قبل، سؤال از توحید بود؛ «این شرکایی - ادعوا شرکائکم» و در این آیات به مسأله‌ی نبوت اشاره گردیده است. «ماذا أجبتُم المرسلین»

#### پیام‌ها:

- ۱- همه در برابر دعوت پیامبران مسئولیم. «ماذا أجبتُم المرسلین»
- ۲- در قیامت، راه‌های دریافت خبر، بسته و همه متحیر و درمانده‌اند. «فَعَمِيَتْ عَلَيْهِمُ الْأَنْبَاءُ»

- ۳- در قیامت، مردم نمی‌توانند با همفکری و مشورت و با سؤال از یکدیگر، جوابی برای دادگاه عدل الهی آماده کنند. ﴿فَهَمَّ لَا يَتَسَاءَلُونَ﴾
- ۴- در اسلام، بنیست وجود ندارد. راه بازگشت و توبه برای همگان باز است. ﴿مَنْ تَابَ﴾
- ۵- توبه، تنها پشیمانی قلبی نیست، ایمان واقعی و عمل صالح می‌خواهد. ﴿تَابَ وَأَمَّن وَعَمِلَ صَالِحًا﴾
- ۶- توفیق توبه با تمام شرایط و قبول و تداوم آن برای کسی تضمین نشده است، از این روی باید انسان همیشه در حال خوف و رجا باشد. (کلمه‌ی «عسی» به معنای امید است، یعنی با توبه و ایمان و عمل صالح، امید رستگاری هست.)

﴿۶۸﴾ وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ

و پروردگارت آنچه را بخواهد می‌آفریند و (آنچه را بخواهد) برمی‌گزیند، برای آنان (در برابر خداوند) حق انتخابی نیست، منزّه است خدا و برتر است از آنچه (برای او) شرک می‌ورزند.

﴿۶۹﴾ وَرَبُّكَ يَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ

و پروردگار تو آنچه را دل‌های آنان پنهان می‌دارند و آنچه را آشکار می‌سازند، می‌داند.

﴿۷۰﴾ وَهُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَىٰ وَالْآخِرَةِ وَلَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

او الله است، معبودی جز او نیست، ستایش در دنیا و آخرت (و آغاز و فرجام) مخصوص اوست، حاکمیت تنها از آن اوست و به سوی او بازگردانده می‌شود.

## پیام‌ها:

- ۱- قدرت مطلقه، از آن خداوند است. ﴿يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ﴾
- ۲- تکوین (آفرینش هستی) و تشریح (قانون زندگی) به دست خداوند است. ﴿يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ﴾
- ۳- انتخاب رهبر آسمانی به دست خداست، نه مردم. ﴿وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخَيْرَةُ﴾
- ۴- کسی حق قانون‌گذاری دارد که آفریدگار هستی باشد. ﴿يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ... لَهُ الْحُكْمُ﴾
- ۵- کسی که در برابر قانون خدا، قانون بشری را بپذیرد، در حقیقت برای خدا شریک پذیرفته است. ﴿مَا كَانَ لَهُمُ الْخَيْرَةُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾
- ۶- چون معبودی جز او نیست، پس ستایش‌ها مخصوص او است. ﴿لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْحَمْدُ﴾
- ۷- آفرینش و گزینش، کار خداوند است؛ ولی او کار باطل نمی‌کند. ﴿سُبْحَانَ اللَّهِ﴾

﴿۷۱﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ اللَّيْلَ سَرْمَدًا إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهُ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُم بِضِيَاءٍ أَفَلَا تَسْمَعُونَ

بگو: آیا اندیشیده‌اید که اگر خدا شب را تا روز رستاخیز پایدار بدارد، کدام خدایی غیر از «الله» برای شما روشنی خواهد آورد؟ پس آیا نمی‌شنوید؟

## نکته‌ها:

- کلمه‌ی «سرمَد» به معنای دائم و همیشگی است.
- جمله‌ی «أَفَلَا تَسْمَعُونَ»، با محتوای آیه که پیرامون شب است تناسب دارد؛ زیرا قدرت شنیدن انسان در شب، همچنان محفوظ است، هرچند چشمان او چیزی نبیند، چنانکه در آیه‌ی بعد که بحث در ارتباط با روز است، جمله‌ی «أَفَلَا تَبْصُرُونَ» آمده است.
- از جمله راه‌های شناخت خداوند، اندیشه‌ی پیرامون زوال یا تغییر نعمت‌هاست؛ البته جابجایی و توالی شب و روز، یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌ها و آیات الهی است.

## پیام‌ها:

- ۱- شیوهی احتجاج با مخالفان را از خداوند بیاموزیم. ﴿قل أرايتم﴾
- ۲- بهترین نشانه‌های خداشناسی آن است که برای همه کس، در همه جا و در همه وقت، قابل دسترسی باشد. ﴿قل أرايتم﴾
- ۳- یکی از شیوه‌های قرآن، طرح پرسش‌های بیدار کننده است. ﴿إن جعل الله...﴾
- ۴- حرکت زمین و ایجاد شب و روز، با اراده‌ی الهی است. ﴿جعل... الیل سرمدا﴾
- ۵- طبیعت، زیباترین تابلو و کتاب معرفت الهی است. ﴿الیل - ضیاء﴾
- ۶- در عقاید نباید تقلید کرد. ﴿أرايتم - أفلا تسمعون﴾
- ۷- در تبلیغ، از وجدان مخاطبین استمداد بطلبیم. ﴿أرايتم... من اله... أفلا تسمعون﴾

﴿۷۲﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ النَّهَارَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهُ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُم بَلِيلٌ تَسْكُنُونَ فِيهِ أَفَلَا تُبْصِرُونَ

(و) بگو: به من خبر دهید که اگر خداوند، روز شما را تا روز رستاخیز جاودان بدارد، کدام خدایی غیر از «الله» برای شما شب خواهد آورد تا در آن آرامش (و آسایش) یابید؟ پس آیا نمی‌نگرید؟

## پیام‌ها:

- ۱- نظام حاکم بر هستی، از طرف خداوند است و اگر بخواهد آن را به نظام دیگری تبدیل می‌کند. ﴿إن جعل الله...﴾
- ۲- قدرت خداوند نسبت به همه‌ی پدیده‌ها یکسان است. ﴿جعل... الیل سرمداً، جعل... النهار سرمداً﴾
- ۳- شب برای آسایش است و انسان نیازمند آسایش. ﴿تسکنون فيه﴾
- ۴- افراد بی‌بصیرت، قابل توبیخ و سرزنش هستند. ﴿أفلا تبصرون﴾
- ۵- شرک، معلول نداشتن بصیرت است. ﴿من اله غیر الله... أفلا تبصرون﴾

﴿۷۳﴾ وَمِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلِعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

و از رحمت اوست که برای شما شب و روز را قرار داد تا در آن آرامش یابید و از فضل او (روزی خود را) بجویید، و باشد که شکر گزارید.

#### نکته‌ها:

□ در آیات قرآن، همیشه شب بر روز مقدم است. شاید از آن جهت که تاریکی شب، ذاتی زمین و از خود آن است، ولی روشنی روز، از خورشید است که بر زمین عارض می‌شود.

#### پیام‌ها:

- ۱- منشأ خلقت و اعطای نعمت، نیاز او، یا طلب ما نیست، بلکه بخشندگی و رحمانیت اوست. ﴿و من رحمته جعل﴾
- ۲- آرامش شب، مقدمه‌ی تلاش روز است. ﴿لتسکنوا فیه و لتبتغوا﴾
- ۳- خداوند، بخشنده است؛ ولی انسان باید تلاش کند. ﴿من رحمته جعل... لتبتغوا﴾
- ۴- شب برای آسایش و روز برای کار و فعالیت است. ﴿لتسکنوا فیه و لتبتغوا من فضله﴾
- ۵- آنچه به دست آوریم از فضل اوست، به زرنگی خود ننازیم. ﴿من فضله﴾
- ۶- نعمت‌های مادی باید مقدمه‌ی شکر و کسب مراتب معنوی باشد. ﴿لتسکنوا... لتبتغوا... لعلکم تشکرون﴾
- ۷- دنیا اگر وسیله‌ی رشد، قرب و شکر به درگاه الهی باشد، منفور و مذموم نیست. ﴿لعلکم تشکرون﴾

﴿۷۴﴾ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَاءِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ

و (باز به خاطر آورید) روزی را که (خداوند) آنها را ندا می‌دهد، پس می‌گوید: کجايند آن (همتايان و) شريكاني که برای من می‌پنداشتيد؟!

**نکته‌ها:**

□ این آیه، شبیه آیه‌ی ۶۲ همین سوره است که قبلاً گذشت.

**پیام‌ها:**

- ۱- صحنه‌ی حضور مشرکان در قیامت، صحنه‌ای قابل یادآوری است. ﴿و یوم ینادیمم...﴾
- ۲- آنان که برای خداوند، شریکی قائلند، خود را برای پاسخگویی آماده نمایند. ﴿این شرکائی﴾ (انسان مسئول اندیشه و گرایش خود است)
- ۳- قیامت، روز ظهور پوچی معبودان و درماندگی مشرکان است. ﴿این شرکائی﴾
- ۴- تمام معبودان در بی‌اثری و همه مشرکان در بی‌جوابی یکسانند. ﴿این شرکائی﴾
- ۵- قاضی دادگاه قیامت، ذات مقدس خداوند است. ﴿این شرکائی﴾
- ۶- برای غیر خداوند، در قیامت، هیچ قدرتی نیست. ﴿این شرکائی﴾
- ۷- خداوند شریک ندارد، آنچه را شریک او می‌شمردند، پندار و توهّمی بیش نیست. ﴿کنتم تزعمون﴾

﴿۷۵﴾ وَ نَزَعْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا فَقُلْنَا هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ فَعَلِمُوا أَنَّ الْحَقَّ لِلَّهِ وَ ضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ

و (در آن روز) از هر امتی، گواهی بیرون می‌آوریم، پس (به مشرکان) می‌گوییم: دلیل خود را (بر شرک) بیاورید! پس می‌فهمند که حق، مخصوص خداست و هر چه به دروغ می‌بافتند، از (دست) آنان رفته و محو شده است.

**نکته‌ها:**

□ مواضع قیامت، متعدّد است، در یک موقف بر لب‌های انسان مُهر خورده و اعضا و جوارح دیگر به شهادت می‌پردازند؛ ﴿شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَأَبْصَارُهُمْ وَ جُلُودُهُمْ﴾<sup>(۱)</sup> در موقعی دیگر،

انسان می‌تواند سخن بگوید؛ ﴿وَقِفْهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ﴾<sup>(۱)</sup> در یک جا سخنی با انسان گفته نمی‌شود؛ ﴿لَا يَكَلِّمُهُمُ اللَّهُ﴾<sup>(۲)</sup> ولی در جای دیگر، خداوند می‌فرماید: ﴿هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ﴾ □ گرچه بعضی احتمال داده‌اند که مراد آیه این باشد که خداوند از هر گروه مشرک، یکی از افراد برجسته را به عنوان شاهد و سخنگو بیرون می‌کشد و از او می‌پرسد: برهان شرک شما چیست؟ ولی با توجه به روایتی که در ذیل آیه از امام باقر علیه السلام آمده است<sup>(۳)</sup> مراد این است که در هر عصر و زمانی، انسان معصومی (پیامبر یا وصی پیامبر) که به اعمال مردم آگاه باشد، وجود دارد تا در قیامت به عنوان گواه رفتار مردم، شاهد قرار گیرد.

### پیام‌ها:

- ۱- در قیامت، گواهان از خود امت‌ها برمی‌خیزند. ﴿مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدٌ﴾
- ۲- محاکمات روز قیامت، علنی و حضوری است. ﴿شَهِيداً قَلْبُنَا﴾
- ۳- عقاید و افکار خود را بر اساس برهان و دلیل محکم تنظیم کنیم. زیرا شرک برهانی ندارد و در آخرت بهانه، خریداری ندارد. ﴿هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ﴾
- ۴- مشرکان، منطوق و برهان ندارند. ﴿هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ﴾
- ۵- هر نوع کتمان حقایق، فقط در دنیاست، در آخرت با کنار رفتن پرده‌ها، حق و حقیقت، ظاهر و متجلی می‌شود. ﴿فَعَلِمُوا أَنَّ الْحَقَّ لِلَّهِ﴾
- ۶- اگر چه مجرمین در قیامت به فکر انکار هستند، ولی حضور گواه، آنان را به بن بست می‌کشاند. ﴿شَهِيداً... فَعَلِمُوا أَنَّ الْحَقَّ لِلَّهِ﴾
- ۷- باطل، رفتنی است. ﴿ضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ﴾

۱. صافات، ۲۴.

۲. بقره، ۱۷۴.

۳. تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۲۰.



﴿۷۶﴾ إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَىٰ فَبَغَىٰ عَلَيْهِمْ وَآتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ بِالْعُصْبَةِ أُولَى الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ

همانا قارون از قوم موسی بود و بر آنان ستم نمود، با آن که ما آنقدر از گنج‌ها (و صندوق جواهرات) به او داده بودیم که حمل کلیدهایش بر گروه نیرومند نیز سنگین بود. روزی قومش به او گفتند: مغرورانه شادی مکن، به درستی که خداوند شادمانان مغرور را دوست نمی‌دارد.

### نکته‌ها:

□ در تفسیر مجمع‌البیان حدیثی نقل شده که قارون پسرخاله‌ی حضرت موسی و انسانی دانشمند بود و در خواندن تورات، مهارت بی‌نظیری داشت. او ابتدا از یاران موسی علیه السلام و از جمله گروه هفتاد نفری ملازم آن حضرت برای اعزام به کوه طور و مناجات در آنجا بود؛ اما به واسطه بدست آوردن ثروت بی‌حساب، علم مخالفت برداشت و سرانجام مورد خشم و قهر الهی واقع گردید.

□ حضرت موسی درطول دوران مبارزه‌اش با سه محور اصلی فساد و طغیان، درگیر بود: یکی محور قدرت و زور که فرعون، سردمدار آن بود. دیگری اهرم ثروت و زر که قارون، مظهر آن بشمار می‌رفت، و سومی عامل فریب و تزویر که سامری رهبری آن را به عهده داشت. به عبارت دیگر، حضرت موسی با مثلث شوم زور، زر و تزویر، دست به گریبان بود.

### پیام‌ها:

- ۱- ذکر نمونه‌های تاریخی، مایه‌ی عبرت آیندگان است. ﴿إِنَّ قَارُونَ...﴾
- ۲- سابقه‌ی خوب، دلیل برآینده خوب و یا چشم‌پوشی از انحرافات امروز نیست. ﴿كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَىٰ﴾
- ۳- فامیل پیامبر بودن، به تنهایی عامل موفقیت و نجات نیست. ﴿كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَىٰ﴾
- ۴- وجود بستگان منحرف، نباید از مقام افراد صالح و مصلح بکاهد. ﴿إِنَّ قَارُونَ﴾

کان من قوم موسی ﴿

- ۵- ثروت بدون حساب، وسیله‌ی قدرت و قدرت، عاملی برای تجاوزگری و عیاشی است. ﴿الکنوز - فبغی علیهم - لاتفرح﴾
- ۶- ثروت، ما را مغرور و سرمست نسازد. ﴿لاتفرح﴾
- ۷- نهی از منکر در مقابل سرمایه‌داران؛ حتی بر طبقه محروم نیز لازم است. ﴿قال له قومه لاتفرح﴾
- ۸- افراد سرمست، از محبت الهی محرومند. ﴿ان الله لایحب الفرحین﴾ (آری؛ ثروت و دارایی نشانه‌ی محبوبیت نزد خداوند نیست).

﴿۷۷﴾ وَأَبْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفَسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ

و (ای قارون!) در آنچه خداوند به تو داده است، سرای آخرت را جستجو نما و (در عین حال) بهره‌ات را نیز از این دنیا فراموش مکن و همان‌گونه که خداوند به تو احسان کرده است، تو نیز (از این ثروت به دیگران) احسان نما و بدنبال فساد در زمین مباش که خداوند، فسادگران را دوست نمی‌دارد.

### نکته‌ها:

- حضرت علی علیه السلام در تفسیر جمله‌ی ﴿لَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا﴾ فرمود: «یعنی از سلامتی، قوت، فراغت، جوانی و شادابی خود برای آخرت استفاده کن». (۱)
- در این آیه به چند دستور و رهنمود تربیتی اشاره شده است:
- الف: توجه داشتن به آخرت، همراه با بهره‌مندی از دنیا.
- ب: احسان به دیگران با توجه به الطاف خداوند به انسان.

۱. تفسیر نورالثقلین.

ج: دوری از فساد با توجه به «إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُسْذِينَ»

### پیام‌ها:

- ۱- دنیا مزرعه‌ی آخرت است. «وَابْتَغِ فِيهَا أَتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ» (به قارون گفته شد: از این امکانات سرای آخرت را دنبال کن.)
- ۲- دارایی ثروتمندان، از آن خداست. «إِذَا تَكَ اللَّهُ»
- ۳- آخرت را باید با جدیت دنبال نمود، هر چند دنیا را نیز نباید فراموش کرد. «ابْتَغِ - لَا تَنْسَ»
- ۴- مال و ثروت می‌تواند وسیله‌ی سعادت اخروی گردد. «وَابْتَغِ فِيهَا أَتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ»
- ۵- موعظه‌ی ثروتمندان، کار پسندیده‌ای است. «وَابْتَغِ...»
- ۶- هرکس به سهم و نصیب خود اکتفا کند و باقی را صرف آخرت نماید. «وَابْتَغِ... وِ لَا تَنْسَ نَصِيْبَكَ...»
- ۷- در موعظه، به نیازهای طبیعی هم توجه داشته باشیم. «لَا تَنْسَ نَصِيْبَكَ»
- ۸- ثروت بی‌حد، بهره‌مندی بی‌حساب را بدنبال ندارد. نصیب هرکس محدود و مشخص است. «نَصِيْبَكَ»
- ۹- آخرت طلبی از طریق احسان به دیگران است. «وَابْتَغِ... وَ أَحْسَنَ»
- ۱۰- برای دعوت دیگران به احسان، یادآوری احسان الهی در حق آنان کارساز است. «أَحْسَنَ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ»
- ۱۱- سرمایه‌داران بی‌ایمان، در معرض فساد هستند. «لَا تَبْغِ الْفَسَادَ»

﴿ ۷۸ ﴾ قَالَ إِنَّمَا أُوتِيْتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي - أَوْلَمْ يَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ مِنْ

قَبْلِهِ مِنَ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَ أَكْثَرُ جَمْعًا وَلَا يُسْأَلُ

عَنْ ذُنُوبِهِمُ الْمُجْرِمُونَ

(قارون در جواب) گفت: همانا این (ثروت فراوان) به واسطه دانشی که نزد من است، به من داده شده، آیا او نمی‌دانست که خداوند، قبل از او از میان نسل‌ها، کسانی را که از او نیرومندتر و مال‌اندوزتر بودند، هلاک کرده است؟ و (در آن هنگام حتی) از گناهان مجرمان (هم) سؤالی نمی‌شود؟!

### نکته‌ها:

□ سؤال: با این‌که در آیات بسیاری از قرآن می‌خوانیم که سؤالِ قیامت از همه کس؛ ﴿فَلَنَسْئَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلَنَسْئَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ﴾<sup>(۱)</sup>، از همه چیز؛ ﴿وَلَنَسْئَلَنَّ عَمَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾<sup>(۲)</sup>، از همه حال؛ ﴿إِنْ تُبَدُّوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخْفَوْهُ يُحَاسِبِكُمْ بِهِ اللَّهُ﴾<sup>(۳)</sup> و از همه جا؛ ﴿إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ﴾<sup>(۴)</sup> خواهد بود، پس چرا در این آیه آمده است: ﴿لَا يَسْئَلُ عَنْ ذُنُوبِهِمُ الْمُجْرِمُونَ﴾؟!

پاسخ: آیاتی که دلالت بر سؤال دارد، مربوط به قیامت است؛ ولی آیه اخیر، اشاره به زمان نزول قهر الهی در دنیا است که در آن هنگام دیگر مهلتی برای سؤال و جواب وجود ندارد.

### پیام‌ها:

- ۱- غرور علمی، گاهی آنچه‌انسان را خودم‌محور می‌سازد که دیگر نقش هیچ کس یا هیچ چیز را قبول ندارد. ﴿إِنَّمَا أَوْتَيْتَهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي﴾
- ۲- به علم خود نازیدن، اخلاق قارونی است. ﴿عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي﴾
- ۳- ثروت و قدرت را احسان الهی بدانیم، نه محصول علم و تلاش خود. (مردم می‌گفتند: این خداوند است که به تو ثروت داده است، قارون می‌گفت: خودم بر اساس علم، آن را پیدا نموده‌ام.) ﴿إِحْسَنَ اللَّهُ - عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي﴾
- ۴- آشنایی با تاریخ، بهترین درس عبرت است. ﴿أَوَلَمْ يَعْلَم... مِنْ قَبْلِهِ﴾
- ۵- قلع و قمع گردنکشان، از سنت‌های خداوندی است. (قدرت و ثروت، مانع

۳. بقره، ۲۸۴.

۲. نحل، ۹۳.

۱. اعراف، ۶.

۴. لقمان، ۱۶.

- نزول قهر الهی نیست.) ﴿أهلك من قبله﴾  
 ۶- قدرت و ثروت، سعادت آفرین نیست. ﴿أهلك... أشد منه قوّة و أكثر جمعا﴾  
 ۷- دست بالای دست بسیار است. ﴿من هو أشد منه﴾  
 ۸- هشدار! اگر قهر الهی فرا رسد، دیگر فرصتی برای سؤال و جواب و چون و چرا نخواهد بود. ﴿لایسئل عن ذنوبهم المجرمون﴾

﴿۷۹﴾ فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ

(روزی قارون) با تمام تجمل خود در میان قومش ظاهر شد، (با دیدن این صحنه) آنان که خواهان زندگانی دنیا بودند (آهی کشیده و) گفتند: ای کاش مثل آنچه به قارون داده شده، برای ما نیز بود. براستی که او بهره‌ی بزرگی (از نعمت‌ها) دارد.

#### پیام‌ها:

- ۱- قدرت و ثروت در دست انسان‌های غافل، سبب فخرفروشی، خودنمایی و تجمل‌گرایی است. ﴿فخرج علی قومه فی زینته﴾
- ۲- به رخ کشیدن ثروت، صفتی قارونی است. ﴿فخرج علی قومه فی زینته﴾
- ۳- قارون صفتان، خود را برتر از دیگران می‌دانند. ﴿علی قومه﴾
- ۴- اشرافی‌گری حاکمان، می‌تواند فرهنگ مردم را تغییر دهد. ﴿علی قومه فی زینته... یا لیت لنا...﴾
- ۵- ظواهر زیبای دنیا، دامی برای جذب و انحراف کوته‌فکران است. ﴿قال الذین یریدون الحیاة الدنیا﴾
- ۶- آرزوی قارون شدن، آرزوی دنیاپرستان کم‌خرد است. ﴿یریدون الحیاة الدنیا یا لیت لنا...﴾

﴿۸۰﴾ وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَيَلِكُمْ ثَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِّمَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا وَلَا يُلَاقَاهَا إِلَّا الصَّابِرُونَ

و (اما) کسانی که علم و آگاهی (واقعی) به آنان داده شده بود، گفتند: وای بر شما! پاداش الهی برای کسانی که ایمان آورند و کار شایسته انجام دهند (از این مال و ثروت)، بهتر است، و (البته) جز صابران، آن (پاداش) را دریافت نخواهند کرد.

#### نکته‌ها:

□ قارون، خود را عالم و کسب ثروت را به واسطه‌ی علم خود می‌دانست؛ ﴿اوتيته على علم عندى﴾ اما خداوند در این آیه می‌فرماید: علم حقیقی با مال اندوزی سازگار نیست.

#### پیام‌ها:

- ۱- دل‌باختگان دنیا سزاوار سرزنش و نکوهش‌اند. ﴿ویلکم﴾
- ۲- خداوند از فرزندگان بنی‌اسرائیل به‌خاطر برخورد با دل‌باختگان دنیا ستایش می‌کند. ﴿قال الذین اوتوا العلم ویلکم...﴾
- ۳- علم واقعی، انسان را به سوی آخرت و تقوی و عمل صالح سوق می‌دهد. ﴿قال الذین اوتوا العلم ویلکم ثواب الله خیر﴾
- ۴- عالم آگاه کسی است که زرق و برق دنیا او را مجذوب نسازد و دنیاگرایان را تحقیر کند. ﴿قال الذین اوتوا العلم ویلکم ثواب الله خیر﴾
- ۵- علما باید مردم را از عشق به دنیا برحذر دارند. ﴿قال الذین اوتوا العلم ویلکم ثواب الله خیر﴾
- ۶- اگر چیزی را از کسی منع می‌کنیم، در صورت لزوم و توان، بهتر از آن را به او عرضه نماییم. ﴿ثواب الله خیر﴾
- ۷- ایمان و عمل صالح، زمانی سعادت‌آفرین است که انسان بر آن پایدار باشد. ﴿آمن و عمل صالحاً و لا یلقاها الا الصابرون﴾

﴿ ۸۱ ﴾ فَخَسَفْنَا بِهِ وَبِدَارِهِ الْأَرْضَ فَمَا كَانَ لَهُ مِنْ فِئَةٍ يَنْصُرُونَهُ مِنْ  
 دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُنتَصِرِينَ

پس ما، او و خانه‌اش را به زمین فرو بردیم و هیچ گروهی نبود که او را در برابر  
 قهر خداوند یاری کند و خودش نیز نمی‌توانست از خویش دفاع نماید.

#### نکته‌ها:

□ انسان می‌تواند در دو قوس حرکت کند: قوس صعودی که به معراج رسد و قوس نزولی که  
 به زمین فرو رود.

#### پیام‌ها:

- ۱- نتیجه ظلم، هلاکت است. ﴿فَبِغْيِ عَلَيْهِمْ... فَخَسَفْنَا بِهِ﴾
- ۲- زمین، گاهی مأمور قهر خداوند است. ﴿فَخَسَفْنَا بِهِ وَبِدَارِهِ الْأَرْضُ﴾
- ۳- سرانجام ثروت‌اندوزی، بخل، غرور و هلاکت است. ﴿فَخَسَفْنَا بِهِ وَبِدَارِهِ  
 الْأَرْضُ﴾
- ۴- ثروت، وسیله‌ی نجات نیست. ﴿مَا كَانَ مِنَ الْمُنتَصِرِينَ﴾

﴿ ۸۲ ﴾ وَأَصْبَحَ الَّذِينَ تَمَنَّوْا مَكَانَهُ بِالْأَمْسِ يَقُولُونَ وَيَكَانُ اللَّهُ يَبْسُطُ  
 الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَوْ لَأَنَّ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا لَخَسَفَ  
 بِنَا وَيَكَانَهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ

و همان کسانی که موقعیت دیروز او (قارون) را آرزو می‌کردند (با دیدن  
 صحنه هلاکت او) می‌گفتند: وای! (بر ما) گویا خداوند، (رزق و) روزی را بر  
 هر کس از بندگانش که بخواهد، گشاده و یا تنگ می‌گرداند، (و) اگر خداوند  
 بر ما منت ننهاده بود، هر آینه ما را نیز (با او) به قعر زمین برده بود، وای!  
 گویی کافران، رستگار نمی‌شوند.

## پیام‌ها:

- ۱- در برخورد با مسائل، زود قضاوت نکنیم. (آنان که دیروز حسرت می‌خوردند ای کاش مثل قارون بودند، امروز می‌گویند: چه خوب شد که ما مثل او نبودیم) ﴿تَمَتُّوا مَكَانَهُ بِالْأَمْسِ يَقُولُونَ - وَ يَكَاةً...﴾
- ۲- هرگز نخواهیم که مانند ثروتمندانِ مغرور و غافل باشیم. ﴿تَمَتُّوا مَكَانَهُ... وَ يَكَاةً﴾
- ۳- به جای تمنای ثروت دیگران، به داده‌های الهی قانع باشیم. ﴿تَمَتُّوا مَكَانَهُ... يَبْسُطُ الرِّزْقَ... وَ يَقْدِرُ﴾
- ۴- همه آرزوها، به صلاح نیست. ﴿تَمَتُّوا مَكَانَهُ﴾
- ۵- گاه، مستجاب نشدن دعا و برآورده نگردیدن آرزو، بزرگ‌ترین لطف و منت الهی بر انسان است. ﴿تَمَتُّوا مَكَانَهُ... مِنْ اللّٰهِ عَلَيْنَا﴾
- ۶- حوادث، سبب بیداری فطرت‌ها و تغییر پندارها و خواسته‌های غلط است. ﴿لَوْ لَا أَنْ مِنَ اللّٰهِ عَلَيْنَا﴾
- ۷- ثروتی که انسان، آن را از جانب خدا و برای او نداند، او را به کفر می‌رساند. ﴿لَا يَفْلَحُ الْكَافِرُونَ﴾

﴿ ۸۳ ﴾ تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَ  
لَا فَسَادًا وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ

(ما، نجات و سعادت در آن سرای آخرت را (تنها) برای کسانی قرار می‌دهیم که خواستار برتری و فساد در زمین نباشند و سرانجام، (رستگاری) از آن پرهیزکاران است.)

## نکته‌ها:

□ این آیه به منزله قطعنامه داستان قارون است که هر گونه ثروت‌اندوزی و برتری‌جویی، مایه‌ی هلاکت در دنیا و شقاوت در آخرت می‌شود. بر اساس روایات، حضرت علی علیه السلام، این



آیه را برای تاجران بازار تلاوت می فرمود.<sup>(۱)</sup> امام خمینی علیه السلام بنیانگذار جمهوری اسلامی نیز در پایان درس اخلاقشان برای طلاب و فضلالی حوزه‌ی علمیه‌ی قم به آن عنایت داشتند. □ در حدیث می خوانیم که اگر کسی به واسطه بهتر بودن بند کفشش بر دیگری خود را برتر ببیند، جزو کسانی است که اراده‌ی علو در زمین دارند. چه بسیارند کسانی که در تهیه مسکن، مرکب، لباس، کلام، ازدواج و نام‌گذاری فرزند، کاری می‌کنند که در جامعه نمودی داشته باشند و مردم متوجه آنان شوند که به فرموده روایت، این افراد اراده برتری در زمین دارند و از بهشت محرومند.

### پیام‌ها:

- ۱- سرای آخرت بس عظیم است. (کلمه‌ی «تلك» برای بیان عظمت است)
- ۲- هرگونه برتری طلبی، ممنوع است. ﴿لَا یَرِیدُونَ عُلُوًّا﴾
- ۳- منشأ فساد، برتری جوئی است. ﴿لَا یَرِیدُونَ عُلُوًّا... و لا فسادا﴾
- ۴- پرهیزکار کسی است که اراده‌ی تفاخر و برتری بر دیگران ندارد. ﴿لَا یَرِیدُونَ عُلُوًّا... و العاقبة للمتقين﴾

﴿ ۸۴ ﴾ مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى الَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

هرکس نیکی آورد، برای او (پاداشی) بهتر از آن خواهد بود، و هرکس بدی آورد، پس کسانی که کارهای ناروا انجام دهند، جز (به اندازه) آنچه کرده‌اند، مجازات نمی‌شوند.

### پیام‌ها:

- ۱- کار نیک، مطلوب و پسندیده است، از هر کس و به هر مقدار که باشد. ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ﴾

۱. تفاسیر مجمع‌البیان و روح‌البیان.

۲- مهم‌تر از انجام کار نیک، به سلامت رساندن آن به صحنه‌ی قیامت است. ﴿جاء بالحسنة﴾ (چه بسیارند کسانی که کارهای خوبی انجام می‌دهند، ولی به واسطه گناه، منت گذاشتن، عجب و یا تحقیر دیگران، آن را از بین می‌برند و نمی‌توانند کار خوب خود را به قیامت برسانند.)

۳- انسان‌ها در انتخاب راه زندگی خود آزادند. ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ - مَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ﴾  
 ۴- حتی در گفتار، سخن خویش را از خوبی‌ها آغاز کنیم. (ابتدا کلمه «الحسنة» آمده، سپس «السيئة»)

۵- در نظام سراسر لطف الهی، پاداش نیکی‌ها بیشتر از خود نیکی‌هاست هر چند به مرحله عمل نرسد و در حالت اندیشه و طرح باقی بماند، ولی کیفر کار بد به اندازه کار بد و به شرطی است که از درجه‌ی فکر و اندیشه بگذرد و لباس عمل بپوشد. ﴿عملوا السيئات﴾

۶- کار نیک دیگران را فراموش نکنیم، حتی اگر یک عمل ساده باشد، ﴿الحسنة﴾ ولی بدکاران را وقتی جزا دهیم که بر کار بد خود اصرار داشته باشند. ﴿ما كانوا يعملون﴾

۷- خداوند پاداش نیکی‌ها را با فضل خود می‌دهد، ولی در کیفر بدکاران با عدل خویش رفتار می‌کند. ﴿فله خيرٌ منها - لا يجزي... الا ما كانوا يعملون﴾

﴿۸۵﴾ إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَأْدُكَ إِلَيَّ مَعَادٍ قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ مَنْ

جَاءَ بِالْهُدَىٰ وَمَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

همانا آن کس که قرآن را (بر تو نازل و عمل به آن را) بر تو واجب کرد، قطعاً تو را به وعده‌گاه (و زادگاهت) باز خواهد گردانید. بگو: پروردگارم آگاه‌تر است که چه کسی هدایت آورده و چه کسی در گمراهی آشکار است.

### نکته‌ها:

□ در آیه هفتم گذشت که خدا به مادر موسی الهام فرمود که فرزندی را به دریا بیندازد و نگران

مباش که ما او را به تو باز خواهیم گرداند، «القیه فی الیم - انا رادّوه الیک» ﴿ در این آیه نیز خدا به پیامبر اسلام وعده می‌دهد که او را به زادگاهش بازگرداند. ﴿لرادّک الی معاد﴾ آری، همان قدرتی که موسی را به مادر برگرداند، تو را نیز (بعد از هجرت) به مکه برخواهد گرداند.

□ در این‌که «معاد» اشاره به چه معنایی دارد و مصداق آن چیست، نظرات متفاوتی ارائه شده است؛ بعضی آن را «مکه» زادگاه پیامبر ﷺ و این آیه را یک خبر غیبی دانسته‌اند، که ای پیامبر! روزی همین مکه به دست تو فتح خواهد شد و به آن بازخواهی گشت. عده‌ای نیز آن را مقام محمود پیامبر (مقام شفاعت)، و جمعی هم آن را به قیامت و بهشت، معنا و تفسیر کرده‌اند.

اما روایات، مراد از معاد در این آیه را رجعت پیامبر اسلام به دنیا می‌دانند. از عقاید قطعی ما که از آیات و روایات بسیاری بر می‌آید، «رجعت» است. یعنی این‌که خداوند گروهی از اولیای خود را قبل از قیامت به دنیا برخواهد گرداند.

### پیام‌ها:

- ۱- ابلاغ قرآن سبب تمرّد کفار و هجرت پیامبر شد؛ اما خدای قرآن دوباره پیامبر را به زادگاهش برخواهد گرداند. ﴿لرادّک الی معاد﴾
- ۲- تلاوت، تبلیغ و عمل به قرآن، قبل از هر کس بر خود پیامبر واجب است. ﴿فرض علیک القرآن﴾
- ۳- تعبیر به فریضه بودن قرآن، نشانه‌ی اهمّیت و جایگاه والای آن است. ﴿فرض علیک القرآن﴾
- ۴- در مقام بیان نیز ابتدا از نقاط مثبت شروع کنیم. ﴿من جاء بالهدی - من هو فی ضلال﴾

﴿۸۶﴾ وَمَا كُنْتَ تَرْجُو أَنْ يُلْقَىٰ إِلَيْكَ الْكِتَابُ إِلَّا رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ  
فَلَا تَكُونَنَّ ظَهِيرًا لِّلْكَافِرِينَ

و تو امید نداشتی که (این) کتاب (آسمانی) به تو القا گردد، (و این نزول نبود)، مگر  
رحمتی از سوی پروردگارت، پس (به شکرانه‌ی آن) هرگز پشتیبان کافران مباش.

#### نکته‌ها:

- دو شباهت میان حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام و محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در آیات این سوره به چشم می‌خورد:
۱. حضرت موسی به امید به دست آوردن آتش، به سوی آن رفت و به نور رسید، ﴿فَلَمَّا آتَاهَا نودى...﴾ (آیه ی ۳۰)، پیامبر اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز به قصد عبادت به غار حرا رفت که با وحی آسمانی آشنا شد. ﴿ما كنت ترجوا ان...﴾
  ۲. در آیه هفده حضرت موسی اظهار داشت: ﴿رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَنْ أَكُونَ ظَهِيرًا لِّلْمُجْرِمِينَ﴾ پروردگارا! به خاطر لطفی که به من کردی من هرگز یاور تبهکاران نخواهم بود. در این آیه نیز خداوند به پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: ﴿يُلْقِ الْإِلَهِيكَ الْكِتَابَ... فَلَا تَكُونَنَّ ظَهِيرًا لِّلْكَافِرِينَ﴾ به خاطر کتاب آسمانی که به تو القا شده، هرگز یاور کافران مباش.

#### پیام‌ها:

- ۱- حتی انبیا با آن پاکی روح و کمال عبودیت، توقع دریافت وحی نداشته‌اند، وحی، رحمت الهی بوده است. ﴿ما كنت ترجوا...إلا رحمة من ربك﴾
- ۲- بعثت پیامبران و نزول کتب آسمانی، از شئون ربوبیت خداوند است. ﴿رحمة من ربك﴾
- ۳- برائت و پرهیز از پشتیبانی کافران به قدری مهم است که شکرانه‌ی نزول وحی قرار گرفته است. ﴿يُلْقِ الْإِلَهِيكَ الْكِتَابَ... فَلَا تَكُونَنَّ...﴾
- ۴- هرگونه حمایت از کفر و پشتیبانی از جرم ممنوع است. ﴿فلا تكونن ظهیراً للکافرین﴾

﴿ ۸۷ ﴾ وَ لَا يَصُدُّنَكَ عَنْ آيَاتِ اللَّهِ بَعْدَ إِذْ أَنْزَلْتُ إِلَيْكَ وَ أَدْعُ إِلَىٰ رَبِّكَ وَ لَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

و (به هوش باش) پس از آنکه آیات الهی به سوی تو نازل گردید، (وسوسه‌ها و تهدیدات کفار) تو را (از تبلیغ و عمل به آن) باز ندارد و (همچنان دیگران را) به سوی پروردگارت دعوت کن و هرگز از مشرکان مباش.

### نکته‌ها:

□ بعثت، مراحلی دارد:

الف: گرفتن وحی. ﴿يُلْقِ إِلَيْكَ الْكِتَابَ﴾

ب: براءت از کفار. ﴿فَلَا تَكُونَنَّ ظَهِيرًا﴾

ج: صلابت در کار. ﴿لَا يَصُدُّكَ﴾

د: دعوت دیگران. ﴿أَدْعُ إِلَىٰ رَبِّكَ﴾

ه: اخلاص در عقیده و عمل. ﴿لَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾

□ توجه به توحید و نفی شرک و کفر آنچنان مهم است که خداوند در این آیات بارها پیامبر ﷺ را بر آن هشدار می‌دهد. غالب جملات پیرامون این مسئله در آیات اخیر، با نون تأکید ثقیله و با لحن مبالغه آمده است. ﴿لَا تَكُونَنَّ - لَا يَصُدُّكَ - لَا تَكُونَنَّ﴾

### پیام‌ها:

- ۱- کوتاه آمدن در ابلاغ وحی، نوعی تقویت کفر است. ﴿فَلَا تَكُونَنَّ ظَهِيرًا لِلْكَافِرِينَ وَ لَا يَصُدُّكَ﴾
- ۲- دشمنان حتی برای شخص پیامبر ﷺ نیز نقشه دارند. ﴿لَا يَصُدُّكَ﴾
- ۳- رهبران آسمانی نیز به تذکرات الهی نیازمندند. ﴿لَا يَصُدُّكَ﴾
- ۴- رسالت باید همراه عزت و قاطعیت باشد. ﴿لَا يَصُدُّكَ... بعد از انزلت﴾
- ۵- علم و آگاهی، مسئولیت را سنگین‌تر می‌کند. ﴿بعد از انزلت الیک﴾
- ۶- کسی در دعوت به حق موفق می‌شود که قاطع و نفوذناپذیر باشد. ﴿لَا يَصُدُّكَ...﴾

أُدْعِ إِلَىٰ رَبِّكَ ﴿

۷- دعوت باید خالصانه باشد و هیچ مسئله‌ای را جز رضای خداوند در نظر نگیرد. ﴿أُدْعِ إِلَىٰ رَبِّكَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ آری کسی که به خاطر ملاحظه دیگران دعوت به خدا نکند، در مدار شرک قرار گرفته است.

۸- دعوت باید به سوی خدا باشد، نه خود. ﴿أُدْعِ إِلَىٰ رَبِّكَ﴾

۹- شرک‌زدایی و مبارزه با کفر، سرلوحه‌ی فعالیت پیامبران و از تأکیدات بسیار جدی خداوند است. ﴿لَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾

﴿۸۸﴾ وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ

لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

و (هرگز) معبود دیگری را با «الله» مخوان که معبودی جز او نیست. همه چیز جز وجه او نابود است، حکم (و حاکمیت، تنها) از آن اوست، و همه به سوی او بازگردانده می‌شوند.

#### نکته‌ها:

□ فرقه‌ی «وهابیت» اظهار می‌نمایند که هرکس، غیر خدا را بخواند، مشرک می‌شود؛ زیرا خداوند فرموده است: ﴿فَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ أَحَدًا﴾<sup>(۱)</sup>، بنابراین کسانی که در توسل، اولیای خدا را صدا می‌زنند، مشرکند! اما این آیه توضیح می‌دهد که مشرک، کسی است که غیر خدا را به عنوان خدای دیگر بخواند: ﴿لَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ﴾ و ناگفته پیداست که شیعیان هیچ مقامی را به عنوان خدا صدا نمی‌زنند، بلکه به عنوان کسی که نزد خداوند آبرو دارد صدا می‌زنند، آن هم آبرویی که از طرف خداوند به او داده شده است، نظیر انبیا و اولیای الهی، نه هر شفیع و آبرومند موهومی. زیرا بت‌پرستان نیز در دنیای خیال خود، برای بت‌ها آبرویی تصوّر می‌کردند.

□ در این آیه، شرک‌زدایی با عبارات مختلفی بیان شده است؛

الف: خدای دیگری را با «الله» مخوانید.

ب: معبودی جز الله نیست.

ج: همه چیز جز او نابود شدنی است.

د: حاکمیت، تنها از آن اوست.

ه: تنها به سوی او باز می‌گردید.

□ پادشاه کشور سعودی هر سال روز عید قربان علمای فرقه‌های اسلامی را میهمان می‌کند. در یکی از سالها علامه سید شرف‌الدین جبل عاملی (از علمای برجسته لبنانی) به مهمانی دعوت می‌شود. علامه همین که وارد جلسه شد، قرآنی را که جلد چرمی داشت به شاه هدیه کرد. شاه آن را گرفت و بوسید. علامه گفت: تو مشرک هستی! شاه ناراحت شد که چرا چنین تهمت می‌زنی؟ علامه گفت: چون شما چرمی را بوسیدی که پوست حیوان است و احترام به پوست حیوان شرک است!

شاه گفت: من هر پوستی را نمی‌بوسم، کفش من از چرم و پوست حیوان است؛ ولی هرگز آن را نمی‌بوسم، این قطعه چرم، جلد قرآن قرار گرفته است. علامه فرمود: «ما نیز هر آهنی را نمی‌بوسیم، آهنی را می‌بوسیم که صندوق یا ضریح و دژ و پنجره‌ی قبر پیامبر یا امامان معصوم علیهم‌السلام باشد».

آری، شرک آن است که ما کسی یا چیزی را در برابر خدا علم کنیم و برای او قدرتی مستقل قائل شویم، در حالی که شیعه قدرت اولیای خدا را مستقل نمی‌داند، بلکه قدرتی وابسته به قدرت الهی می‌داند و اگر گنبد و بارگاهی می‌سازد به خاطر آن است که به مردم اعلام کند در این جا مرد توحید دفن شده است. کسی که در اینجا دفن شده در راه خدا شهید گشته و فدا و فنای توحید شده است. پس گنبد و بارگاه، یعنی مرکزی که زیر آن فریاد توحید بلند است، نه مرکزی در برابر مسجد.

□ امام رضا علیه‌السلام فرمودند: «وجه الله» پیامبر خدا و حجّت‌های او در زمین هستند که به وسیله

آنان به خدا، دین و معرفت او توجه می‌شود.<sup>(۱)</sup> در دعای ندبه درباره امام زمان علیه السلام می‌خوانیم: «أین وجه الله الذی یؤتی» و نیز می‌خوانیم: «أین وجه الذی یتوجّه الیاء»

## پیام‌ها:

- ۱- موّحد واقعی کسی است که از همه‌ی معبودها، اَبَر قدرت‌ها، ایسم‌ها و طاغوت‌ها آزاد باشد. ﴿لا تدع مع الله الها آخر﴾
- ۲- به آنچه رفتنی است، دل نبندیم و خود را اسیر آنها نسازیم. ﴿کلّ شیء هالک الا وجهه﴾ چنانکه حضرت ابراهیم فرمود: ﴿لا أحبّ الاقلین﴾<sup>(۲)</sup>
- ۳- حاکمیّت، مخصوص خداوند است. ﴿له الحکم﴾
- ۴- معبود واقعی چند شرط دارد:
  - الف: فناپذیر نباشد. ﴿کلّ شیء هالک الا وجهه﴾
  - ب: بر هستی فرمانروا باشد. ﴿له الحکم﴾
  - ج: فرجام همه به دست او باشد. ﴿الیه ترجعون﴾
  - ۵- مرگ، نابودی نیست، بازگشت به مبدأ است. ﴿الیه ترجعون﴾

پروردگارا! مزه‌ی تلاوت، تدبّر و پندگیری از قرآن را به ما بچشان.  
 پروردگارا! چراغ دل ما را به نور قرآن روشن و وجود ما را روشنی بخش قرار ده.  
 پروردگارا! رفتار و گفتار ما را برخاسته از قرآن و سیره و سنّت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قرار بده.  
 واهل بیت معصومش علیهم السلام قرار بده.

آمین ربّ العالمین

۱. توحید صدوق، ص ۱۱۷.

۲. انعام، ۷۶.